



درسهایی از بیت المقدس خونین

پیروزی خونین شهر، سرکوبی جنوب لبنان
در صفحه ۱۴

سخن امام راهنمای مستضعفین

در صفحه ۲

فَاتَمَّ الْعَسْرُ نِسْرًا
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

لا محبه

در راه خدا قبرش را در جبهه بوسه بزنید و سحرش را
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
سال اول، شماره ۸، سه شنبه ۱ تیر/۱۳۶۱

بها ۵۰ ریال

در صفحه ۵

قدوس

وحدت کلمه تعالی بخش

بمناسبت روز قدس

علی (ع)

در صفحه ۷

وشیوه های خارجی گری

بمناسبت ماه مبارک رمضان و شهادت حضرت علی (ع)

حنیف نژاد

انتهام مشی چریکی جدا از توده

توسط حسین روحانی
در صفحه ۸

دعا

عرفان

در صفحه ۲۴

از سی تیر

تا ۲۸ مرداد

قسمت اول سی تیر

در صفحه ۹

زندگی نامه خواهر مجاهد

شهید بتول پور ابراهیمی

مطالب این شماره

* سر مقاله:

* ۷ تیر و خاطرات یک شهید

* سخن امام راهنمای مستضعفین

* تحلیل ایدئولوژیک:

* "دعا" - عرفان در صحنه

* (ع) و شیوه های خارجی گری

* تحلیل استراتژیک:

* "قدس" وحدت کلمه تعالی بخش

* سازماندهی و مکتب (۲)

* تحلیل سیاسی - استراتژیک

* درسهایی از بیت المقدس خونین

"پیروزی خونین شهر سرکوبی جنوب

لبنان"

* خبرنامه استراتژیک

* "حنیف نژاد" واتهام مشی چریکی جدا

از توده توسط حسین روحانی

* از ۳۰ تیر تا ۲۸ مرداد

(قسمت اول ۳۰ تیر)

* سالگرد شهادت مجاهد شهید عباس

بروغنی

* شهادت خواهر مجاهد بتول پور

ابراهیمی

سازماندهی و مکتب

* اصول فطری و یقینی هستند * در صفحه ۳



تیر

و خاطرات یک شهید

بسم الله الرحمن الرحيم

یکسال است که از شهادت نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای حزب میگذرد. هواداران رجوی با کار گذاشتن بمبی در مقر مرکزی دفتر حزب جمهوری بیش از ۷۲ تن را به شهادت رساندند روز بعد خون شهدا همه ملت را بسیج کرد و به سرعت توطئه را خنثی نمود. هر فردی تحلیلی از این شهادت و توطئه انفجار داشت به نظر ما بهترین تحلیل احساسات پاک و عمیق یک شهید جنگ اسلام و کفر است که در دفتر خاطرات خود نوشته است

مضمون خاطرات شهید

امروز از جبهه به هوا از مدیم، برادران هرکدام حالتی داشتند یکی با خیر شنیدن انفجار روها دتها زار زار گریه میکرد، دیگری بغض گلویش را گرفته بود. آن دیگری به حدی خشکین شده بود که به بر خورد های کینه توزانه معتقد شده و ولی هیچکدام از این برادران متوجه عمق فاجعه نبودند. که شهادت ۷۲ تن یعنی چه؟ من عمیقاً ناراحت شده بودم چرا که خط مشی معتدل کردن حاکمیت را در این توطئه می بینم.

خط اولاف پالمه

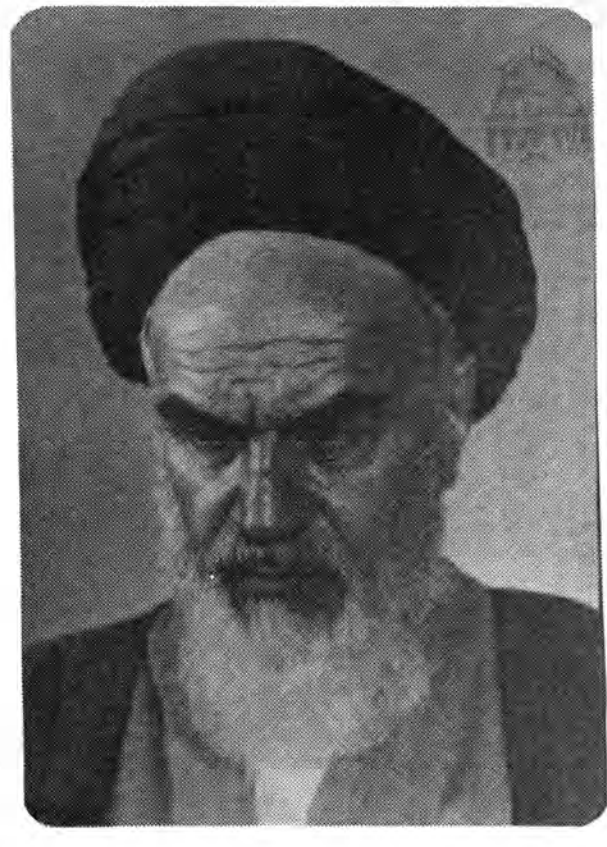
اولاف پالمه نماینده میانجی سازمان ملل پس از اتمام ماموریتش در ایران گزارشی به دبیرکل سازمان ملل ارائه داد و در آن گفته بود برای پایان دادن جنگ باید حاکمیت های دیکتاتور را تعدیل شوند و الا سازمان ملل بایستی برای پایان دادن جنگ دخالت نماید. از آنجا که جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی و کابینه شهید در جایی کوتاه نیا مدوسا زش نکردند. لذا این ماموریت (تعدیل حاکمیت) به تروریسم ناگذا رگزدید خط مشی امام این بود که جنگ رحمت است، جنگ تحمیلی رحمت است و نه رحمت، جنگ تحمیلی برکات زیادی دارد و جوهره انسانی را فعال می کند. دانشما درجه بسیج مستضعفین و شدت دفع این تجاوز افزوده می شد. آمریکا از حاکمیت پایگاه های خود در ایران مایوس شده بود، می بینیم خط مشی عربستان این است که نفت خود را از بحر احمر صا در کند و همچنین عراق و چرا که امیدی به خلیج فارس و تنگه هرمز ندارند.

ولی دیدیم که هدف صدام از جنگ تحمیلی تنها و تنها آدمکشی و تروریسم است. تک دا و طلبین عاشقی است که از اطراف و اکناف برای دفاع از اسلام و خط امام به جبهه ها آمدند. در برابر آنها جم رزمندگان اسلام خط مشی صدام عقب نشینی و وارد آوردن خسارت حمله های مستمر و نتایج کشتن انسانها بود. و طرفداران "بنی رجوی" همین وظیفه را به عهده گرفتند.

از آنجا که انقلاب به رهبری امام به شیوه بسیج مستضعفین به پیروزیهای زیادی رسید و شاه را سرنگون کرد و انقلاب هم به شیوه بسیجی دست به انفجار مقرر حزب زد تا بایک عمل عده زیادی از کادرهای خط امام را به شهادت برساند. توطئه این بود که پس از این انفجار رثیات ایران به هم بریزد و بر خورد کور و خشم آلودی از طرف مسئولین ایجا د شود که موجب تشدید ناراضی گشته و خط بنی رجوی تقویت گردد و همطور که ما گفتند: ملت دیگر ترور - یستها را نمی پذیرد اگر آنها قصدشان حاکمیت است دیگر در قلب بقیه در صفحه ۲

استقلال آزادی جمهوری اسلامی

سخن امام راهنمای مستضعفین



بسم الله الرحمن الرحيم
 با سخا امام امت به تلگرام
 آیت ا... مرعشی نجفی: در تاریخ
 ۶۱/۲/۲۲ اطلاعات
 ... حمله گستاخانه رژیم کافر
 بعث عراق که با تحریک ابوقدرتها
 خصوصا امریکای جها نخواستار انجام
 گرفت و با انگیزه خدمت به
 دشمنان اسلام و بشریت بوده از
 طلوعه آن پیش بینی میشد که با
 شکست مفتضحانه روبرو خواهد شد
 و بدبختی و تکت و ذلت برای
 دشمنان خدای تعالی ببار خواهد
 آورد.
 راه مجاهد:
 امام پیش بینی اصولی
 استراتژیک را قبول کرده اند.
 * * * * *
 سخنان امام در دیدار با
 مسئولین شورای عالی و سازمان

تبلیغات اسلامی، ا... جمعه قم
 و غرب تهران: در تاریخ ۶۱/۲/۲۷
 ... من امروز برای خاطر
 اینکه در تاریخ مسئله بما تعرض
 میکنم که دولت و ملت ایران با
 همه ملتها و با همه دستگاہها بی که
 انحراف ندادند مخالفت ندارند
 و از اول هم اعلام کرده است که ما
 به زمینهای دیگران هیچ نظری
 نداریم و پیش ما اشلش زمین نیست
 طبیعت و مادیت آنقدرها نیست
 که به ازای آن با مسلمانان جهان
 به جنگ برخیزیم این یک برنامه -
 ای است که مخالفین اسلام دارند
 و سرکشان دنیا و اربابهای آنها
 دارند که با ید سرکوبی کرد تمام
 مستضعفان جهان را تا به قدرت
 رسید و به نواشی رسید و اسلام یک
 همچا مری را محکوم میکند.....
 اگر صدام نجات پیدا کند و قدرت
 بدست بگیرد آدمی نیست که

قدرشناسی از مثال شما بکنند
 آدمی است که خون بزرگ بینی
 خودش را در دو با این جنونیا
 شما که با او همراهی کرده اید به
 جنگ برمی خیزد.
 ... من و دولت ایران و ملت
 ایران اعلام میکنیم که شما اگر
 چنانچه با صدام همراهی نکنید و
 اگر چنانچه بطور اسلامی با ما
 رفتار نکنید و به برنامهای قرآن
 حکیم با ما رفتار نکنید و با ملتها
 رفتار نکنید دولت ایران و ملت
 ایران با شما برابر است و از شما
 حمایت خواهد کرد، لکن اگر
 چنانچه خدای نخواستار انحرافی
 عمل کنید و خودتان را به این
 دام بیندازید مطمئن باشید که
 شما از صدام قدرتمندتر نیستید و
 آنهائی که مثل دولت مصر
 میخواستند به او کمک کنند آنها هم
 تجربه کنند ببینید که چه خواهد شد
 و من نصیحتشان میکنم که این
 تجربه را نکنند و جوانهای بیگانه
 مردم را به تباہی نکشند.

* * * * *
 ۶۱/۳/۴
 پیام امام بمناسبت فتح خرمشهر:
 ... ملت عزیز هشیار باشید که پیروزیها
 هر چند عظیم و حیرت انگیز است شما را
 از یاد خداوند که نصر و فتح در دست او است
 غافل نکند و غرور شمارا به خود جلب نکند
 که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است.
 خطاب به کشورهای منطقه: ... آنان
 می دانند امروز با فتح خرمشهر مظلوم دولت

و ملت پیروزند ما از موضع قدرت سخن
 می گویند و من به پیروی از آنان به شما
 اطمینان می دهم که اگر از اطاعت بی چون
 و چرای آمریکا و بستگان آن دست بردارید
 و با ما به حکم اسلام و قرآن کریم رفتار
 کنید از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید
 دید و شما بدانید آنقدر که ابرقدرتها از
 صدام این نوکر چشم و گوش بسته پشتیبانی
 کردند از شماها که قدرتهای کوچک و
 حکومتهای ضعیف هستند پشتیبانی نمیکنند
 ... اگر با نشستهای خود بخواهید طرح
 کمپ دیوید یا فهد را که مرده اند زنده کنید
 که ما خطر بزرگ برای کشورهای اسلامی
 خصوصا "حرمین شریفین میدانیم اسلام
 به ما اجازه سکوت نمی دهد و اینجانب در
 پیشگاه مقدس خداوند تکلیف الهی خود
 را اداء نمودم.

پیام امام بمناسبت تولد امام حسین
 "ع" و روز پاسدار: ... آنان که به خیال
 خام خود برای مقابله با جمهوری اسلامی
 در بازگرداندن مصر به جامعه عرب کوشش
 میکنند سخت در اشتباه هستند و گور خود
 را با دست خود که دست جنایتکار آمریکا
 است میکنند در صورتیکه پس از پیروزی آنها
 شی که بخواست خداوند بیش از چند قدمی
 به آن نمانده است، اگر از کردار غیر
 اسلامی و غیر عربی خود پشیمان شده و
 توبه کنند در این صورت اگر دولت مردان
 ما هم قبول کنند معلوم نیست ملت ستم
 دیده عزیز از دست داده ما قبول کنند.
 در صورت عدم قبول ملت، هیچیک
 از دولت مردان ایران حق و قدرت هیچگونه
 کاری را در این زمینه ندارد، زیرا در ایران

اسلامی، مردم تصمیم گیران نهائی تمامی
 ملتند.
 ۶۱/۳/۹
 صحبت های امام در دیدار با اعضا
 ستاد بسیج اقتصادی: ... مهم این است
 که امروز همه، همه چیز را بر روی ما بستند
 و این خود نعمتی برای ما بوده است. وقتی
 همه درها بسته شد و فکرها باز، می بینند
 که فعالیتها آغاز شد و همه جا کانون فعالیت
 است. مردم همچنان در کنار دولت
 ایستاده اند و هیچگاه دولت را تنها
 نگذاشته اند و می بینند قریب دو سال است
 که جنگ را بخوبی به پیش می برند... شما
 آقایان قدر این ملت را بدانید و کوشش
 کنید رضایت آنها را که با ما و شما همراهی
 کردند حاصل کنید.

سخنان امام با نمایندگان مجلس و
 شورای قضائی: ... باید ما همه کوشش
 کنیم باینکه همانطور که جمهوری اسلامی
 را با کوشش این مردم و جمعیت های میلیونی
 اسلامی، این جمهوری اسلامی را به پیروزی
 رسانند ما همه ما مرهون زحمات و فدا -
 کاری های آنها هستیم و خداوند همه را
 سلامت بدارد و به همه شهدای ما رحمت و
 سعادت نصیب کند ما هم مرهون آنها هستیم
 و ما آن مقصدی را که آنها داشتند موظفیم
 که دنبال کنیم. مقصد آنها در شعارهای
 آنها از اول انقلاب تا حالا و انشاء الله بعدها
 هم شعارها محفوظ است. منعکس است. آنها
 استقلال می خواهند. آزادی می خواهند و
 جمهوری اسلامی می خواهند. جمهوری که
 بایدا اساسش بر احکام اسلام باشد و جمهوری
 باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 و امام زمان روحی له الفدا بپذیرد.

تیر و خاطرات...
 مردم هیچ جایی ندارند، تروریسم
 گرچه می دانند که به حاکمیت نمی -
 رسد ولی سعی دارند زمینه را بطور
 تدریجی و در دراز مدت برای
 حاکمیت عافیت طلبان فراهم
 نمایند، آنگاه با رفرمیستهای
 عافیت طلب از در آشتی درخواست
 آمد. خط مشی تروریسم در این
 مورد این است که آنقدر از زکاد -
 های خط امام شهید نمایند تا
 افراد کم کیفیت حاکم شوند. خط
 تروریستها این است که بعد از
 حاکمیت کم کیفیتها، مردم با این
 حاکمیت درگیر شوند و به اصطلاح
 آنها میارزه علیه جمهوری اسلامی
 توده ای می شود، اینها غافلند
 که مردم مسائل را خوب میفهمند
 گفتیم جوهرشکی خرنده، خرنده
 به این دلیل است که تدریجی
 بوده و توطئه برای مردم محسوس
 نباشد و مردم برای مقابله به
 کادرسازی و جوهرسازی نپردازند
 برای شکافتن خرندهگی مثالی

میزنیم، اختلاف ارتفاع بی -
 خیابان انقلاب و خیابان مولوی
 ۱۰۰ متر است ولی به علت شیب
 تدریجی اگر از طرف خیابان
 انقلاب به طرف مولوی قدم بزنیم
 به هیچ وجه احساس نمی کنیم از نظر
 ارتفاع ۱۰۰ متری افت آموده ایم.
 خط مشی کادرکشی، به علت باطل
 بودنش کوراست ولی در ضمن کور
 بودن و باطل بودن یک خط
 دراز مدت و سیستماتیک را تعقیب
 می نماید.
 کادرکشی از یک طرف کادرهای
 محتبی تثبیت شده خط امام
 را ترور می کند، از طرف دیگر
 روحانیت غیر خط امامی، کادر -
 های تثبیت نشده خط امام را تغییر
 نموده و طیف دیگری با مارک زدن
 و جوسازی افراد متعده را تصفیه
 می نماید. رجوعی طی پیا می گفته
 است ما با روحانیت اختلافی
 نداریم، و تقاضا ما با ارتجاع به
 رهبری امام است که دشمن
 اصلی شان است. وی با طرفداران
 شریعتمداری تضادی ندارد. هر

قدر که کادرهای مکتبی خط امام
 ترور می شوند زمینه برای حاکمیت
 روحانیت غیر خط امامی سا زمانها
 و انجمنهای رفرمیستی و عافیت
 طلب بیشتر فراهم می گردد، البته
 این در کوتاه مدت اثر می کند
 ولی در دراز مدت خون شهدا که
 مردم را بسیج تر نموده است
 نیرویی است که همه توطئه ها را
 خنثی میکند، آری اسلام و نهضت
 اسلامی هیچگاه هین بست ندارد و
 نهضت اسلامی دائما روبه رشد
 و گسترش صدوراست و آنچه قابل
 فکراست این است که نظام جمهوری
 اسلامی پیا پیا ی نهضت روبه رشد
 اسلامی تحول پیدا نموده و بیانگر
 نیازهای اصیل رزمندگان اسلام
 میباشد، و با آموزش و کادرسازی
 نیروهای آزاد شده و جان بکف
 خلاء کادرهای خوب را پر کند
 در سال ۵۱ ساواک
 بنیاد نگذاران سا زمان مجاهدین

و عده ای از اعضای کادر مرکزی
 را شهید کرد، از یک طرف خون این
 شهدا مردم را بسیج نمود و گروههای
 خودجوش بسیاری به صحنه عمل
 آمدند، از طرف دیگر خود سا زمان
 دچار رکمی کاری و کم کیفیتی گردید
 مشکل اصلی سا زمان در آن هنگام
 عدم پیوند به توده و یا عدم تأکید
 از جانب مقامات مذهبی و یا
 کمبود مالی و اطلاعاتی و شناسایی
 نبود بلکه کمبود کادر بود، گروه -
 های خودجوش و مسلحانه زیادی
 آماده پیوستن به سا زمان بودند
 ولی قدرت جذب آنها وجود نداشت،
 و طوری شده بود که حرکت انقلابی
 مردم شتابش بیشتر از سرعت
 سا زمان گردید و سا زمان از مردم
 عقب افتاد و به مسائل فرعی
 کشیده شد و حال امپریالیسم
 میخواستند همان کار را بر سر
 جمهوری اسلامی بیاورد، این
 نالوطیها به شهید رجائی که ۲۰

ماه در سلول انفرادی زیر شکنجه
 بود و حرفی نزد رحم نکردند. شهید
 رجائی ۵ رباط علنی از سا زمان
 می شناخت که اگر یکی از آنها را
 لو داده بود سا زمان در زمستان
 ۵۳ داغون شده بود اگر او می -
 خواست کمک کنندگان مالی را لو
 بدهد بیشتر از ۵۰ نفر به زندان
 می افتادند، آیا این همان دست
 ساواک نیست که از آستین هواداران
 رجوی بیرون می آید.
 بنظر می رسد تنها راه مقابله
 با توطئه ها و مهمترین آن همین
 جوهرشکی خرنده قانونی، بسیج
 همگانی آموزشی باشد منتهی
 نه با ایدئولوژیهای وارداتی
 و فلسفه و منطق یونان بلکه با
 منطق قرآن و چهار رده معصوم و
 برهان صدیقین، منطقی که بیانگر
 خون شهدای جبهه است و اگر
 توده های بسیج شده ناشی از خون
 به ناحق ریخته شده شهدای ۷ تیر
 و دیگر شهدای جبهه و شهر به منطق
 بقیه رصفحه ۴

سازماندهی و مکتب (۲)

اصول فطری و یقینی هستند

بنام خدای شهیدان
مقدمه: در شماره گذشته بحث سازماندهی و مکتب گفتیم که: شکل الهی بهترین وسیله تقرب به خداست و گفتیم که راهنمای عمل ما در این مورد دعای فرج ما زمان (عج) است که در آن شکل الهی تحت عنوان دولت کریمه طرح شده است. محور دیگر بحثمان این بود که ایمان به خدای واحد و نظم و احدمبنای ایمان به امت واحد و تنها مبنای شکل صحیح و الهی است. یعنی بدون اینکه خدای واحد مبنای کار و هدف و نهایت حرکت باشد امکان ندارد تشکیلاتی بتواند انسجام و وحدت و بقای خود را حفظ کند.

پس گفتیم که بدون چنین تشکلی رشد و کمال انسان امکان پذیر نیست، و هر کس در هر جا باید در صدد ایجاد و پیوند با چنین تشکلی باشد.

ضمناً یادآور می شویم که هر چه انقلاب عمیقتر می شود و شتاب آن بیشتر می گردد چنین تشکلی لازم و فطری تر و اما متی تر میگردد.

فطری بودن و یقینی بودن اصول

اصول فطری و یقینی هستند وقتی قبول میکنیم که اصول فطری و یقینی هستند توده ها می توانند به مرکزیت و رهبری انتقاد کنند و اگر انتقاد بکنند آنوقت است که تشکیلات سالمی بوجود خواهد آمد ولی اگر مستقیم یا غیر مستقیم نتوانند انتقاد کنند تشکیلات از سلامت می افتد و آنوقت است که تشکیلات اصالت پیدا می کند و گروه محوری بوجود می آید.

انتقاد و انتقاد از خود در تشکیلات غیر اسلامی

ما می بینیم که در تشکیلات ما رکبسیستی و تشکیلات کلاسیک ظاهراً اصل انتقاد از خود و انتقاد از دیگران پذیرفته می شود منتها شرایط و زمینه ای که توده های سازمانی بتوانند انتقاد بکنند عمدتاً وجود ندارد. مثلاً اگر توده های سازمانی در جریان کار قرار نگیرند و اصول به آنها آموزش داده نشود، اینها به چه انتقاد بکنند؟ چه می دانند که انتقاد بکنند؟ ما می گوئیم اساس تشکیلات اسلامی و حزب الهی همین است که توده ها اصول دارند و این اصول هم

فطری است که نمی شود انتقاد کرد و در این صورت انحراف هم حتمی است مسلم است که دیکتاتوری و حکومت فرد بر مردم از درون این سیستم بیرون می آید. بهمین ترتیب در تشکیلات مذهبی که از اصول واحد منسجمی برخوردار نیستند در چنین تشکیلاتی مبنای واحدی برای استدلال و انتقاد وجود ندارد مثلاً در سال ۵۶ هواداران رجوی به ما می گفتند ایدئولوژی فقط از مخ مسعود تراش میکند شما صلاحیت اظهار نظر در مورد اصول را ندارید.

اصول را سلام

در اسلام توده ها صاحب اصول هستند و ملاک تشخیص دارند. دلائلش یکی همین رساله ها است که همه مراجع اجماع دارند بر این مسئله که توده ها صاحب اصولند و اصول یقینی است دیگر اینکه امام خمینی در پیام اخیرشان توده ها را ناظر قرار دادند برای جلوگیری از انحراف حاکمیت گفتند در مورد "رفاه طلبی" و قدرت طلبی "توده ها نظارت کنند که انحرافی بوجود نیاید. اینکه اما توده ها را صاحب تشخیص می دانند خیلی از مسائل را حل می کنند بنظر ما این برخورد فقط به این علت می تواند باشد که برای توده ها اصول قائل باشیم و اصول فطری بدانیم نه اینکه بگوئیم رهبر یا امام ما باید توده ها را اصول بدهد. کار رهبر یا امام این است که

شود، در شوروی فوقش ۲۰ الی ۳۰ میلیون عضو حزب کمونیست باشند در حالی که ایدئولوژی حزب با ایدئولوژی توده ها کاملاً متغایر است و به لحاظ همین اختلاف اصولی بین توده ها و رهبری در شرایط سخت نمی توانند توده ها را بسیج و بیدار کنند و لذا در خط سازش قرار می گیرند.

ب- نمونه چین: حزب کمونیست چین ۳۰ میلیون یا بیشتر عضو دارد و یک میلیارد چینی ایدئولوژی شان با حزب متفاوت است در نهایت نیز آنها یک حزب کمونیست هستند و ایدئولوژی حزب را قبول کردند رهبر حزب به آنها اصول را آموزش میدهد گرچه مدعیند که اصول ما رکبسیستی مستقل از ذهن است در اساسی ترین محور و تشکیلات ما رکبسیستی که رابطه زیر بنا و روبنا با شدا لآخره اندیشمندان و در نهایت رهبر حزب است که تصمیم میگیرد که در شرایط فعلی زیر بنا اصل است یا روبنا و لذا سیرا انتقاد از پائین به بالا غیر ممکن می گردد. چرا که توده ها نمی دانند مبنای استدلال

می شود، این انقلاب با نظام شاهنشاهی در افتاد در حالی که همه بر قدرتها و افعال مخالف بودند و حتی چین و شوروی سلطنت را تا ثید می کردند چه شد که این سلطنت بر افتاد؟ علتش این است که اصلاً انقلاب اسلامی ایران از این امتیاز و ویژگی برخوردار است که ملت اصول دارند و این اصولشان را در نمازهای یومیه هر روز ذکر و تکرار می کنند مثلاً میگویند: اللہ اکبر این خود اصل است. سبحان ربی العظیم و بحمده، سبحان ربی الاعلی و بحمده، سمع اللہ لمن حمده اللہ اکبر، بسم اللہ الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم، مالک یوم الدین، ایاک نعبد و ایاک نستعین، اینها اصول است. اهدنا الصراط المستقیم، قل هو اللہ احد اللہ الصمد همه اینها اصول است و حدانیت خدا را ذکر می کنند. این است که مکتبی که یک عمر با اصول با ریبیا و اصول را مرتب ذکر کند و یاد آوری کند و فطرتش زنده بماند اصول هم

فطری است. ما حق نداریم و نمی توانیم که به توده ها اصول بدهیم بلکه وظیفه مرکزیت و رهبری این است که اصول را تحقق بدهد و فطرتها را بیدار کند اگر محور تشکیلات بر این پایه قرار بگیرد که ما می خواهیم توده ها اصول بدهیم نتیجه این می شود که آنها همیشه تابع محض مرکزیت باشند و یک عضو ساده بل خود می گوید اصول را

چه کسی بهتر می فهمد؟ خودش جواب می دهد. رهبر سازمان، همان رهبری که اصول را به من یاد داد. پس هیچ وقت نمی شود به او انتقاد کرد و عضو هیئتوتیزم مسئول یا مدرس خود می شود. چه کسی بمن خدا و پیغمبر داد؟ چه کسی معاد را اثبات کرد؟ مسئول سازمان. پس بنا بر این دیگر قدرت انتقاد سلب شده این خیلی مسئله ظریفی است که جریانی اصل انتقاد و انتقاد از خود را بپذیرد منتها شرایطی بوجود آورد که عملاً انتقاد امکان نداشته باشد. بعنوان مثال می توانیم شیوه برخورد رجوی را با جریان خودمان بررسی کنیم. مسعود رجوی وقتی می گفت که مرکزیت را بپذیرید. ما می گفتیم که ما مرکزیت را در کار اصول می پذیریم بعد می گفت شما حق اظهار نظر را به ایدئولوژی و اصول ندارید. وقتی که انسان را به اصول حق اظهار نظر نداشته باشد و نتواند اظهار نظر کند چطور می تواند رهبری انتقاد بکنند؟ اینجا است که چنین تشکیلاتی از سلامت می افتد و دیگر نمی تواند یک تشکیلات امت واحد ای و دولتی کریمه ای یا حزب الهی بشود. با لب اینجاست که در تمام رساله های مراجع در اول رساله نوشتیم شده که اصول یقینی است و تقلید بردار نیست اما در احکام ما بیدیا مجتهد بودیا مقلد، یعنی اصول را یقینی میدانند، و حتی میگویند که در آغاز بلوغ انسان باید اصول را برای خودش استدلال کند. و این خیلی مهم است که همه مراجع بالاتفاق گفته اند که اصول فطری است، ویژگی اسلام همین است و ویژگی بارز خلق مسلم

خلق مسلم یکی از ویژگیهایش اینست که اصول دارد. ببینید اینهمه بر علیه این انقلاب توطئه

ما حق نداریم و نمی توانیم که به توده ها اصول بدهیم بلکه وظیفه مرکزیت و رهبری اینست که اصول را تحقق بدهد و فطرتها را بیدار کند. اگر محور تشکیلات بر این پایه قرار بگیرد که ما می خواهیم به توده ها اصول بدهیم، نتیجه این میشود که آنها همیشه تابع محض مرکزیت باشند.

و انتقادشان را زیر بنا قرار دهند یا روبنا. وقتی خوب تشکیلات ما رکبسیستی را بشکافیم می بینیم اصول مستقل از ذهن که مبنای استدلال باشد وجود ندارد (رجوع شود به شیوه حکومتی دیکتاتوری پرولتاریا در راه مجاهد شماره ۷) لذا اگر یک عضو ساده بخواهد به رهبری انتقاد بکند می گویند تو از اصول چه میدانی؟ رهبری کلی فکر کرده، کار کرده حق اظهار نظر نداری، این است که جریان انتقاد از خود و دیگران بشکل پیچیده نفی می شود. با اینکه اصل انتقاد پذیرفته شده ولی مکانیزمش

که فطری است پس می تواند بر این اساس تشکیلاتی صحیح بپا کند. و حرکت چنین ملتی میتواند مبنای شکل الهی باشد برای اینکه بقول امام: "فطرت بازی نمی خورد" یعنی فطرت بازی بردار نیست. علت انحراف را در انقلابات دیگر باید غیر فطری بودن اصولشان دانست.

الف - نمونه شوروی: اگر به انقلاب شوروی نظر کنیم (جامعه فعلی شوروی) می بینیم که تا توده ها کمونیست نشوند و ایدئولوژی غیر فطری حزب را نپذیرند به آنها بهائی داده نمی

ن رژیم خاک و دیوانه (صدام) از نوشتن یک ملت مظلوم را در دست داشته باشد، این منطقه مهم آرامش را بخود خواهد دید. "تیرا بشتری"

سازماندهی

قضاوت کنند، و این بدین علت است که ما خمینی اصول فطری و یقینی میدانند، در کتاب مبنا (وجود) از انتشارات نهضت مجاهدین کوشش شده که نشان دهد اصول فطری است و ما نمی‌توانیم خدا را اثبات یا انکار کنیم و در خدا هم نمی‌توانیم شک کنیم، برای اینکه اگر ما به کسی خدا بدهیم خوب او و ما مژدگیش را مدیون ما می‌دانند و دیگر قدرت انتقادش به ما سلب می‌شود و دیگر توری هم پایه‌های طریقت همین است، که ما بگوئیم که آقای "عمریا زید بود که به من خدا داد بمن قیامت داد و در ذهن ما بجای اینکه اصول مبنا باشد و مبنا اصل میشود علت انحراف گروهها را نیز باید در این مسئله ظریف رابطه اصول با رهبری و توده‌ها پیدا کنیم، در خود سازمان نیز مسئله را این طرافت برخوردار بوده که بگوئیم مسئولان بمن خدا داد، خدا نداشتم و به من داد، قیامت را نمی‌شناختم و برای من اثبات کرد، معا در امتیازم او برای من اثبات کرد، در این صورت این مسئول بود، که بمن همه چیز داد، و من از خود هیچ نداشتم به این ترتیب فطرت ما نقی شده و ما تابع محض تشکیلات می‌شویم، ممکن است در این رابطه این سؤال مطرح شود که رابطه ما و ما موم چگونه است و کدما میک از آنها اصلت دارد؟ در پاسخ باید گفت که ما موم موم هر دو فطرت دارند منتها یکی از آنها نیازش بیشتر است و در اوج نیاز و فقر است که ما می‌شود، همه فطرت دارند و انسان در آغاز تولد در فطرتش زائیده می‌شود، بازمکن است گفته شود که مهم اینست که ما کتاب یا قانون فطرت را به توده‌ها نشان دهد و جهت واقعی آن را بنما یا ندو بوسیله‌اش شیوه درآورد و مبادی رزّه کند، بلکه درست است و اتفاقا این رسالت امام است، امامت با توده‌ها را بیدار کند که شما فطرت دارید، شما اصول دارید، شما خدا دارید منتها درستش اینست که اینطور عبادت کنید، حتی پیامبران هم به بت پرستان نمی‌گفتند که شما دست از عبادت بردارید، می‌گفتند این بت‌های مخلوق ذهن را عبادت نکند خدای واحد را عبادت کنید و ذهنیت‌های توده‌ها را تصحیح می‌کردند، مفهومی که از خدا داشتند تصحیح می‌کردند، خدا

را برایشان اثبات نکردند بلکه آنها را به پرستش خدای واحد خواندند، در هر تشکیلاتی که اصول در انحصار رهبران باشد آنها نیست کار دیکتا توری خواهد بود. طرافت مسئله هم در همین است برای روشن تر شدن بحث قسمتی از سوره "یس" را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در این سوره شریفه قصه قریه‌ای نقل شده که گویا انطاکیه و در زمان حضرت عیسی (ع) بوده است حضرت عیسی (ع) چند نفر از نما بندگانش را که قرآن از آنها به مرسلین یاد کرده به آنجا می‌فرستند که آنها را هدایت کند بعد آنها شروع می‌کنند به تبلیغ کردن و یک عده‌ای دور خودشان جمع می‌کنند مخالفتها بر علیه آنها شروع می‌شود، شخصی بود که به او حبیب نجار میگفتند که در دور دستهای شهر صومعه‌ای داشته و نجاری نیز می‌کرده، او می‌آید تا بین اختلاف قضاوت کند، فردیت دخالت داشته؟ منافعی طبقاتی ات دخالت داشته؟ دیدی مثلا فلان مرجع رساله‌اش بیشتر با آمال و آرزوهایت میخواند که رفتی سراغ او؟ یا می‌گویند ما در فلان مسئله از فلان مرجع تقلید می‌کنیم و در سه‌مان مسئله از مرجع دیگر، این تویی که انتخاب می‌کنی کدام مرجع درست است؟ و ملاکت برای انتخاب رهبر و مرجع و امام چیست؟ این استدلالی که حبیب نجار می‌کند و خداوند آنرا در قرآن آورده است انسان را از سرگردانی نجات می‌دهد و حبیب نجار مستضعف با ملاک مرسلین را انتخاب می‌کند، پس از آنکه این دو ملاک (نخواستن اجرو مهتدون) را مطرح می‌نمایند مورد مهتدون و اینکه هدایت یافته‌گان چه کسانی هستند توضیح میدهد و دلایلی را که اینها را هدایت یافته دیده و دنبال آنها رفته توضیح میدهد، چرا که ممکن است از حبیب نجار

بقیه از صفحه ۱۵ خبرنامه

ولوازم ایران ناسیونال بزودی به ایران حمل می‌شود. بر اساس این توافقنامه ایران - ناسیونال اطلاعات و دانش فنی برای ساخت اتومبیل در ایران را از تالیوت خریداری خواهد کرد تا اجرای پروژه‌های ساخت گریکس، دیفرانسیل و سیستم جلو بندی و افزایش تولید موتورهای سواری و وانت عملی می‌شود.

ضمناً " قطعات آماده حمل در انگلیس که به علت روشن نبودن نحوه همکاری با شرکت تالیوت از سوی ایران ناسیونال دریافت نشده بود بزودی به ایران حمل و در پی آن میزان تولیدات ایران ناسیونال افزایش خواهد یافت.

کیهان ۶۱/۳/۹

وزیر نفت گفت: این مسأله که نفت بعنوان تعیین کننده سیاست اقتصادی ما باشد بحمد الله کم کم از محور اصلی خارج می‌شود و نیروی اسلام و قدرت فعال مردم و قدرت تولید بالاخص در زمینه کشاورزی انشاء الله در سالهای آینده به سرعت جایگزین آن خواهد شد.

راه مجاهد:

حل مشکلات اقتصادی نه از طریق شیوه‌های کلاسیک و تکیه بر فروش نفت بلکه تکیه به توده‌های بسیج شده در جهت خدا، اینست شیوه اسلامی حرکت در جهت خود کفایی.

وزیر نفت: امروز نفت بعنوان یک ابزار سیاسی محکم چه لحاظ مسائل خارجی و چه به لحاظ مسائل داخلی در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

راه مجاهد:

نفت یک کالای ایدئولوژیک است و متعلق به مستضعفین و باید در جهت حاکمیت آنها بکار رود.

بقیه از صفحه ۲ تیر

و روش انبیاء و صالحین و صدیقین و شهدا مسلح نشوند خلع کم کاردی بطور خزننده انقلاب را خواهد خورد و کارش به جایی می‌گردد که کیفیت جمهوری اسلامی تدریجا کم گشته و در کار در قانون حاکمیت تدریجا تعدیل گردد.

هدف اصلی آمریکا و وابستگان او به فرار میسم کشاندن انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

قل اعملوا علی مکاتکم فانی عامل فسوف تعلمون
بگوی ای پیغمبر بردشمنان
که شما بر مکان (منزلت و در خط مشی و اهداف خود) عمل کنید
منهم عمل کننده هستم (بیکار
نشسته ام و کید متین دارم) پس
بزودی خواهید فهمید.

اگر دقت کنیم می بینیم که ملاکهای حبیب نجار (آیت سده سیر
و جاد من نصی الدین...) ملاکهای فطری و یقینی هستند که هر انسانی در
هر سطحی آنها را درک میکند و میتواند بوسیله آنها امامت و
هدایت یافتگان را بشناسد و از آنها تبعیت کند که این تبعیت،
تبعیتی آگاهانه و بدنیال تسلیم به خدا و قرآن است و علاوه بر اینکه
تسلیم واقعی بر تری شویم این تسلیم آگاهانه بوده و در تمام
لحظات آگاهانه بدنیال امامت میرویم و تنها راه رشد انسانها
نیز همین است.

بسم الله الرحمن الرحيم
..... و جاء من اقصی المدينه رجل
یسعی قال یا قوم اتبعوا المرسلین
اتبعوا من لا یستلکم اجرا وهم
لم یهتدون

از دور دستهای شهر یا بقول
امروزها از جنوب شهر مردی آمد
که تلاش میکرد (یسعی) گفت ای قوم
تبعیت کنید از این فرستاده‌ها
بعد ملاک هم میدهد و می‌گوید دنبال
کسی بروید که از شما اجری نمی-
خواهد و هدایت هم یافته است، دو
ملاک برای رهبری میدهد.

فرض کنید این حبیب نجار
که یک توده با معرفت بیسواد است
می‌آید و مرسلین را تا قید می‌کند و
ملاک هم میدهد برای تا قید آنها
حال درجا مع خودمان بر سر
مرجعیت و تقلید بحث بر این است
که با چه ملاکی فلان مرجع را انتخاب
کرده‌ای؟ همه گیردارند خوب منافع

پرسیده شود که تو از کجا فهمیده‌ای
که اینها هدایت یافته هستند.
حبیب نجار می‌گوید: مالی لا عبد
الذی فطرتی والیه ترجعون
اؤخذ من دونه الهان یسیردن
الرحمن بضرلاتن عنی شفا عتهم
شیا ولایتقدونانی اذا لفی ضلال
مبین انی امنت بریکم قاسمعون
"چه می‌شود مرا که نپرستم آنکس
که مرا سرشته است و بسوی او
رجعت می‌کنید، آیا بجز او خدایانی
برگزینم در حالیکه اگر رحمن ضرر
وزیانی برای من اراده کند
شفا عت آنها مرا بی نیازی نمی‌کند
و نمی‌توانند مرا از این بندها و
سختی‌ها رها کنند. در این حال
من در گمراهی آشکارا خواهم بود-
من به رب شما ایمان آوردم پس
بشنوید مرا".

حبیب نجار رنیا ز خود را به
پرستش ذکر می‌کند و آنهم پرستش

و برادری و برابری نه روابط
ظالمانه و کینه توزانه.
حال اگر دقت کنیم می‌بینیم
که ملاکهای حبیب نجار ملاکهای
فطری و یقینی هستند که هر انسانی
در هر سطحی آنها را درک می‌کند و
می‌تواند بوسیله آنها امامت و
هدایت یافتگان را بشناسد و
از آنها تبعیت کند، که این
تبعیت، تبعیتی آگاهانه و بدنیال
تسلیم به خدا و قرآن است و
علاوه بر اینکه تسلیم واقعی
بر تری شویم این تسلیم آگاهانه
بوده و در تمام لحظات آگاهانه
بدنیال امامت می‌رویم و تنها راه
رشد انسانها نیز همین است. ما
رسالتی داریم که این مسئله را در
لحظه‌ای بگوئیم که توده‌ها ملاک
دارند و توده‌ها اصول دارند و اصول
فطری و یقینی هستند.

جبهه مستضعفین، علیه مستکبرین، صدور این انقلاب از کربلا به قدس است.

قدس وحدت کلمه تعالی بخش

فتح قدس، " کلمه سوا "

شعار " فتح قدس " این شعاری که هدف ملت عزیز ما به رهبری امام شده، تحقق همان رنج برای رسیدن به پروردگار است ما اگر بخواهیم قدس را آزاد کنیم واقعا " بایستی سختی های بسیاری را تحمل کنیم و در این راه است که به ملاقات پروردگار نائل می شویم . برای اینکه مشخص شود شعار " قدس " از کجای ایدئولوژی انقلاب و از کجای قرآن برداشت شده است ، روی یک آیه قرآنی تأمل می کنیم .

قل یا اهل الكتاب تعالوا لی کلمه سوا بیننا و بینکم الاتعبدوا الا الله ولا تشرك به شیئا "ولاتتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله " بگو ای اهل کتاب ای کسانی که اهل قانون واحد و نظم واحد هستید و بدنیا یک قانون راهنمای عمل می گردید " تعالوا " بیایید ، باید توجه داشت . که " تعالی " به معنای آمدن مکانیکی نیست بلکه " تعالوا از علو " می آید . یعنی برتر بیاید ، بایستی جهش کنی . از این واژه جهش و قیام بر می آید . تعالوا لی کلمه سوا " جهش کنید بسوی " کلمه سوا " قرآن همیشه ما را به وحدت کلمه دعوت میکند همینطور که امام خمینی ، ما را به وحدت کلمه فرامی خوانند و روز پیروزی انقلاب را وحدت کلمه میدانند . مسئله اینست که مشخصات وحدت کلمه چیست ؟ مثلا " زمانی بخت وحدت اسلامی بین رژیمها مطرح بود . میگفتند حول اسلام متحد شوید ولی اسلام رژیمها ، یعنی یکجمله میخواستند وحدت اسلامی را بین رژیمهای اسلامی منطقه بر قرار بکنند و این وحدت یک وحدت آبکی است وحدتی است که بین مستکبرین بر قرار شده . آیا این است وحدت کلمه در قرآن ؟ مسلما نه .

وحدت کلمه ای که در قرآن مطرح میشود . " کلمه سوا " است . وحدت اصولی است وحدت بین مستضعفین و بین انبیاء و اولیاء است . وحدتی است تعالی بخش که در آن مبارزه بی امان هم هست . اولین مشخصه وحدت کلمه این است که باید برای تحقق آن جهش کرد . و بدون مبارزه ما به " کلمه سوا " نمی رسیم هرکس که می خواهد تعالی پیدا کند و از تمام وابستگیها و بندها که مانع از قرب به الله می باشد بکند باید برای رسیدن به این کلمه واحده مبارزه کند .

دومین مشخصه آن این است که کلمه واحده ای باشد بین ما و بین شما " کلمه سوا بیننا " و بینکم " یعنی وحدتی فراقیر که به نیاز اصل تمامی توده هایی که بدنیا قانون واحد می گردند پاسخ دهد . مشخصه دیگر وحدت کلمه این است که می فرماید " الاتعبدوا لله " جز خدا را عبادت نکنید بنده خدا باشید و نه دیگری و به خدا شکر نورزید یعنی وحدت کلمه باید الهی باشد . ولاتتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله " برای رسیدن به وحدت کلمه دیگر نباید بعضیها دیگران را برای خودشان رب بگیرند . یکجمله ، عده دیگری را استثمار بکنند بلکه میبایست رب را فقط خدا بگیرند تا دیگر در جامعه طبقات استثمارگر وجود نداشته باشد . این یک دستور مبارزه است یعنی اگر یک چنین جامعه ای بود و اختلاف طبقاتی آشکار و غیر آشکار وجود داشت و " ربی " غیر از پروردگار اختیار شده بود باید آنقدر مبارزه کرد تا به کلمه سوا و وحدت کلمه رسید .

پس وحدت کلمه ای که در قرآن مطرح است . وحدت کلمه ای اصولی و فراقیر می باشد که در آن جهش و تعالی توده ها از طریق مبارزه در جهت تحقق وحدت کلمه صورت می گیرد . با این ملاک محکم می توان وحدت کلمه اصولی را از ائتلاف (وحدت کلمه آبکی) تشخیص داد بعنوان مثال : بعضی جناحها در منطقه برای مبارزه با اسرائیل مسئله وحدت اعراب را مطرح کرده اند که در آن ناسیونالیسم عرب بدون مرز بندی اصل گرفته شده بصورتی که تمام کشورهای عرب چه جناح مترقی آن مانند سوریه و لیبی و چه کشورهای مترجع عرب که وابسته به انحصارات نفتی امپریالیسم می باشند مانند عربستان و عراق و ... در کنار هم قرار می گیرند . برای مبارزه با اسرائیل وحدت توده های مستضعف عرب ضروری است ولیکن این وحدت نیاز به یک شعار اصولی دارد و این شعار نمی تواند " ناسیونالیسم عرب " باشد زیرا این وحدتی است که بین دولتهایی بسته می شود که از توده های مستضعف خود جدا هستند و وابستگی آنها به امپریالیسم و صهیونیسم کاملا آشکار است . چنین وحدتی نه تنها عامل رشد و تعالی و مبارزه نیست بلکه حرکت توده های عرب را کند نموده و مشروط به تصمیمات دولتمردان وابسته می گرداند . در جایی که اساس وحدت اصولی بر مبارزه با اسرائیل غاصب استوار است آیا پیوند با انقلاب اسلامی ایران ارجعتر است یا وحدت با شاه خالدو شیخ نشینها و ... ؟ آیا انقلاب اسلامی ایران که موضع ضد صهیونیستی آن کاملا آشکار است و هم کنون بخاطر آزادی قدس عزیز با صدام کمپ دیویدی در حال جنگ می باشد ، صلاحیت بیشتری برای وحدت با توده های عرب ضد صهیونیستی ندارد ؟ توده های ایرانی به توده های مستضعف عرب نزدیکترند

و پایداری بر علیه کفر صدامی ادامه دادند . آیه ای است از سوره " والنزعات " که می فرماید " والنشاطات نشطا " قسم می خورد به نشاطات یعنی آن جهش کنندگان و قیام کنندگان که با شادی و نشاط کارشان را انجام میدهند . قسم می خورد به آن مبارزانی که در مبارزه شاد و خوشحالتند از اینکه در راه خدا مبارزه می کنند و شهید میشوند و شاد هستند . توده های شهادت طلب و رزمنده در دوران رژیم طاغوت در سلولهای کمیته هنگامی که تحت شکنجه قرار میگرفتند فریاد می زدند سلام بر غم سلام بر شکنجه و بر فشارهایی که بر آنها وارد میشد سلام می دادند .

و با میل و نشاط این سختیها را تحمل می کردند آنها مبارزه و تحمل سختی را با کراهت قبول نمی کردند و اگر از کوران مبارزه خارج میشدند با ناراحتی در دو سختی روبرو میشدند و سکون و عدم تحرک برای آنها سختی واقعی بود .

در دنباله آیات سوره انشراح می فرماید : " فاذا فرغت فانصب والی ربک فارغب " هنگامی که احساس راحتی کردی خودت را به سختی بینداز معمولا " وقتیکه یک مرحله استراتژیک به پایان میرسد و یکی از دشمنان از سر راه برداشته می شود انسان احساس پیروزی میکند و این تصور پیش می آید که کار تمام شده است ، ولی خداوند می فرماید که " فاذا فرغت فانصب " در این حالت خودت را دو باره به سختی بینداز این آیه دال بر انقلاب مستمر است یعنی هنگامی که احساس فراغت میکنی و یک مرحله مبارزه تمام می شود بدنیاال مرحله بعدی باش . هنگامی که احساس آسایش می کنی یعنی دشمن را بالای سرت نمی بینی بدان که خط مشی تو غلط است . انسان همیشه باید در حال بسیج و آمادگی باشد و به اعتبار خط مشی صحیح خود دشمن را همواره بالای سر خود احساس کند .

خود را به سختی بینداز ولی نه هر سختی که خود رنجی باشد و جهت نداشته باشد بلکه این سختی باید در جهت پروردگار باشد " والی ربک فارغب " یعنی این خط مشی تو بایستی طوری باشد که تو را در جهت الله و راه الله سوق دهد . یا در آیه شریفه دیگری که تحقق همین آیات است می فرماید . " یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه ای انسان بدرستی که تو رنج برنده ای در جهت پروردگارت تنها در این صورت است که تو به ملاقات خدا نائل میشوی و در صراط مستقیم قرار میگیری " .

این آیات را بهتر می شکافیم تا اینکه مسئله قدس هم مشخص تر شود . " الم نشرح لک صدرک ووضعا عنک ووزرک " . " وزر " یعنی سنگینی . این وزر معنای رژیمهای طاغوتی حاکم است . در خط مشی انقلاب اسلامی ماسه " وزر " داریم . سه دشمن غدار داریم یکی رژیم سلطنتی و پایگاههای آن ، یکی رژیم غاصب اسرائیل و دیگری امپریالیسم جهانی است و انقلاب اسلامی ما ضد سلطنت ، ضد صهیونیسم و ضد امپریالیسم است . به ترتیب تقدم و تاخر ، رژیم سلطنتی که واژگون شد و ملت همچنان با پایگاههای سلطنت (ساواک ، خاتبا و فتوادها ، سرمایه داری وابسته ، بوروکراسی ادارات ، روحانیت غیر مکتبی) درگیر است .

وزر " دوم صهیونیسم است که ما می توانیم اسرائیل را در این چند کلمه خلاصه کنیم . " ۳۰۰ صهیونیست ، سفید پوست ، سرمایه دار ، غاصب ، حاکمیت اسرائیل بدست همین ۳۰۰ نفر است . همگی از اروپا و آمریکا آمده اند و دوام اینک اسرائیل یک رژیم معتقد به تبعیض نژادی و از این نظر شبیه آفریقای جنوبی است سوم اینکه صهیونیست هم هست . که جناحی از امپریالیسم است و به انحصارات بین المللی تکیه دارند . چهارم اینکه اینها اشغالگرند یعنی به خاک فلسطین و اعراب تجاوز کرده اند . خامسا " اینها سرمایه دار هم هستند یعنی رژیم اسرائیل علاوه بر مشخصات فوق یعنی در اقلیت بودن ، اعتقاد برتری نژادی ، صهیونیست بودن و اشغالگر بودن ، سرمایه دار هم هستند و سرمایه داری جز لاینفک از امپریالیسم و شرکت های فراملیتی است . پس وزر دوم در خط مشی انقلاب اسلامی رژیم اشغالگر قدس است . وزر سوم و باری که بر روش انقلاب ما سنگینی خواهد کرد رژیمهای ارتجاعی و نفتی در منطقه هستند نظیر رژیم نفتی عربستان سعودی عراق ، اردن و مصر و اینها کارکنان امپریالیسم در منطقه هستند و وابسته به جناح نفتی امپریالیسم می باشند و خداوند به انقلاب اسلامی کمک خواهد کرد و به زودی این " وزرها را از دوش ما بر خواهد داشت .

بنام خدا پاسدار خون شهیدان

راه مجاهد : متن زیربیا شده نوار سخنرانی برادر لطف الله میثمی است که در سال ۵۹ بمناسبت روز قدس در مسجد فخر آباد ایراد شده است . سخنرانی راجع به شعار استراتژیک قدس و تاثیر آن در رشد و گسترش نیروهای انقلابی و انزوی جریانات انحرفی و افول امپریالیسم و صهیونیسم است . ممکن است در متن سخنرانی تحلیلهایی از شرایط ارائه شده باشد که مربوط به همان زمان بوده و در شرایط فعلی دیگر مطرح نیست البته پیش بینی های استراتژیک تحولات منطقه در این سخنرانی قابل دقت است . قل یا اهل الكتاب تعالوا لی کلمه سوا بیننا و بینکم الاتعبدوا الا الله ولا تشرك به شیئا ولاتتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله .

بسم الله الرحمن الرحیم ، الم نشرح لک صدرک ووضعا عنک ووزرک الذی انقض ظهرك ورفعنا لک ذکرک فان مع العسر یسرا فاذا فرغت فانصب والی ربک فارغب . اینها آیاتی است از قرآن مجید که می فرماید " الم نشرح لک صدرک آیام برای برخورد با مشکلات و نامایمات به توسعه صدر عطا نفرمودیم ؟ " و " وضعا عنک ووزرک " و آیات آن باری را که به دوش تو سنگینی میکرد از دوشت فرو نهاده ایم ؟

منظور از این بارگران همان جاهلیت عرب و همان عصیت و قبیلگی حاکم بر عربستان و بت پرستی حاکم بر آنجا بوده این واقعا " بار گرانی بود که بردوش حضرت محمد (ص) سنگینی میکرد سپس می گوید " ووضعا عنک ووزرک " الذی انقض ظهرك " یعنی ما این بار را از دوش تو فرو نهادیم که توانستی با این جاهلیت و شرک و بت پرستی مبارزه کنی همان باری که پشت تو را خم کرده بود و فشار میداد و دائما " از وجود این جهل و شرک ناراحت بودی " ورفعنا لک ذکرک " و تو را بلند آوازه کردیم . اگر با جامعه خودمان مقایسه کنیم تحققش در زمان حاضر همینطور میشود که آیا خداوند به رهبریت انقلاب سعه صدر عطا نفرمود تا اینکه تاریخ رژیم شاهنشاهی را با آن قدمت ۲۵۰۰ ساله اش در هم فرو ریزد . این بار سنگینی که بر دوش انقلاب و رهبریت انقلاب سنگینی میکرد ، آیا رهبریت انقلاب ما را در سرتاسر جهان و بین توده های مستضعف بلند آوازه نکرد ؟ در آیات بعد می فرماید " فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا " می بینیم که این قسمت دو بار تکرار میشود و وقتی که یک مطلب دو بار تکرار شود نشان دهنده این است که قانونبندی محکمی را می خواهد مطرح کند . می گوید همراه با سختی حتما " آسانی است . نمی گوید بعد از سختی آسانی است بلکه میگوید اصلا " خود " عسر " یسر " است و برای یک فرد مومن تحمل مشکلات عین آسانی و خوشی است . مثلا " انقلاب اسلامی ایران از همه طرف مورد محاصره نظامی ، اقتصادی و سیاسی امپریالیسم و وابستگانش بخصوص کشورهای مترجع منطقه قرار گرفته است و لیکن علی رغم تمامی این فشارها پیروزیهای بیایی کسب می کند پیروزی اول بر علیه سلطنت و پایگاههایش بود پس از آن هم پیروزیهای دیگری چه در مقابل محاصره اقتصادی و چه در جنبه های جنگ اسلام و کفر بدست آورد علی رغم اینکه ارتش مزدور بعث ناندان مسلح به سلاحهای پیچیده غرب و شرق است و همواره از طرف کشورهای مترجع منطقه مورد حمایت اقتصادی و نظامی قرار می گیرد . پیروزیهایی که انقلاب تا کنون بدست آورده همگی با تحمل فشارها و مصائب بسیار همراه بوده است و می توان یکی از ویژگیهای مبارزات خلق مستضعفان را همین پیروزی در فشار بدانیم .

در جنگ اسلام و کفر علیه صدام شهرها را زیر شدیدترین آتش توپخانه و موشک قرار میدهد و بهترین فرزندان این امت را به شهادت میرساند . امت شهید پرور شهرها را تخلیه نکرده و به مقاومت

قدس

قدس، حرکت توحیدی

یاملک فهد عربی اما سازشکار با امیریالیسم؟ توجه داشته باشیم که امیریالیسم نیز با تکیه شعار ناسیونالیسم عربی برای پیاده کردن توطئه هایش در منطقه، حول وحدت اعراب تبلیغات بسیاری می‌کند.

امام خمینی با شناخت نسبت به فطرت حق طلب توده‌ها پس از پیروزی انقلاب بر سلطنت و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا که نشان دهنده نیاز اصیل به استمرار انقلاب در میان توده‌ها بود، شعار آزادی قدس را مطرح نمودند تا بدینوسیله با طرح یک شعار دراز مدت هم به نیاز اصیل توده‌ها پاسخ بدهند و هم موضع واقعی جریانه‌های مختلف را مشخص و منحرفین را افشانند. شعار آزادی قدس در بطن توده‌ها تنها متضمن حفظ استقلال مایه‌ی خود بلکه موجب بسیج توده‌های منطقه و انهدام روابط صهیونیستی می‌گردد و به بهترین نحوی با امیریالیسم چه در درون و چه در منطقه مبارزه می‌کند. به اعتقاد ما شعار اصیل آزادی قدس یک حرکت توحیدی است که رشد و تعالی توده‌های منطقه و جهان را در یک مبارزه دراز مدت بهمراه دارد. در اینجا ابتدا به بررسی ویژگیهای یک حرکت توحیدی می‌پردازیم و سپس شعار فتح قدس را بر اساس آن محک می‌زنیم.

"ویژگیهای حرکت توحیدی"

در درجه اول یک حرکت توحیدی و استراتژی صحیح بایستی خود را رشد بدهد خصلتهای ناپسند و خصلتهای شاه پسند را راحل بکند و خصلتهای خدا پسند را جایگزین نماید.

حرکت توحیدی نه تنها باید ما را رشد بدهد، بلکه نرخ رشد ما را هم زیاد کند. در روایت هست که یک مسلمانی که دو روزش مساوی باشد مسلمان نیست. وای بر آن مسلمانی که دو روزش مساوی باشد و روز بعد نسبت به روز قبل رشد نداشته باشد. پس اول از همه رشد خلق مطرح است. رشد امت مطرح است. در درجه دوم و همزمان با مسئله اول، یک حرکت توحیدی می‌بایست به دشمن ضربه بزند. چه ضربه تبلیغاتی و سیاسی، چه ضربه نظامی اقتصادی، در عین حال تضادهای درون جنبه دشمن را هم تشدید کند. مثلا "بین جناحهای درونی شیطان بزرگ تضاد بیاندازد. بین آمریکا و انگلیس اختلاف بیاندازد. بین آمریکا و اسرائیل یا بین عربستان و اسرائیل اختلاف بیاندازد.

همانطور که دیدیم سپس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بین جناحهای درونی شیطان بزرگ اختلاف افتاد یک جناح معتقد بود که بایستی از طریق نظامی وارد عمل شود که دست به حمله طیس زد و لیکن جناح دیگر به شیوه‌های سیاسی معتقد بود و پس از حمله مستقیم نظامی از دولت آمریکا کناره گرفت. یعنی حرکت توحیدی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام توانست تضادهای درونی شیطان بزرگ را تشدید کند.

سومین ویژگی یک حرکت توحیدی این است که مرز بین حق و باطل را روشن کند و نیروهایی را که موضع ندارند (نیروهای بینا بینی) و یا آنهایی که یک موضعی دارند و ادعاهایی می‌کنند اما ادعایشان با محتوایشان یکی نیست، به یک موضع مشخص بکشاند. یعنی اینکه یک کده شان که صادق هستند جذب حرکت توحیدی شوند و در مقابل آن عناصر مغرضشان دفع شوند. پس حرکت توحیدی باید قدرت جاذبه و دافعه داشته باشند.

چهارمین ویژگی حرکت توحیدی این است که شعاری را که انتخاب می‌کنیم دراز مدت باشد و حرکت توده‌ها را تا انتها تداوم دهد. پس بطور خلاصه حرکت توحیدی ۴ ویژگی باید داشته باشد ۱- رشد خلق در جهت گسترش، امت واحده باید توجه داشت که رشد خلق جهتش هم مهم است چون ممکن است بعضی جریانه‌ها بر اساس ایدئولوژی خودشان بگویند توده‌ها رشد کرده‌اند مثلا "حزب توده بعد از اصلاحات ارضی شاه که عملاً منجر به تعطیل کشاورزی و کوچ روستائیان به شهرها شد، معتقد بود که چون جامعه در مرحله گذر از فئودالیسم به سرمایه داری است توده‌ها رشد کرده‌اند.

یعنی بخاطر اعتقاد به ایدئولوژی اصالت ابزار نمیتوانستند دام بزرگی را که جلوی حرکت خلق گسترده شده بود بشناسند. به اعتقاد ما رشد خلق می‌بایست در جهت گسترش امت واحده جهانی باشد یا رشد واقعی در حرکت بسوی گسترش جامعه توحیدی بدون طبقات استثمارگر تحقق می‌یابد. ۲- ضربه به دشمن و تشدید تضادهای

درونی آن ۳- جذب نیروهای بینایی ۴- طرح شعار دراز مدت برای تداوم حرکت توده‌ها

حال شعار قدس را که وحدت کلمه تعالی بخش ورزمنده می‌نامیم بر اساس این چهار محور تجزیه و تحلیل میکنیم تا محتوای توحیدی آن را درک کنیم.

۱- پیوند با انقلاب فلسطین

وقتی که شعار قدس را که هدف ملت ما باشد موجب پیوند ملت ما با ملت فلسطین میگردد و این دو کانون تشییع شده انقلاب در منطقه در کنار هم قرار میگیرند. امیریالیسم یکی از توطئه‌های این است که یاما را از قدس جدا کند یا فلسطین را از ما جدا کند و شبانه روز هم تلاش میکند هم در درون خلق ماشایعه بسازد و هم در پایگاه فلسطین علیه انقلاب ماشایعه پراکنی کند. این شعار قدس، این کلمه "سوا" پیوند بین دو انقلاب را برقرار میکند.

۲- پیوند با ملت‌های دیگر

وجه دیگر رشد خلق این است که شعار قدس نه تنها ملت ما را رشد میدهد بلکه پیوند ملت ما با دیگر ملت‌های مسلمان منطقه و ملت‌های مستضعف جهان بیشتر میشود چنانکه می‌بینیم در همین روز قدس علاوه بر ملت مادر سایر کشورها تظاهرات شد و این تظاهرات با مقاومت پلیس مواجه میشود حتی در ترکیه تعداد بسیاری از تظاهر کنندگان را به زندان می‌اندازند و سخت شکنجه قرار میدهند. خود همین رشد است که توده‌ها بیدار شوند و با پلیس درگیر شده و به زندان بیفتند و به ماهیت وابسته رژیم‌هایشان پی ببرند و مبارزانشان عمق پیدا کند. مثلا "مردم عربستان فهمیدند که رژیم عربستان مانع تظاهراتشان در روز قدس است و اینها ماهیت وابستگی رژیم عربستان را به صهیونیستها می‌فهمند و مبارزه‌شان عمق پیدا میکند.



۳- شعار قدس و بسیج در امر تولید

سومین تاثیری که این شعار در رشد خلق دارد این است که وقتی ملت ما علیه صهیونیسم بسیج شود، حول شعار آزادی قدس تمام تولیدات کارگاهها و کارخانجات جهت پیدامیکند. به اصطلاح در امر تولید بسیج میشوند و در شرایط عدم بسیج تولید به نفع سرمایه داران تمام میشود و در خدمت آنها قرار میگیرد یعنی وقتی جهت گیری ملت علیه اسرائیل باشد تولید هم در خدمت این بسیج مستضعفین قرار میگیرد و این شیوه ما را به جامعه توحیدی نزدیکتر میکند. همه جناحها شعار افزایش تولید را میدهند ولیکن باید به بنیم که

افزایش تولید در خدمت کدام جناح قرار میگیرد اگر بالا بردن تولید به صلاح لیبرالها و سرمایه داران وابسته باشد اصلاً نباید تولید را بالا ببریم ولی اگر بالا بردن تولید در جهت انقلاب است و مستضعفین را تقویت میکند و منجر به حاکمیت آنها میگردد امری بسیار پسندیده است

وقتی که جامعه ما بر علیه صهیونیسم بسیج شود کارخانه‌ها، کارگاهها و تولیدات ما همگی جهت ضد صهیونیستی پیدامیکند و از این کانال بسمت خود کفایی و تولید استقلال بیش میروند مثلا کارخانه کفش ملی باید چکمه بسازد برای راهپیمایی مردم بسوی قدس و این کارخانه وابسته تولیدش در خدمت مردمی قرار میگیرد که میخواهند بروند قدس را آزاد بکنند و همین امر باعث میشود که بتدریج وابستگی آن قطع شده و بسمت تولید ملی و خودکفاییش برود.

۴- کسب موضع اسلامی - ضدامیریالیستی برای زحمتکشان

وجه دیگری که در رشد خلق مطرح میگردد این است که شعار آزادی قدس به کارگران، دهقانان، زحمتکشان و کسبه یک موضع ضد امیریالیستی و ضد صهیونیستی دارد یعنی اینها یک موضع ضد صهیونیستی کسب کردند و تعالی پیدا کردند. بجای اینکه بیایند شعارهای رفاهی بدهند و شعارهای افزایش دستمزد... رادر جهت رفاه نسبی شان مطرح کنند و نیروها را به رفورمیسم بکشانند و از انقلاب دور کنند، می‌آیند و در یک تظاهرات شرکت میکنند. من خودم در اصفهان بود و دیدم که دهقانان ماتولیدشان را برای رفاهشان نمیخواهند تولیدشان را برای آسایششان نمیخواهند. داسهایی که دستشان است نمیخواهند که فقط گندم درو کنند اگر پایش بیفتد با آنها سر دشمن راهم میبرند و می‌آیند در تظاهرات قدس شرکت میکنند و پیوند خودشان را با آزادی قدس برقرار میکنند و همچنین حرکت کارگران و کسبه و روشنفکران... جهت پیدا میکند و موضع ضد امیریالیستی و ضد صهیونیستی کسب میکنند و در این بسیج ضد اسرائیلی است که شورای کارگری معنی پیدا میکند، "پیام طالقانی شهادت است و شورا" ماهم یک حرکتی میکنیم که در آن شهادت باشد و تا حرکتی که در آن احساس مرگ باشد صورت نگیرد تشکیل شورا هم کار اصولی نمیتواند باشد در شرایطی که مسئله شهادت نباشد هر کارگری که بهتر حرف بزند و بیشتر کتاب خوانده باشد در شورا می‌آید ولی در شرایط بسیج که مسئله شهادت است و یک حرکت دراز مدت، آن کارگری می‌آید در شورا که بتواند اقا "کارخانه را بسیج کند و انقلاب در درون طبقات زحمتکش هم عمق بیشتری پیدا میکند. تولیدشان جهت پیدا میکند. در نظام ضد امیریالیستی افزایش تولید بسود انقلاب است.

۵- حل اختلافات درونی بشیوه اصولی

مسئله دیگری که باید انا کنیم، شعار قدس اختلافهای درونی خلق را بطرز اصولی از بین میبرد در این میان دستهایی بوده و هست که می‌خواهد تضاد بنیادین را که بین خلق ما و صهیونیسم در منطقه و امیریالیسم در جهان، وجود دارد به تضادهای فرعی بکشاند ما میبینیم که مردم در روز قدس با شرکت میلیونیشان در تظاهرات واقعا میخواهند قدس را آزاد کنند. البته دستهایی سعی کردند دو قطبی کاذبی ایجاد کنند. (ای نوار آیت توسط بنی رجوی و جنجالهای طرفین) (۱) که میخواهند این حرکت قهرآمیز مردم علیه امیریالیسم را که به ضرر خودشان هم تمام میشد منحرف کنند و مهمترین مسئله جامعه را اختلافات کاذب خودشان جلوه دهند. بنابراین وقتی که یک شعار برتر، یک وحدت کلمه تعالی بخش یک کلمه "سوا" قرآنی بر مردم حاکم بشود معمولا "کسانی که شعارهای فرعی را بوجود می‌آورند و میخواهند انقلاب را با به جناح آیت پایه جناح بنی صدر متصل کنند اینها در این جنگ منزوی خواهند شد.

۶- رشد و گسترش شعار قدس

شعار قدس به این دلیل توحیدی است که نه تنها توده‌های مسلم ماحول آن بسیج شدند بلکه این بسیج به سایر کشورهای منطقه نیز کشیده شد و این بسیج در حال گسترش یافتن به جهان میباشد.

بقیه در صفحه ۲۰

فقیه عالیقدر آیت ال... العظمی منتظری

القدس، ما القدس، وما ادریک ما القدس

۱۹ رمضان سالروز ضربت خوردن امیرمؤمنان علی (ع) و ۲۱ رمضان سالروز شهادت آن حضرت است. شهادت آن حضرت بدست جریان صوری است که یکی از مهلک ترین و پیچیده ترین جریانهای تاریخ اسلام است یعنی جریان خوارج، خارجی گری چیزی نیست که مختص به زمان خاص باشد بلکه مصیبت تمام انقلابات است. بطوریکه همیشه جریاناتی با دادن شعار تا زمام حکومت را در دست گرفته و حکومت های انقلابی نما موضع راست و ارتجاعی باعث ضربه زدن به خط اصیل شده و جلوی جریان حق می ایستند این جریان با وجود تضاد شکلی که با دشمن اصلی جامعه دارد، اما در محسوسات او را تقویت می کند. امروز انقلاب اسلامی ما نیز از این مصیبت در امان نیست. بیا داریم که از آغاز انقلاب تا کنون جریانها و گروههای مختلف راجع به رهبری انقلاب مواضع خصمانه و گوناگونی گرفته اند، زمانی در کردستان، وزمانی در شهرها آتش افروزی نموده و با زدن مارک ارتجاع به رهبری انقلاب و قرار گرفتن در مقابل خط اسلامی ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی امام، دانسته و ندانسته به دامن امپریالیسم غلطیندند همانگونه که خوارج نهروان عملاً با نفی امامت و جنگیدن با حضرت علی (ع) به تثبیت معاویه و رژیم سلطنتی او کمک کردند.

جریان خوارج و درگیر شدن آنها با حضرت علی (ع) یکی از درسهای بسیار آموزنده تاریخ تشیع است. چرا که جریانی با حضرت علی و یارانش درگیر شد که با شعار حق اراده باطل "کرد و برخورد صحیح با این جریان، دارای ویژگیهای ظریفی است که علی (ع) توانست با چنین مردمانی، ظاهر اصلاح عبادت پیشه، مبارزه کرده با بقول خود حضرت علی (ع) "لذا شناخت و درک ریشه های تفکری و ایدئولوژی حاکم بر خوارج و ویژگیهای برخورد حضرت علی ما را در شناخت جریانهای درونی - انقلاب و اتخاذ شیوه برخورد صحیح با آنها یاری می نماید.

مرز بندی حق و باطل در زمان حضرت علی

بعد از پشت سر گذاشتن جریان شورای سقیفه، حضرت علی به حقیقت که قبلاً غصب شده بود، رسید، هرچند که در این دوران نیز نتوانسته بودند امامت را از او سلب کنند همچنانکه در خفا حزب مخفی شیعه را تشکیل داده و در ظاهر با شورا درگیر نشد. بطوریکه پس از این مدت، مردم با شناخت حقایق او و ظلم قدیم حاکم، علیه عثمان قیام کرده و حکومتش را واژگون ساخته و علی (ع) به خلافت بر حق خود رسید. حکومت عدل علی (ع) چنان جریان حقی در تاریخ است که هیچکس قادر به نفی آن نیست لذا معاویه که ادامه چنین روش

علی (ع)

و شیوه های خارجی گری

توحیدی را مخالف با اهداف شرک آلود و سیاست بازی و تقلب و نفاق و مال پرستی بود. آنها می خواستند که خود مستند خلافت اسلامی را اشغال کنند لذا علیه حکومت عدل علی (ع) سر کشی و طغیان کردند و از آنجائیکه حضرت علی (ع) زیر بار مطامع و اهداف پلید آنان نرفت، با او به جنگ پرداختند.

حضرت علی (ع) با جریانی طرف بود که خود را امیرمؤمنان و کاتب قرآن و وحی دانسته و یا به عبارت دیگر اسلام پناهی می کرد. حضرت علی (ع) مهمترین مسئله را مرز بندی اسلام واقعی و اسلام معاویه دانست. جنگ صفین جنگ بر سر اسلام بود.

پیدایش خوارج

در طی جنگ احساس شکست، معاویه را بر آن داشت که با حیل گری این مرز بندی را که تا اندازه ای ایجاد شده بود، مخدوش کرده و بین نیروهای حق تضاد میندازد و از قاطعیت آنها در ادامه جنگ بکاهد. لذا قرآن را بر سر نیزه کردند. گفتند که ما اهل قبله و قرآنیم بیایم و آنرا حکم قرار میدهیم.

حکمت قرآن همیشه از طرف حضرت علی مطرح شده بود، ولی طرح این مسئله از جانب معاویه، بهانه ای برای جلوگیری از ادامه جنگ و افشانشدن نیرنگهایش بود حضرت علی علیه السلام با درک عمق این توطئه فریاد بر آورد که اینها صفحه کاغذ است، ارزشی ندارد و حقیقت قرآن و قرآن ناطق من هستم. دیدن قرآن بر سر نیزه، مقدس مآبهای ساده اندیشی را بست کرد. می گفتند که جنگ ما بخاطر احیای قرآن است، اگر آنها خود تسلیم قرآن هستند پس چرا دیگر بجنگیم؟ و با این منطق که از کوه نظری و ساده اندیشی آنها نسبت به توطئه های پیچیده دشمن، که این بار به رسم اسلام در حال ضربه زدن به اسلام بود، سرچشمه می گرفت، از ارائه جنگ جلوگیری کردند تا به اصطلاح خود قرآن را حکم قرار دهند. حکمهایی تعیین شد، آنها عمر و عاص جوهر سیاست بازان و حیل گران را انتخاب کردند و اینان نیز ابوموسی اشعری، مروی تدبیر را که از تسلیم شدن به جریان حق نیز سر باز می زد، به علی علیه السلام تحمیل کردند.

توطئه شکل گرفت و پس از مشورتها تصمیم گرفته که نه علی (ع) باشد و نه

معاویه و در پی آن ابوموسی حضرت علی را خلع کرد ولی عمر و عاص، معاویه را تشبیه نمود.

ریشه پیدایش خوارج از اینجا بود. عده ای که خودشان در حکمت ابوموسی اصرار داشتند وقتی این توطئه را دیدند، پشیمان شدند لکن در توجیه اشتباه خود گفته: "اینکه نفر انسان را در دین خدا حکم و داور قرار دادیم، خلاف شرع و کفر بود، حاکم مخصرا "خداست نه انسانها" (۱) بنزد حضرت علی آمده و گفته که ما توبه کردیم، توبه توبه کن از اینجا بود که از حضرت علی جدا شدند و "به خوارج معروف گردیدند.

روش شناخت خوارج

از آنجایی که هر سرخورد و حرکتی از دل ایدئولوژی خاصی بیرون می آید و از آنجایی که هر شیوه متخذ از ایدئولوژی است، خوارج نیز از این قاعده مستثنی نیستند و بر خورد هایشان ملهم از روش شناخت خاص خود بود، که بررسی بر- داشت آنها از اسلام ما زا به شناخت عمیق این جریان می رساند.

الف) نفی امامت و مطلق گرایی ذهنی: خوارج بعد از اینکه با اشتباه خود در مورد "حکمت" اعتراف کردند، چنین گفتند "اشتباه ما این بود که اینکه دو نفر انسان را در دین خدا حکم و داور قرار دادیم خلاف شرع و کفر، حاکم مخصرا "خداست، نه انسانها، یعنی معتقد بودند که کسی نمی تواند خلیفه خدا باشد و شعار "لا حکم الا لله" را سر میدادند و اینکه مردم و اجتماع، احتیاجی به امام و حکومت ندارند و مردم خود باید به کتاب خدا عمل کنند و این وسیله امامت را کاملاً نفی کردند. در حالی که امامت یعنی تحقق توحید و آیات قرآن، اینها در حقیقت خود را تحقق آیات می دیدند و خود را امام می دانستند که این همان خود محوری و مطلق گرایی ذهنی است. و در یک تحلیل معاویه گرا به این نتیجه رسیدند که همه دردسرها زیر سر سه نفر است علی و معاویه و عمر و عاص این سه نفر با هم اختلاف رهبری دارند. و همه اختلافات زیر سر اینهاست و باید آنها را بکشیم. نتیجه تحلیل این میشد که از آنجا که دستشان به معاویه و عمرو عاص نمی رسید با علی (ع) که نزدیکتر است به جنگ بپردازند، که در حقیقت در خط معاویه بود، اینها ملاک حق و باطل را راهنمای عمل خود قرار ندادند.

خوارج با هر پدیده ای بطور مطلق برخورد می کردند. بطور نمونه در ابتدا مسئله

حکمت را مطلق قبول کرده و بعد از بی بردن بر اشتباه خود آنرا کاملاً رد کردند تا جایی که به حضرت علی (ع) می گفتند که از اشتباه خودت، یعنی قبول حکمت توبه کن. یعنی خود را و توهمات خود را محور قرار داده و همه چیز را با ملاک خود می سنجیدند.

حضرت محمد (ص) راجع به این جریان می فرمایند: "در آن هنگام گروهی از افراد پدیدار می شوند که نمازتان را در کنار نماز خود کم بها می دهند و روزی تا رادر برابر روزه خود بی ارزش می دانند. (۲)

خود محوری خوارج از اینجا ناشی می شد. لذا می گفتند، پیوسته کار درست همان است که آنان می کنند اگر چه بیش از آن خودشان آنرا خطا نامیده و دیگران را بخاطر انجام آن خطا کار دانسته باشند. خطا کاران از دین برگشتند، کسانی هستند که با نظرشان مخالفت کنند.

ب) اصالت شکل بدون توجه به محتوی (قشری گری)

یکی دیگر از ویژگیهای خوارج، برخورد شکلی بدون توجه به محتوی قضایا و امور است. خوارج با دیدن قرآنها بر سر نیزه اسلام نمایی معاویه را پای بندی او به احکام قرآن دانسته و تفاوتی بین او و علی (ع) قائل نشدند. آنها در نیافتند که جوهر حرکت معاویه تثبیت حکومت خود و نظام سلطنتی موروثی است و تسلیم این شکل اسلام پناهی و فریاد و اسلامای او شدند و در مقابل امام علی (ع) که تحقق واقعی قرآن بود ایستادند و فریب این نیرنگ را خوردند.

ج) تاویل قرآن

خوارج آیات قرآنی را متناسب در جهت ذهنیت و منافع خود تفسیر میکردند و خوب و بد همه چیز را (مشروط به تشخیص ذهنی خود کرده بودند. چنانچه آنها شعار "لا حکم الا لله" را سر میدادند که مقصودشان: الف) نفی امامت حضرت علی (ع) ب) تا مین منافع و خواسته های گروهی شان از تفسیر قرآن بود. چنانچه حضرت محمد (ص) در پیش بینی خود گفته بودند: "یکی از افراد شما (منظور حضرت علی (ع) است) در مورد تاویل قرآن می جنگد همچنانکه مادر مورد تنزیل آن جنگیدیم".

ایدئولوژی خوارج:

سه محور الف: مطلق گرایی ذهنی و نفی امامت، ب: شکل گرایی بدون توجه به محتوی، ج: تاویل قرآن توسط خوارج، علت اساسی و ریشه مشترکی دارد که با بررسی آن میتوانیم خارجی گری را عمیق تر شناخته و جریانهای خارجی گری در شکل های مختلف را تشخیص دهیم.

چند مثال از برخوردهایی با انقلاب اسلامی

در این جنگ نیز شاهد بودیم که جریانی در مورد اسلام و کفر بودن جنگ شک کرده و می گفتند که چون عراق سوسیالیست است، این جنگ، جنگ دو ملت بوده و به نفع آمریکا است یعنی فریب شعارهای بظاهر مترقی صدام و حزب بعثت را می خوردند در حالی که اگر به محتوی حزب بعثت توجه میکردند، مسلماً بی می بردند که عراق نه تنها سوسیالیست نیست، بلکه وابستگی کامل به شرکت های نفتی و فراملیتی دارد و نتیجه اینکه نباید فریب چپ نمایی ها را خورد. بطور نمونه بعد از اینکه ایران صدور نفت خود را بر روی آمریکا قطع کرد، عراق صدور نفت خود را افزایش داد.

دیگر اینکه می بینیم رادیو عراق مخصوصاً در اوایل جنگ تبلیغات ضد امپریالیستی میکرد بطوریکه اگر کسی این رادیو را گوش میداد فکر می کرد که کشوری مترقی تر از عراق وجود ندارد. همانگونه که خوارج نیز با دیدن قرآنها بر سر نیزه توجهی به جوهر سلطنت طلب و ارتجاعی معاویه نکردند و فریب خوردند. در مورد عراق نیز باید به جوهر و ویژگی اصلی عراق توجه میشد که آیا واقعا "سوسیالیستی است و یا ارتجاعی و در خط شرکت های نفتی. می بینیم انقلاب اسلامی بر رهبری امام خمینی در جهت رشد و تکامل ملت های اسلامی قدم برداشته و صدام برای جلوگیری از این رشد به انقلاب اسلامی حمله کرده است و این تبلیغات هم چیزی بجز چپ نمایی و مخدوش کردن مرز حق و باطل نیست. و جریانی است هم که ملاک محکم برای این مرز بندی نداشتند در ماهیت اسلام و کفر جنگ شک میکردند. انقلاب ایران در عمل ضد امپریالیست بودن خود را ثابت کرده است و استراتژی دراز مدت خویش را آزادی قدس قرار داده است. اگر این محکومات را می دیدند هرگز فریب چپ نمایی عراق را نمی خوردند.

هواداران رجوی معتقد بودند که جنگ بین دو استبداد معینی امام و رژیم بعث عراق است که در راس یکی صدام قرار دارد و در راس دیگر امام و کابینه امام و برای پایان دادن به جنگ بایستی این دو استبداد نابود بشوند تا توده ها آزاد گردند رجوی دستش که به صدام نمی رسید، که با او جنگ کند ولی این خط مشی به آنجا منجر میشد که با امام خمینی بجنگ و در نهایت پیوند هایشان با عراق را دیدیم، اصلاً این خط مشی خود صدام بود که بقیه در صفحه ۱۸

باید ملاک برای برخورد با افراد و اشخاص حق باشد نه اینکه حق را به افراد شناخت و مهم تشخیص این حق است.

بنام الله پرورش دهنده شهدا و صدیقیان
با درود به رهبران انقلاب و با تبریک تمنای سبب پیروزی آزاد سازی خونین شهر از دست کفار کمپ دیویدی و بمناسبت سالگرد شهادت محمد حنیف نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان بنیاد نگذاران سازمان و رسول مشکین قام و محمود عسکری زاده اعضا مرکزی مجاهدین .

انسان عاشق

صحبت از انسان عاشق است انسانی که عاشق باشد محدود به لباس و نژاد و زمان خاصی نیست انسان عاشق می تواند مردم را بسیج کند و در هیچ صنف و گروه و طبقه خاصی نمی شود و او را تحلیل کرد. شهید حنیف نژاد هم یکی از این عشاق بود چندی قبل حسین روحانی در مصاحبه خود تاریخ را تحریف کرد، که هر انسان منصف و مطلقاً نا راحتمی شد. او در تلویزیون خط مشی مجاهدین را متهم کرد که "مشی چریکی جدا از توده" بوده است و همچنین گفت که امام خمینی هم این خط مشی را محکوم کرده اند، و من هم بعداً با ایدئولوژی ما رکیستی رسیدم به اینکه جنگ "چریکی جدا از توده" کار اشتباهی بوده است، و اولاد شرایطی که سپاه پاسداران که یک ارگان قانونی است مشی چریکی در از مدت علیه کمپ دیوید را پذیرفته است و ثانیاً در شرایطی که امام امت شیوم فهمیده ای جنگ را پذیرفته اند مخالفت با جنگ چریکی معلوم است که در چه خطی قرار می گیرد.

اعتماد نسبی به توده خط مشی شهید حنیف نژاد

در اینجا حنیف نژاد مستضعف واقع شده است. توضیح بدهم که حنیف نژاد چه فکری کرد. او راجع به جنگ چریکی می گفت: "مانه می توانیم به توده اعتماد مطلق کنیم به علت اینکه شرایط پلیسی و تورپلیسی همه جا هست و نه عدم اعتماد مطلق به توده خط مشی درستی است راه حلی که ما برگزیدیم اعتماد نسبی به توده ها. است" وی می گفت: "ما اگر با روحانیت مکتبی و قطبهای صادق و آدمهای صادق و مقام که گر نهضت ملی بودند با اینها پیوند نخوریم نمی توانیم به مبارزه چریکی. در از مدت ادا می دهیم" اینجا لازم می شود که حنیف نژاد را بیشتر بررسی کنیم تا خیلی از مشکلات ایران حل شود.

پیوند روحانی و دانشجو و نقش حنیف نژاد
در سال ۴۰ قبل از ۱۵ خرداد هما نظور که در جزوه شیوه های اسلامی حنیف نژاد گفته شده، انجمن اسلامی دانشجویان با مسئولیت محمد حنیف نژاد تمام

شهید بهشتی مدیریت مدرسه دین و دانش را عهده دار بودند به ایشان گفتیم ما می خواهیم زقران به خط مشی برسیم شما بگوئید منافق کا فرومون کیست؟ ایشان گفتند سوالات خوبی است و موکول کردند به بعد و در مورد کتابهای عقیدتی گفتند: به حق این کتاب راه طی

یا کسبه یا دهقان است ولی ممکن است آن استضعاف سیاسی و ایدئولوژیک را نداشته باشد و برود ما را بدهد. حنیف به این مطلب رسیده بود که روحانیون قطبها و روزندگان هستند که مورد اعتماد توده ها می باشند و در برگیرنده توده ها هستند و وقتی

حنیف نژاد
واقعات "مشی چریکی جدا از توده"
توسط حسین روحانی

روحا نیون مکتبی و مبارز و غیره و بسته به رژیم و روشنفکران مبارز آن موقع راجع می کرد و مسئولیت تدریس در کلاسهای انجمن را به آنها سپرد و هر دانه نشکده ای می رفتند، به خانه یکی از این روحانیون مثل شبهای جمعه منزل استاد جعفری تیزی و منزل سید مرتضی جزایری کلاس شهید مطهری آقای شبستری آقای شاه چراغی و آقای غفوری و... همچنین تفسیرشهای جمعه مسجد هدایت توسط مرحوم طالقانی، اولین کسی که بطور سیستماتیک پای روحانیت را در دانه نشکا به باز کرد بحق می توانیم بگوئیم که انجمن اسلامی دانشجویان به مسئولیت حنیف نژاد بود. از بهمن ماه ۴۱ به زندان افتاد و ۱۵ خرداد را هم در زندان بود و به آن جمع بندیهای معروف خود رسید بعد از آزاد شدن و تمام امتحاناتش صحبت شد که چگونه زقران به خط مشی برسیم در آن روزها کلاس انجمن اسلامی دانش آموزان در منزل خیابان ادیب تشکیل می شد که آقای رضا صفهانی هم استاد آن کلاس بودند. ترجمه عمیق سوره بقره را شروع کرده بودیم، آیات مومن، منافق و کافر را بررسی می کردیم. این سوال مطرح شد که در شرایط فعلی بعد از ۱۵ خرداد چگونه زقران به خط مشی برسیم مثلاً مومن کیست؟ منافق کیست؟ کافر کیست؟ در آوردن خط مشی از قران نیاز نسل جوان و مسلمان بود. به حنیف هم پیشنهاد شد برویم قم و از آن روحانیونی که می شناختیم، این سوال را بپرسیم. آن موقع پیش شهید بهشتی، مرحوم ربانی شیرازی، حجت الاسلام صرمکارم شیوازی، حجت الاسلام حیدر علی قلعداران حجت الاسلامها دی خسرو شاهی و حجت الاسلام علی حجتی رفتیم.

شده مهندس با زرگان کتاب خوبی است. یک تنه توانسته یک چنین کتاب جامع را بنویسد دیگران هم به ما جواب قاطعی ندادند در برگشت به تهران در اتوبوس حنیف نژاد گفت: "ما با یدا اینکار را که از قران به خط مشی برسیم از خودمان شروع کنیم و از دیگران کمک بگیریم." و با روحانیون دیگر در تماس بود و تازه ترین تحلیلها و دستاوردهای روحانیت خوب آن موقع به دست بچه ها می رسید. آخر الامر به اینجا رسیدند که برویم توی خودمان و کتاب بخوانیم و اسلام را هنمای عمل را بدون کنیم. البته همه مرجعیت اما ما قبول داشتند و بدنبال خط مشی، آموزش و کادرسازی می گشتند که این مطالب در کتاب ریخته سازمان آمده است چند سال بعد که مرحوم طالقانی و یارانانشان از زندان آزاد شدند دست آوردهای خود را به مرحوم طالقانی و مهندس با زرگان و مهندس سبحانی ارائه کردند. مرحوم طالقانی از خوشحالی گریه کردند، مهندس گفته بود که استاد شدید، بعد دکترا سحابی گریه اش گرفته بود و گفته بود این یک عنایت ربانی بود که من شنیدم فکری کردیم مبارزات تمام شده و دیگر هیچکس نیست خلاصه خوشحال بودند.

مسائل را با اینها در میان بگذاریم از طریق اینها می توانیم توده ها پیوند بخوریم و با اعتماد کردن به آنها نسبت به تحلیل جامعه عینی تر شویم و مسئله مالی را هم حل نمائیم مثلاً مردم قطبهای مورد اعتمادی دارند و دشمنان آنها را از ساواک و دربار و اجنبی به آنها می دادند و قطبها برای عملیات این اطلاعات را می دادند. وقتی که مبارزه شروع شد مردم همه می آیند می گویند که اینها چه جور آدمهای هستند و قطبهای مکتبی و رزمنده میگویند: ما اینها را می شناسیم بچه های خوب رزمنده ای هستند عیبی در آنها ندیدیم نماز و روزه شان را بجا می آورند در همین حد که مسئله منیستی هم برایشان پیدا نشود. مثلاً حنیف نژاد دینا حجت الاسلامها معضای تماس داشت و تمام مسائل ایدئولوژیک و دستاوردها را با ایشان در میان می گذاشت یا دم هست که از مشهد برگشته بود و به من می گفت: "برای خا منهای کتاب امام حسین (ع) را که تازه تایپ شده بود بردم و با اشتیاق خوانده بودند و در مجموع کتاب را تایید کردند." آقای خا منهای گفتند: من هم روی صلح امام حسن (ع) کار می کردم و محمد آقای این مطالب را با خوشحالی می گفت و از آقای خا منهای او اعتقاد داشت خیلی تعریف میکرد حنیف هم آدمی بود که اگر کسی انتقاد می کرد به کتابها می کرد آن را در جمع مطرح می نمود. حنیف نژاد با مرحوم طالقانی مستمر تماس داشت و ایشان را در جریان کارهای دست آوردهای سازمان می گذاشت قبل از سال ۵۰ رسیده بود به این مطلب که در میان مبارزین ملی مذهبی قطبهای صادق هستند مثل شهید رجایی و مهندس سحابی محمد مهدی و... این بود سیر

اعتماد نسبی به توده در آن شرایط پلیسی که بعد از ضربه ۵۰ همه شان مجاهدین را تا تاید می کردند. آیا آنها حسین روحانی به حنیف نژاد وارد است؟ حجت الاسلام خا منهای با ۱۶ میلیون رای فعلی و مرحوم طالقانی با فقط سه میلیون تشییع جنازه در تهران مهندس با زرگان با سابق رزمندگیش و مقبولیت عامه اش در آن موقع همگی هویت مذهبی و صداقت محمد آقا را قبول داشتند آیا با این همه تا شهید روحانیت مکتبی حنیف نژاد چریک جدا از توده می شود؟ وقتی که شهید حنیف نژاد در زندان افتاده بود مرحوم طالقانی در مسجد هدایت گفتند که مردم این محمد های ما این سلمانها، میثم های ما زندانند، دعا کنید، بیدار شوئیم یک روحانی با آن همه عظمت روحیش که مفسر قران و ابو ذم زمان نامه شده، این همه جریان مجاهدین را تا تاید کند. این کجا مشی چریکی جدا از توده است، که حلاصین روحانی بگوئیم ما با ایدئولوژی مارکسیستی به این نتیجه رسیدیم که جدا از توده غلط بوده مطالبی است که گفتنش لازم است.

مجا هدیون و روحانیت مبارز

حنیف چریک جدا از توده نبود مگر نمی گویند که بدون روحانیت نمی شود توده را داشت و هر روحانی چه مخفی باشد چه علنی با توده است و این همه تا تاید روحانیت از حنیف نژاد وسیع محسن و بدیع زادگان شوخی نیست و آیت ا... منتظری مجاهدین را تا تاید می کردند و از قبل به ایشان کمک مالی هم می رسیدا ایشان برای جلوگیری از اعدام حنیف نژاد به امام خمینی نامه نوشتند و بخاطر جلوگیری از فعالیت ایشان به زندان افتادند و چه زجرها و شکنجه ها که در راه امام و کمک به مجاهدین در زندان کشیدند. و یا شهید مطهری در سال ۵۳ حتی بعد از انتشار کتابها چنان جمله معروفی را راجع به بدیع زادگان بگویند، جریان بدین شکل بود که مهندس جلالی از شهید مطهری نظرشان را راجع به مجاهدین پرسیده بودند و ایشان پس از مدتی تا مل گفته بودند "من کجاست و شهید علی اصغر بدیع زادگان کجا من چه صلاحیتی دارم که در مورد بدیع زادگان اظهار نظر کنم؟ تا تاید شهید مطهری چیز کمی نبود ما خودمان وقتی مخفی بودیم و شنیدیم خیلی خوشحال شدیم می گفتیم که حتماً ما عیبی نداریم که

بقیه در صفحه ۲۰

شما باید بدانید که هر اختلاف و نزاعی شروع شود از باطن خود انسان است و هر انسجامی که حاصل شود از خدا است.

از ۳۰ تیر تا ۲۸ مرداد

قسمت اول ۳۰ تیر

بنام خدای شهیدان

انگیزه نگارش:

بدون شک قیام سی تیر سال ۱۳۳۱ یکی از درخشانترین جلوه‌های حرکت امت مسلمان ایران است. به حق میتوان آنرا حلقه اتصال مبارزات گذشته (از صدر مشروطیت تا قیام جنگل و بعد از آن شهیدای عظمی چون شهید مدرس و ۱۰۰۰) با قیام ۱۵ خرداد و مبارزات مسلحانه و بالاخره پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر رهبری امام امت خمینی کبیر است.

سی ام تیر خونین آغاز سیر قهرآمیز خلق بارزیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم است. سی ام تیر آغاز حرکت آشکار ضد دربار است.

سی ام تیر فرازی است پرشکوه از حرکت خلق و آغازگر جدائی واقعی و عمیق بین حق (مردم مسلمان) و باطل (ارتجاع، سلطنتی وابسته) و هرچه در راستای حرکت خلق جلوتر میرویم عمق آن بیشتر و مکتبی تر شده و سرانجام در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ رژیم پهلوی را بپاک و خون میکشد. لذا باید ویژگیهای سی تیر شکافته شود تا اولاً: حقایق تاریخی تحریف نشود ثانیاً: امت مسلمان با پشتوانه مبارزاتی و تاریخی طولانی تر و عمیق تر بحرکت پرخروش خود به رهبری امام خمینی در صدور انقلاب و برکندن ریشه نفوذ امپریالیسم از منطقه ادامه دهد. در این میان کم نیستند جریاناتی بقصد و قوی کذب انقلاب و بابتیرت خویش از فعال نبودن در آن حرکت عظیم و حرکات بعدی دست به تفسیر ۳۰ تیر، با بینشی لیبرالی زده اند.

(بینش لیبرالی و قیامهای مردمی)

اصولاً "انتساب قیامها و انقلابات مردمی به اجنبی و قدرتهای بزرگ یک نگرش لیبرالی است. هنوز هم بعضی افراد مکتبگرا و متظاهر به مکتب این بینش را ترک نکرده اند. و از این زاویه است که به مسائل نگاه میکنند. این روش شناخت، منفعل است و منفعل کننده. روش تحقیق این دیدگاه چنان در تحلیل وقایع تاریخی ماریشه دوانده که امروز بدون پاکسازی این تحلیلها نمیتوان به حقیقت تاریخی نوشته شده موجودی برد. این بینش امپریالیسم را در اذهان بزرگ کرده تثبیت میکند و عبارتی هیچ حرکتی را بدون خواست و حضور قدرتهای بزرگ امکان پذیر نمیداند. و از سوی دیگر همین بینش منشاء "عدم انتقاد از خود" میگردد. علاوه بر این اشخاص مسلح به چنین بینشی هر حرکتی را که خودشان در رأس نبوده اند یکسره حرکتی مشکوک و وابسته اجنبی تلقی میکنند. و موجب خصلت ناپسند خود محوری میگردد. با این ایمان که جوهر قیامها، خلق خدا جو هستند،

و باین ایمان که جریانهایی فرمیسم و قدرتهای بزرگ و عوامل آنها تابع حرکت خلق اند به بررسی قیام ملی سی ام تیر می پردازیم.

(۲۹ تیر ماه جلوه های قیام)

حرکت طومار نویسی مردم که از اوایل تیرماه آغاز شده بود، و بعضاً "نیز باخون نوشته شده بودند تبدیل به بستن بازار و اعتصاب شده و بعد از استعفای دکتر مصدق در ۲۶ تیر و انتصاب قوام السلطنه به نخست وزیری بدل به درگیری مستقیم با پلیس و ما موران حکومت نظامی شده بود. استعفای مصدق به دو دلیل انجام گرفت. الف: بدلیل احیای قانون اساسی که بموجب آن وزات دفاع میبایستی از دست شاه در میآید و به نخست وزیر داده میشد. ب: دیگر گرفتن اختیارات تام از دربار و مجلس غیر انقلابی بمنظور اصلاحات انقلابی.

تظاهرات و درگیریهای مردم پلیس و فرمانداری نظامی که در ۲۶ تیرماه آغاز شده بود. سومین روز خود را پشت سر میگذارد، خبر حرکت مردم کفن پوش از کرمانشاه و همدان و آبادان و اراک و مسجد سلیمان بر وحشت دربار و حاکمان هر لحظه می افزاید.

تقریباً تمام تلگرافخانه ها شهرستانها در اختیار متحصرین است و درگیریهای خونین نیز در پی داشته است.

روز ۲۹ تیر سه روز است که بازار تهران بحمايت از مصدق و مخالفت آشکار با قوام و باطنی با شاه تعطیل است.

اعلامیه مرحوم آیتا... کاشانی و وکلای جبهه ملی در مجلس نیز منتشر میشود. به حمایت از مصدق و مخالفت با قوام در روز ۲۸ تیر و مردم را به اعتصاب و تعطیل عمومی در روز ۳۰ تیر دعوت میکنند. کارخانه های سراسر کشور تقریباً یکپارچه تعطیل و در حالت اعتصاب بسر میبرند.

حزب توده زیر فشار واقعیت حرکت مردم و اعضای پائین خود تحلیل قبلی اش را تغییر میدهد. در تحلیل قبلی مصدق را مظہر وحدت جناحهای حاکم آمریکا و انگلیس (سرمقاله های نوید آید) پند میروزهای ۲۳ تا ۲۸ تیر) میدانست. حزب توده اعلامیه ای با مضای "هیئت مدیره جمعیت ملی مبارزه با استعمار" به حمایت حرکت مردم منتشر میکند. حرکت مردم مسلمان توفند و پر خروش دگم هارا شکسته و آنها را در مسیر خود آورده است. تضادهای درونی جبهه ملی که از اواخر دوره شانزدهم و انتخابات دوره هفدهم بسیار دشمن شاد کن شده بود، و در جریان بحث در خصوص ماده واحد (اختیارات تام) نیز بیشتر شد پیدا کرده بود. موقتا "تحت تاثیر حرکت مردم تخفیف پیدا می کند. و هیچ یک از سران جبهه ملی جرات پذیرفتن نخست وزیری بجای مصدق را در این مقطع ندارند. و نیز قایل ذکر است که

خوانده شد نمایندگان جبهه ملی در آن شب از طریق اتومبیل ها با بلندگو مردم را به آراش دعوت میکردند.

(وضعیت ظهر در روز سی تیر)

از صبح خیلی زود شهر وضع عجیبی داشت و جنب و جوش فوق العاده ای در مردم تهران از مرد و زن و پرو جوان بوجود آمده بود (گوئی همه با دست خالی و حالت کفن پوش خود را آماده کارزار و نبرد با دشمنان استقلال و آزادی کرده بودند. اکثر خیابانها منجمله خیابانهای شاه آباد میدان بهارستان - اسلامبول - نادری صفی علیشاه - فردوسی - ناصر خسرو و میدان سپه و جلوی مسجد شاه تا چهارراه گلوندک و خیابانهای جنوب شهر و مقابل دانشگاه تهران و خیابان شاهرضا و نیز اطراف میدان گمرک کارخانه دخانیات) تعداد بیشماری تانک و نیروی زرهی و کامیونهای ملو از سرباز و ما مورین شهر بانی و ماشین های بی سیم دار شهر بانی استقرار یافته بودند.

علاوه بر اینها نیروهای نیز بشکل ذخیره در خیابانهای فرعی اطراف میدان بهارستان که طبق روال روزهای قبل مرکز اصلی تظاهرات بود مستقر شده بودند. و بطور کلی شهر در اختیار قوای مسلح بود و همه جابجشم میخوردند.

دیگر از رجال و شخصیت های وابسته به دربار کاری ساخته نبود. و ارتجاع برای حفظ خود مجبور بود خشونت و فاشیسم خود را نشان دهد.

(حرکت خود جوش و همدفدار)

بتدریج مردم از هر قشر از کارگر و کاسب و بازاری و محصل و افراد احزاب مختلف دسته دسته از منازل خارج شده و در جاهائی که قبلاً تعیین کرده بودند بیکدیگر پیوسته و بطرف میدان بهارستان میدان سپه و بازار - چهارراههای

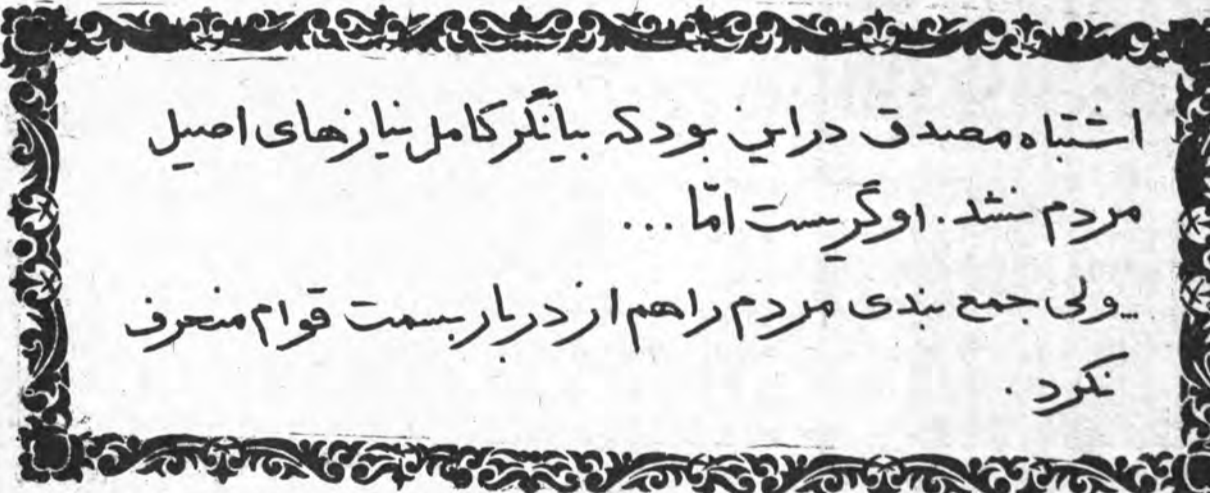
(حمله به ارگان تبلیغاتی ارتباطی رژیم)

ساعت حدود هشت و نیم صبح بود که عده زیادی جلوی بازار و سبزه میدان جمع شده بودند ما مورین بسیار زیادی در اطراف میدان ارک و اداره رادیو تجمع کرده بودند. مردم دسته جمعی بسمت اداره رادیو که از چند روز پیش خون به دل آنها کرده بود و حتی خیر استغفای دکتر مصدق را نیز پخش نکرده بود هجوم برده تا آنجا را گرفته و در آنجا متحصن شوند و از آنجا فریاد خود را به همه جا برسانند که در نتیجه این درگیری یک نفر شهید و تعداد زیادی مجروح میشوند. مردم جنازه شهید را برداشته بطرف میدان بهارستان حرکت میکنند. حرکت مردم همراه با جنازه یک شهید بر وحشت پلیس و نظامیان می افزاید. بطوریکه بر آن میشوند که از این حرکت مردم جلوگیری کنند. و جنازه را از دست مردم بگیرند. اما تلاش ما مورین بعلت مقاومت انبوه مردم بجائی نمیرسد و آنها همچنان با جنازه از طریق خیابان اکباتان بسمت مجلس به حرکتشان ادامه میدهند.

(جلوی دانشگاه تهران)

مقارن همان ساعتی که درگیری در سبزه میدان و اطراف اداره رادیو بود، درگیریهای مشابهی با همان شعارها (مرگ بر قوام - مرگ بر شاه - زنده با مصدق یا مرگ یا مصدق) در جلوی دانشگاه تهران بوقوع می پیوندد. در یک درگیری و سعی که جلوی دانشگاه میشود تعداد زیادی مجروح بجای میماند که پلیس مانع برداشتن مجروحین توسط مردم میشود. و درگیریهای دیگر متعاقب آن برای گرفتن مجروحین از دست ما مورین بوجود میآید. و سرانجام جمعیت از آنجا بسمت میدان بهارستان بحرکت در میآیند.

(کارگران کارخانجات)



اشتباه مصدق در این بود که باینترکامل نیازهای اصل مردم نشد. او گریست اما... ولی جمع بندی مردم را هم از دربار بسمت قوام منحرف نکرد.

همچنین کارخانه ها که در آتروز یکپارچه تعطیل بودند، بخصوص دخانیات، در آنجا نیز جنگ و گریزی رخ میدهد و کارگران بسمت میدان بهارستان براه میافتند. سازماندهی خود جوش خیلی سریع در مردم رشد کرده بود. و تدارکات مردم بخوبی تامین میشد. سنگ و آجر و چوب برای درگیری و در بعضی نقاط در بعد از ظهر طناب برای پائین کشیدن مجسمه شاه. حرکت مردم به همراه یک شهید از میدان ارک بطرف بهارستان در خیابان اکباتان، و جلوی ما مورین، منجر بیک

مجدالدوله - پارک شهر و نادری و دانشگاه تهران به حرکت درآمدند. ما مورین پلیس و فرمانداری نظامی هر جا مردم را بطور دسته جمعی میدیدند با تهدید و بی رحمی عجیبی که برای هیچکس قابل تحمل نبود با باطوم و سرنیزه و در موقع لزوم با اسلحه گرم مردم را مضروب و مجبور به فرار میکردند. اما مردم غیور و شرافتمند از سرنیزه و مسلسل باک نداشتند. و از گوشه و کنار و کوچه های فرعی بطرف خیابان شاه آباد رهسپار میشدند. و در همه جا ما موران پلیس که مانع حرکت آنها میشدند مبارزه میکردند.

مصدق "مرگ بر قوام (و مرگ بر شاه همه جا را بر کرده بود از این رودر بار دست بدامان نمایندگان جبهه ملی شد تا مردم را به آراش دعوت کنند. چراکه موجودیت خود را در خطر می دید. آنها هم که خود کتکش چنین حرکت عظیمی را نداشتند سرانجام اعلامیه نمایندگان جبهه ملی در نیمه شب ۲۹ تیر منتشر شد. در این اعلامیه از مردم خواسته بودند که در اعتصاب روز سی ام تیر آراش را حفظ کنند. این اعلامیه ها علیرغم مخالفت قوام (با اصرار دربار و فرماندهان حکومت) نظامی ساعت یازده و نیم شب به بعد بارها از رادیو

از سترتا...

درگیری شدید در آن خیابان میشود و ما مورین با، باطوم و سرنیزه سعی در متفرق کردن مردم را دارند و در همین جاست که دو نفر با ضرب سر نیزه از پای در میآیند. و بغیض شهادت نائل میشوند. یکی از آنها بنام شهید محمد محمدزاده بیچاره که در خون خویش میغلطید و با خون خویش مینویسد زیا مرگ یا مصدق و در آن حال شهید میشود. شهادت این عزیزان مردم را بیش از پیش بسیج میکند. و فریاد مردم که ما انتقام خون شهیدان را خواهیم گرفت با شدت هرچه تمامتر در فضای خونبار میدان بهارستان طنین انداز میشود و بیش از پیش ما موران را متزلزل و مرعوب میسازد. حرکت چند هزار نفری مردم به همراه جنازه شهید بسمت میدان بهارستان هر لحظه اوج بیشتری میگردد و مردم با سنگ و چوب به پلیس حمله ور شده و ماشینهای اورا با تاش میکنند و موفق میشوند که ما مورین را تا دروازه شمیران بعقب برانند.

در این حال افسران فرمانداری نظامی که وضع را خیلی خطرناک احساس میکنند دستور تیراندازی بسوی مردم بی دفاع را صادر میکنند.

(حمله به مجلس درباری)
مردم با متفرق کردن ما مورین بجلوی مجلس میرسند. و با شعار مرگ بر سید حسین امامی " مرگ بر نمایندگان مزدور " زنده باد دکتر مصدق " زنده باد وکلای واقعی مردم " از نردهها بالا رفته و قصد اشغال مجلس را میکنند. و خواستار باز شدن در مجلس میشوند و بعضی از نمایندگان را صدا میکنند که آنها جرئت جلو آمدن نمیکنند. در همین موقع است که فرمانداری نظامی دستور تیراندازی صادر کرده و ما مورین به همراه گارد مجلس تیراندازی را بطرف مردم آغاز میکنند. اولین کسانی که مورد اصابت گلوله قرار میگیرند و نفری بودند که زیر جنازه شهید را گرفته بودند. و بدین سان دونفر در خون خویش میغلطند و سنگ فرش خیابان را بخون خود رنگین میکنند. مدت ۱۵ دقیقه مردم را از روی پشت بام مجلس به گلوله می بندند تا ما مورین عقب زده شده تا دروازه شمیران مجدداً وارد کار زار میشوند. در این موقع است که مسلسلها بکار میافتد و مردم بی دفاع را برگبار میبندند. و آنها را بسمت سرچشمه بعقب میزنند و بسیاری در این مکان شهید میشوند بعضی از آنها با خون خویش بروی دیوارها و سنگ فرش خیابانها مینویسند.

" از جان خود گذشتیم با خون خود نوشتیم یا مرگ یا مصدق " تیراندازی و برگبار همچنان ادامه می یابد و هر لحظه بر شدت آن افزوده میشود. مردم مانند برگ درخت بزمین میریزند. حالا دیگر میدان بهارستان کاملاً از طرف قوای شهربانی و ارتش و برق سرنیزه های آنها و لباس آبی پاسانها و تانک

وزره پوش و کامیون حامل مسلسل و سرباز انباشته شده چیز دیگری دیده نمیشود. ارتش شاه موفق شده مردم را تا پلین مسجد سهسالار بعقب بزند. و درگیری و تیراندازی با شدت هرچه تمامتر در آنجا ادامه می یابد. شعار مردم. مرگ بر شاه زنده باد مصدق است. همچنین از زوایه های دیگر میدان بعضی خیابان شاه آباد و میدان فجرالدوله اکباتان وصفی علیشاه شهیدای زیادی در خون خویش غلطیده اند مقاومت مردم و تیراندازی ما مورین هر لحظه اوج میگردد. رفت و آمد آمبولانسهای که از شدت انباشتگی از گذشته و زخمی درهایشان کاملاً بسته نمیشد، و نیمه باز بود همچنان ادامه دارد و بر شدت بسیج می افزاید. جلادهائی چون علیرضا پهلوی سرهنگ قربانی - ستوان فاطمی همچنان در کشتار مردم دست بکارند ساعت حدود یازده و نیم صبح است.

مقارن همین ساعت در میدان پخیرالدوله سرهنگ شرافتمندی از تانک خارج شده و پاگون خود را می کند و میگوید " ما ایرانی هستیم و از انگلیس بیزار و ما هرگز بسوی شما تیراندازی نمی کنیم و تسلیم مردم میشوند. انسجام ارتش در اثر مقاومت مردم درهم ریخته و سازماندهی و تدارکات آن دچار ضعف و سستی شده است.

شاه و اطرافیان از این مقاومت که منجر به درهم ریختگی در ارگان ارتش نیز شده دچار وحشت شده و دست به عقب نشینی میزنند. (عقب نشینی همراه با توطئه)
مذاکرات نمایندگان جبهه ملی پیرو مذاکرات قبلی که با فرمانداری نظامی و دربار داشتند دوباره آغاز میشود. اما دربار در همین لحظات هم که زور و سرنیزه شکست خورده دست از توطئه بر نمیدارند. و شاه به دکتر معظمی پیشنهاد نخست وزیری میدهد.

ساعت حدود یک ربع بعد از ظهر شاه و فرمانداری نظامی نوان مقابل با حرکت مردم را در خود نمی بینند. جریان فرار و تسلیم در قوای نظامی شدت پیدا کرده و از این رو ظاهراً " دستور قطع تیراندازی داده میشود. و از این فرصت استفاده کرده و به تدارکات ارتش می پردازند تا با اصطلاح مذاکرات آنها (در بار و سایرین) از موضع قدرت باشد.

اما درگیری همچنان ادامه می یابد تا جایی که قدرت مردم بدانان می فهماند که دیگر هیچ توان مقابله ندارند در گوشه و کنار شهر شعارهایی مبنی بر نخست وزیر دکتر معظمی براه می افتد. اما بزودی در اثر مخالفت یکپارچه مردم محو میشود. دیگر دربار کلاً تسلیم شده بنظر میرسد. و از این رو استعفای قوام السلطنه بدون اطلاع خود اواعلام میشود.

میگشاید. دکتر بقایی ما موران حراف مردم از شاه بسوی قوام و ما مورین ارتش میشود. و در نطقی که در عصر روز ۳۰ تیر از رادیو پخش میشود به چپ نمایی پرداخته و سخنانی بدین مضمون میگوید " ای مردم غیرتمند فجاج اعمال این افسران از حد گذشته بر آنان بتازید و بر آنها و زنان و بچگان و پدران و مادرا نشان هم رحم نکنید. قصاص کنید و انتقام خون برادران خود را بستانید. "

سپس علیه قوام سخنرانی را ادامه میدهد و میگوید: مرگ بر شاه نگوید که این شعار توده های هاست. بقایی با این موضع گیری بظاهر چپ، چند هدف را دنبال میکند. اول آنکه شعار " مرگ بر شاه " راه " مرگ بر قوام " و " مرگ بر افسران " تبدیل میکند. دوم آنکه قوام را که رقیب خود در رابطه با نخست وزیری آینه میدید، از میدان بدر کند. سوم آنکه سعی میکند رهبری حرکت را بخود منتسب کند. دکتر بقایی شعار مصادره

دیگر. برای درک بیشتر محتوی حرکت ۳۰ تیر و اینکه چه قشرها و طبقاتی در متن قیام بودند لیستی از مجروحین بیمارستان سینای آن زمان که در روزنامه " باختر امروز " منعکس است ضمیمه میکنیم در این لیست دیده میشود که شهدا از همان اقشاری هستند که شهدای ۱۵ خرداد و شهدای ۲۲ بهمن و جنگ اسلام و کفرند. عمدتاً " زحمتکش و شاگرد کسبه و کسبه مستضعف و چند کارمند جز در لیست مجروحین حتی یک تاجر ملی هم دیده نمیشود.

- ۱ - محمد فریدونی ۲۵ ساله شغل " شاگرد نجار " گلوله به پا،
- ۲ - محمود نصرت الدوله قناد " پای راست، ۲۴ ساله
- ۳ - علی محمد محمودی ۱۸ ساله " شاگرد ناتوا " پشت طرف راست
- ۴ - محمد عاقله باشی ۲۰ ساله " شاگرد تاجر " ران پای راست
- ۵ - سیدرضا اسماعیل، ۲۹ ساله

- ۱۵ - علی اصغر عقیلی ۲۴ ساله " شاگرد نجار "
- ۱۶ - محمد غلامحسین ۲۰ ساله " شاگرد ریخته گر "
- ۱۷ - حسین ابوالقاسم ۱۲ ساله " شاگرد قصاب " خونریزی شدید
- ۱۸ - علی محمدخان ۱۵ ساله شاگرد بقال " تیر به سر
- ۱۹ - محمد جعفر براقچی، ۲۳ ساله " دوچرخه ساز " انگشت پا قطع و دست تیر خورده،
- ۲۰ - علی عبدالحسین ۲۷ ساله " شغل آهن کوب " گلوله بدست
- ۲۱ - جبار آقا بالا ۲۵ ساله " جوراب باف " گلوله بدست
- ۲۲ - محمد علی ترابیان ۲۰ ساله " کارمند اطلاعات "
- ۲۳ - حسین اللهیاری ۱۸ ساله " گلوله به فک
- ۲۴ - حسین محمد علی ۱۲ ساله " شاگرد خاتم ساز " گلوله بدست
- ۲۵ - احمد سیف الله تسلیمی ۲۸ ساله راننده " خط ۸ " گلوله بسویله ستوان فاطمی
- ۲۶ - سید محمود سید ابراهیم سجادیور ۳۰ ساله " کارمند ثبت اسناد " گلوله بدست
- ۲۷ - عباس اسکندری ۲۵ ساله " مکانیک " گلوله به گردن و شانه
- ۲۸ - محمود یومتی ۲۴ ساله آجیل فروش گلوله به گردن
- ۲۹ - حیدر ثانی ۲ ساله " قصاب گلوله به سر گردن
- ۳۰ - سولی الله علی ۲۵ ساله " راننده تاکسی " تیر به بازو.
- ۳۱ - اسکندری ۲۰ ساله شاگرد شوfer " گلوله به سر
- ۳۲ - اسدالله شمیرانی ۲۰ ساله " بلور فروش "
- ۳۳ - علی آقازاده ۲۵ ساله " باربر گلوله به پا
- ۳۴ - عینک چی، شهید

در روزی ام تیر، سازماندهی خودجوش سریع در مردم رشد کرده بود و تدارکات خوبی انجام میشد.

سنگ و آجر و چوب برای درگیری و لنگاب برای...

اشتباه مصدق
۲ - اشتباه مصدق در این بود که بیانگر کامل نیازهای اصل مردم قیامگر نشد. او کانون توطئه یعنی در بار را برای مردم نشکافت. او گریست اما به مردم تحلیل نداد و آنچه که مردم عمیقاً میخواستند نکفت. گرچه او کانون توطئه را اسم نبرد و آنرا چپ روی میدانست ولی جمع بندی مردم را هم از دربار بسمت قوام منحرف نکرد. لیست مجروحین مستضعف و شغل آنها نشان میدهد که اگر مصدق از شاه اسم میبرد نه تنها چپ روی نبود، بلکه پیوند بیشتر با مستضعفین میخورد و دشمن اصل را هم که ارتجاع سلطنتی باشد، برای مردم آشکار میکرد. در حالیکه می بینیم امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی دائماً در تماس با مستضعفین - توبین اقتشار جامعه یعنی سنگر نشینان جبهه اسلام بقیبه رصفحه ۱۸

- ۶ - علی حسین خنجری ۱۸ ساله " شاگرد خیاط ضربه با باطوم سر
- ۷ - میر عبدالباقی ۲۱ ساله " کشفاب " پهلوی دست
- ۸ - ابراهیم غلامعلی ۱۶ ساله " محصل " دست راست
- ۹ - فضل الله حبیبی ۲۰ ساله " صحت محبی ۲۴ ساله " آهنگر " پای راست
- ۱۱ - قاسم رضاهمه برگی ۲۷ ساله " میوه فروش " ضربه به شکم خون ریزی از مجرا
- ۱۲ - حسین احمد ۲۴ ساله " شوfer " ضربه به شکم
- ۱۳ - قاسم نوروزی ۱۴ ساله " روزنامه فروش "
- ۱۴ - جواد محمد " دست فروش "

اموال قوام را بعوان جمع بندی قیام سی تیر مطرح نمود. مجسمه ها پارچه های از قوام درست کردند و طی تظاهراتی به آتش کشیدند. در حقیقت این کار، آتش زدن جمع بندی اصل مردم یعنی مبارزه اسلامی و ضد سلطنت بود که موجبات خوشحالی شاه را فراهم آورد. همانطوریکه بعد از حمله به لانه جاسوسی آمریکا یعنی انقلاب دوم و تظاهرات مردم در روز قدس به رهبری امام در سال ۵ یعنی بطور خلاصه رشد انقلاب، موجب شد که بنی صدر عافیت طلب مردم را بسمت دوقطبی کاذب منحرف کند. در آن روزها نیز قیام سی تیر و رشد خلق موجب شد که تضادهای درونی جبهه ملی تشدید و دوقطبی کاذب قوام - بقایی جای دوقطبی اصل خلق و سلطنت را بگیرد و جریانهای بعدی

این قهری که بین مردم و رژیم سلطنت وجود دارد یا این دره ای که بین رژیم ادبانه و مردم وجود آمده، ابتدایش ۳۰ تیر بود. " سنگر کتاب و غیرگیهای انقلاب "



بنام خدای شهیدان

توضیح : از آنجا که اخبار و اطلاعات صحیح (کما می: هما منظور که هستند) تحلیلها را با رورمینما یدبرآن ندیم مجموعه ای از اخبار مهم روزنامه ها را در بخشی از نشریه که به اینکار اختصاص داده ایم درج نمائیم .

اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از :
۱- کمک به با روری تحلیل های سیاسی نیروهای مکتبی .
۲- دادن بینش استراتژیک ' ز رویدادهای ایران ، مقطقه و جهان .
۳- کمک به پیدا کردن دیدگاه استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم .
ضمنا راه مجاهد با این اخبار برخورد فعال میکند .

آیت الله العظمی منتظری
امید امت و امام

بنام خدای شهیدان

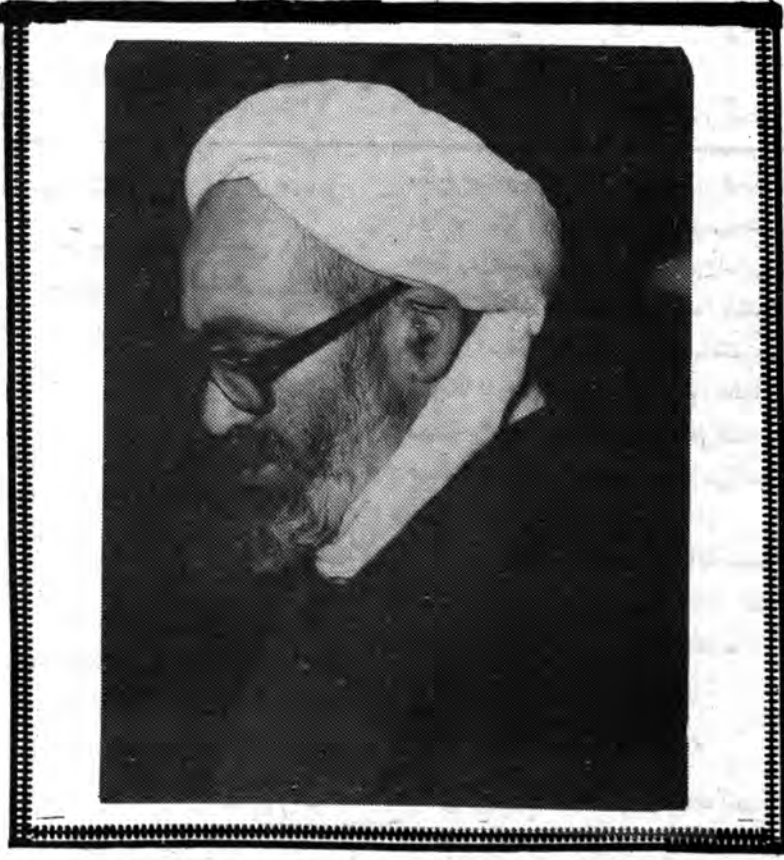
کیهان ۶۱/۲/۲۸

قسمتی از توضیحات و نظرات آیت الله العظمی منتظری در باره ولایت فقیه :

..... مسئله انتخاب عمومی به هیچ وجه جای "حق" را نمیگیرد و وجدان هیچکس را ملزم نمیکند که از کسیکه با رای اکثریت انتخاب شده اطاعت و پیروی کند زیرا منتخب بمنزله وکیل مردم است و موکل بهیچوجه ملزم نیست که از وکیل خود پیروی کند و بلکه حق دزد هروقت بخواد و او را عزل کند. بازه این مسئله مربوط به اکثریت است که وکیل را انتخاب کرده اند اما راجع به اقلیت ، مطلب واضحتر است زیرا بحکم وجدان ، بر هیچکس واجب نیست که از وکیل دیگری اطاعت کند و بنا بر این نظام اجتماع مختل میگردد پس برای تنظیم اجتماع سیاستمداری لازم است که طاعت از او و نفوذ حکم او ولو بضر محکوم هم تمام شود بر حسب وجدان ، لازم و واجب باشد. و تنها کسیکه میتواند چنین باشد ، شخصی است که حکومت و ولایت او با تعیین خدا بوده حکومت و سلطنتش از شیون سلطنت مطلقه الهی باشد کبرم در این بین ، واسطه بخورد مثل فقیه عادل که از طرف ائمه که خودشان از طرف پیغمبر معین شده اند و بیقیمبر را نیز خدا نسبت به مومنین ، از خودشان اولی تر قرار داده است منصوب شده باشد .

راه مجاهد :

محوه را ایفا کند .
۲ - صدور انقلاب را ویژگیهای اولیة انقلاب اسلامی است و چنانچه نسبت به صدور پیمام فکری و فرهنگی انقلاب به جهان تلاشی نکنیم پویائی و حرکت آن در داخل از بین میرود و انقلاب به خطر تهدید میگردد و لذا میبایست واحدهنضت های آزاد بخش اسلامی تحت نظر مقام رهبری و ولایت فقیه با قدرت بیشتر و دورا ز روابط دست و پا گیر دولتی انجام وظیفه نماید.....



نموده و رای اکثریت کاذب و نا راضی را بدست آورد . حرف مادر مورداصل پنج ، ولایت فقیه ، همین بود که مورد تکفیر واقع شدیم .

هنمودهای آیت الله العظمی منتظری به واحدهنضت های آزاد بخش سپاه :

۱ - قانون اساسی وظیفم مبارزه با توطئه های داخلی و خارجی ضد انقلاب را به عهده سپاه پاسداران محول ساخته و با قدرت و اختیار این ارگان به حدی باشد که بتواند مسئولیت

ره نمود آیت الله العظمی منتظری به سرپرست و اعضای دفتر مرکزی بنیاد شهید :

..... چه خوب بود که خانواده های شهدای کشورهایی نظیر عراق ، افغانستان و لبنان نیز زیر پوشش این بنیاد قرار می گرفتند و با امکان تأسیس چنین بنیادی برای آنها بود .

سخنان آیت الله العظمی منتظری در دیدار با مردم خطاب به ملت مصر : از دولت مزدور و وابسته شما

تعجب نیست عجیب از سکوت شما است که چگونه تحمل میکنید در حالیکه اسرائیل شما را از نعمتی ساقط نموده و ضمن اشغال قدس و سرزمینهای اسلامی هروز به کشتار برادران فلسطینی و بمباران جنوب لبنان ادامه میدهد . دولت بی غیرت شما بجای مبارزه و جنگ با صهیونیسم اشغالگر سر بازان کشور شما را میخواهد بمنطقه خلیج فارس روانه کند . سرانجام قدرت نظامی ارتش مضر را در جنگ با جمهوری اسلامی ایران بسود آمریکا و اسرائیل تضعیف و نابود سازد .

..... ایشان خطاب به سران خائن منطقه فرمودند : شما که مدعی عربیت و مسلمانی هستید تا کنون برای جنگ با اسرائیل دشمن اسلام و عرب جز شعاع رد و روغچه کرده اید شما عملدراختیار آمریکا و اسرائیل قرا ر گرفته اید چرا از خشم خدای بزرگ و بیدار ری ملت بزرگ اسلام نمی ترسید تا وقت نگذشته است به اسلام وصف مسلمین برگردید و در آنکنا برادران خواهان مسلمان ایرانی خود در ایران یک جبهه قوی سیاسی نظامی علیه دشمنان اسلام و صهیونیسم تشکیل دهید و بدانید صد م رفتنی است و بیش از این منابع مادی و آبروی خود را خرج و ن کنید .

..... از مردم آگاه و مسلمان ایران خواستند همزمان با شعار مرگ بر آمریکا سعی کنند جناح آمریکا را کمتر مصرف نموده و تا کید نمودند ما با ید ا صولایک ملت قانع و زاهد باشیم تا ابر قدرتها نتوانند خود را به ما تحمیل نمایند .

..... از کشا و رزان خواستند با تولید بیشتر کشور را خود کفا سازند تا انشاء الله هر چه زودتر صادر کنند موا دکشا و رزی باشیم پیام آیت الله العظمی منتظری به رزمندگان اسلام :

..... شما رزمندگان آگاه توجه دارید ملت مظلوم و مسلمان عراق در انتظاری شماست فرارویا عقب نشینی توطئه آمیز مزدوران فریب خورده صدام ، پیشروی شما مدافعان اسلام را متوقف ن سازد نباید به آنها مهلت تدارک و تجدید قوا داد . باید شخص صدام که جانی شما ره یک این جنایت عظیم می- باشد و سایر یسران خائن و وطن فروش بعث عراق را تعقیب نمائید و بدست عدالت بسپارید و نگذارید آنان از دست عدالت و مجازات که توسط ملت مسلمان عراق و بحکم اسلام اجرا شود قرا ر کنند در این امر مهم پشتا بید و فرصت فکر کردن و تجدید قوا از دشمن متجاوز را بگیرید .

اطلاعات ۶۱/۲/۲۱

سخنان آیت الله العظمی منتظری با مسئولان دفاع تبلیغات اسلامی :

..... اگر میخواهیم تبلیغات در فراد مؤثر باشد باید ابتدا از خودمان شروع کنیم و با عمل مردم را دعوت به اسلام کنیم .

کیهان ۶۱/۲/۲۸

سخنان آیت الله العظمی در دیدار با ستاد برگزاری روز پاسدار :

..... از اینکه جهان محرومین و مستضعفین بویژه ملت فلسطین به انقلاب اسلامی ایران روی آورده اند بر همه ما لازم است که از جمیع جهات بخصوص جهت فکری و عقیدتی آنان رایاری کنیم .

..... قدس عزیز برای ما مسئله مهمی است ، بهمین دلیل و برای عملی نمودن شعار " امروز ایران فردا فلسطین " و تحکیم پیوند عمیق بین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فلسطین بجاست که سپاه پاسداران جهت غنی کردن پایه های عقیدتی و وسعت بخشیدن به شناخت مکتبی انقلابیون مسلمان فلسطینی در داخل و خارج کشور بر نامه های راه به مورد اجرا بگذارد .

پیام آیت الله منتظری به انجمن اسلامی دانشجویان کانادا و آمریکا :

..... اکنون سیاست بازهای شرق و غرب در مقابل این همه عظمت و ایثار و صبر و شهادت طلبی روز افزون ملت ما به حالت انفعالی و عکس العملی در آمده اند و در حقیقت ابتکار عمل بدست ملت بزرگ ما قرار گرفته است .

راه مجاهد :

حق جوهر و باطل دنباله رو و عرض حق است توده های بسیج شده در جهت خدا و جبهه حق و رشد یافته بوده و امپریالیزم با تمام طول و عرض و تشکیلاتش دنباله رو و تابع حرکات آنها می باشد .

بقیه پیام :

..... ملت های مومنه من و مظلوم جهان در بافتانند که دوران استعمار و استثمار آنها بسر آمده است آنان می توانند مستقل و آزاد زندگی کنند و رژیم های مزدور و وابسته نمی توانند برای مدت زیادی سلطه خود را بر ملت های آزاده و فداکار تحمیل نمایند .

..... مسائل فرعی و احیاناً " گروهی شما را از تعقیب خط اصلی که همان خط اسلام اصیل و مقام معظم رهبری انقلاب است باز ندارد در عین توجه کامل به خط انحراف و نفوذ افکار و افراد التقاطی و احیاناً " وابسته به ضد انقلاب از بدنام نمودن افراد و هتک حیثیت مذهبی آنان بدون مجوز شرعی خودداری نمایند .

راه مجاهد :

در ائتلافی از سه جریان یکی با ترور نیروهای خط امام دیگری با تکفیر و سومی با مارک و تهمت قصد تضعیف و منزوی کردن



جوهر اصیل انقلاب اسلامی را دارد.
بقیه پیام:

... از مسأله قدس عزیز و اشغال آن توسط نژادپرستان غاصب اسرائیلی غفلت نکند و آن را همچون گذشته در رأس مسائل خود قرار دهد.

۶۱/۳/۶

سخنان آیت الله منتظری در دیدار با سپاه پاسداران قم:

سپاه پاسداران در هر جای ایران که هستند ضابطین امر به معروف و نهی از منکر خواهید شد. و به هم نشاندن انقلاب در کشور جا افتاده و به خارج و ممالک اسلامی و همه نقاط مستضعفان جهان صادر خواهد شد. این نهمان معنی است که کشورگشایی کنیم بلکه باید انقلاب همه جا معرفی شود. پس مواظب باشید عملتان اسلامی باشد.

اخبار داخلی

کیهان

۶۱/۳/۲۶
گفتگوی حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با پیام انقلاب:

در جواب سؤال مربوط به نهضت‌های آزادبخش:

... مسأله نهضت‌های آزادبخش مسأله بسیار ظریف و دقیقی است از یک طرف حقی است به کردن مردم کشور ما و حقی است بگردن مردم مظلوم منطقه و نهضت‌های اسلامی، و در یک طرف قانون اساسی ما وظیفه‌ای به دولت داده منتهی همانطور که می‌دانید کشورها شیکه جزو این نهضت‌ها هستند خیلی حساسند روی مخالفین خودشان، فرض کنید خود ما، اگر کشوری با مخالفین داخلی ما، مخصوصاً "مخالفین" که با ما می‌جنگند رابطه برقرار کنند ما چه عکس العملی نشان خواهیم داد حال باید همین فکر را هم در مورد دیگر کشورها با مخالفینشان بکنیم و بهر حال ما یک دولت هستیم و در دنیا هم ارتباطاتی داریم و بعضی از این ارتباطات با کیان جمهوری مربوط است یعنی اگر منظم کار نکنیم گاهی ممکن است اصل انقلاب به خطر بیفتد. بنابراین مسأله خیلی ظریف است هم باید این حمایت بشود و هم باید خطوط سیاست کلی دولت مراعات بشود، بهر حال در دنیا ما یک سیاستی بروی خودمان در دنیا اعلام خواهیم کرد. با بعضی کشورها رفاقت می‌کنیم به بعضی کشورها حالت بی تفاوت خواهیم داشت، با بعضی کشورها هم مخالفت خواهیم کرد. الان هم اینطور است. طبعاً آن موضعی که در رابطه با نهضت‌ها می‌گیریم کاملاً با سیاست خارجی ما موازنه است و موازنه است، و حتی به مسائل خود نهضت‌ها، یعنی نهضت‌ها را باید سبب ایران انقلابی نیرومند می‌توانند رشد بکنند. اگر بنا باشد ما خودمان در داخل خودمان و بخاطر کارهای خامی که انجام بدیم طوری حرکت کنیم که مشکلات خودمان را نتوانیم حل کنیم و یا همیشه دست اندرکار حل مشکلات خودمان باشیم. یعنی اگر پایه را محکم نکنیم اشتباه اساسی داریم لذا در نهضت‌ها حتماً باید جوری باشد

که اولاً آنها شیکه متصدی اند خالص باشند حتماً شناخته شده باشند آدم‌های مرموز درونشان نباشد که با حرکت حساب شده غلطی ایجاد زحمت کنند و ثانیاً کسانی هم که هستند حتماً باید سیاست دولت را بفهمند و دولت باید از کار آنها مطلع باشد، یعنی بدون کنترل دولت نمی‌توانند باشند. حالا این به کجا مربوط می‌شود و چند وزارتخانه بر آن نظر داشته و مطلع باشند از جمله مسائلی است که باید رسیدگی شود، من فکر می‌کنم مجلس شورای اسلامی صرفاً هنوز بدلیل اینکه حدود و ثغور قضیه هنوز روشن نیست و از طرف دیگر ظرافت قضیه را دانسته نخواسته عجله کند و آن را به یک جای معین بدهد تا به حال همینطور سپاه متصدی این کار بوده ولی حالا اگر نباشد که در مجلس مطرح شود و قانونی شد باید دقیق رسیدگی بشود. نمی‌شود که در یک اساسنامه‌ای که برای کار دیگری نوشته شد، یک ماده بیاورد و یک واحد دیگر بنام نهضت‌ها اضافه شود در جای آن ارگان‌هایی که دخالت دارند دقیقاً مشخص شوند و باید آنقدر دقیق حرکت کرده که ممکن است مثلاً گاهی سیاست خارجی جمهوری را بهم بزند و یا ممکن است موید باشد و گاهی ممکن است اخلاف بکنند و گاهی تأیید کنند. ممکن است دولت برای یک کار اساسی صنعتی یا چیز دیگری معامله عظیمی می‌کند و قرارداد عظیمی می‌بندد اما یک حرکتی این را بهم بزند اگر آنها مطلع نباشند. این است که این از آن کارهایی است که باید حساب شده برایش قانون نوشت و بعد آن نظام داد ولی حالا کجا باشد جای آن زیاد مسأله مهمی نیست و من الان نظر خاصی روی این مسأله ندارم.

کیهان

۶۱/۲/۲۷
نظرات حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی درباره گروه‌ها و احزاب در جامعه گفتگوی با پیام انقلاب:

من غیر از قانون اساسی نمی‌توانم نظری داشته باشم، قانون اساسی کشور را چند حزبی کرده، یعنی فعالیت حزبها را آزاد اعلام کرده، در مجلس شورای اسلامی هم بر اساس همان قانون، قانون نوشته‌اند احزاب آزادند و حزب اگر سالم باشد حرکت‌های صحیح داشته باشد، حزب است چون کلاس‌های سازندگی است، دوره و کلاس می‌بینند، تجزیه و تحلیل می‌کنند ارتباطات و تشکل، خودشان سازند ما، البته در اسلام مخصوصاً در حال حاضر وضعی که ما داریم نباید اینجور باشد که اینها حالت رقابت بخودشان بگیرند، ممکن است با اختلاف سلیقه‌هایی مجبور بشویم، رویه‌های متعددی داشته باشیم و اختلاف سلیقه هست حتی در یک حزب ممکن است چند جناح باشد اما اینها نباید نیروهای همدیگر را خنثی کنند و حتی امکان دارد با هم همکاری داشته باشند باید روی نقاط مشترک تکیه بکنند و بهر حال تشکیلات سیاسی و حزبی‌های اسلامی یک ضرورت برای ما می‌باشد، مخصوصاً اینکه ما می‌خواهیم در آینده این کشور محیط‌باز و سالم سیاسی داشته باشد، چون رشد سیاسی برای مردم لازم است و این تشکلهای است که برای مجامع رشد می‌آورد و من آنرا مفید می‌دانم.

کیهان

۶۱/۲/۳۰
حجت الاسلام احمد صادقی اردستانی:
... آری اگر بقول آیتا... مشکینی "۳۰ تا ۴۰ رساله عملیه" بوجود می‌آید، اگر به چهار میلیون تومان دارالتبلیغ

اطلاعات ۶۱/۲/۲۸

قسمتهایی از نطق آقای تاتاری نماینده مردم زاهدان:
... هنوز هم گروه‌ها و افراد مختلف زیادی هستند که نافی مرجعیت امامند، یا دین را از سیاست جدا می‌دانند شهدا را شهید تلقی نمی‌کنند، و جنگ را مسأله اصلی نمی‌دانند، با اصلاحات اجتماعی از جمله تقسیم اسلامی اراضی کشاورزی مخالفند و با اصطلاح ضد بند "ج" هستند، ضد خط امام و باران امامند، در بررسی دقیق نظریات این افراد به این نتیجه می‌رسیم که ماهیتاً اینها وجوه مشترک زیادی حتی با شکست خوردگان سیاسی مثل بنی صدر دارند، اینها امروزه صحبت شورای رهبری را بعین کشیده و دیروز هم موضع خلق مسلمانها، شورای فقها را مطرح می‌کردند، غافل از اینکه شورای رهبری وقتی قابل طرح است که عامه مردم نسبت به یک فرد اتفاق نظر نداشته باشند، وقتی که همه مستضعفین که خون برای انقلاب داده‌اند و خون سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده است اتفاق نظر نسبت به یک نفر دارند طرح شورای رهبری چه مطلبی را تداعی می‌کند.

جمهوری اسلامی

۶۱/۲/۲۹
خلاصه چهار خط می در مورد دادگاه‌های انقلاب و دادگستریها - از گفتگوی دادستان کل انقلاب با جمهوری اسلامی:

۱- ادغام دادگاه‌های انقلاب در دادگستری.
۲- دادگستری پاکسازی شود و افراد صالح دادرسی انقلاب در دادگستری بمانند.
۳- دادگستری جمع شود و افراد صالح آن در دادگاه‌های انقلاب بروند.
۴- تشکیلات جدید قضائی پایه‌ریزی شود و آئین دادرسی جدید در آن باشد.

اطلاعات ۶۱/۲/۳۰

سخنان آیت الله عینی در سمنار ولایت فقیه:
... اگر خدا ولایت و حکومت را بدست کسی میسپارد این نه برای تشریفات برای آنکس است، بلکه به عنوان نعمتی است که به یک جامعه میدهد وی افزود: ولی فقیه نسبت به جان و مال و ناموس و عرض مردم اختیار دارد، همان اختیاری که پیامبر اکرم (ص) داشت.

کیهان

۶۱/۲/۳۰
حجت الاسلام احمد صادقی اردستانی:
... آری اگر بقول آیتا... مشکینی "۳۰ تا ۴۰ رساله عملیه" بوجود می‌آید، اگر به چهار میلیون تومان دارالتبلیغ

خریداری میشد، اگر در امر سهم مبارک امام تداخل میشد، اگر راننده شدگان و خلع سیاسی‌های شهرستانها به قم می‌آیند، و راحت می‌نشینند و حتی فعالیت (علیه) می‌کنند؛ و اگر هرکسی مانند سید مهدی مهدوی‌ها و عبدالرسول حجاری‌ها می‌توانند این لباس مقدس را بپوشند و متجاوز به حریم مقدس روحانیت گردند. و بالاخره اگر دهها اگر ماهها سوز و دشتی‌های دیگر بوجود می‌آید، بدین لحاظ است که تاکنون سازمان صالح و منسجمی برای برخورد صحیح با قضایا در حوزه وجود نداشته‌است، و گاهی حوزه بی‌در و بی‌بکر داشته‌ایم، و خلاصه هر چه این وضع تداوم یابد، خدای ناکرده شاهد نگرانی‌های دیگر نیز خواهیم بود. امروز برای اقدام به سازماندهی توجیه فرصت مناسبی پیش آمده امروز آشنایان، نفاق در قم و ایران گردیده و بهر حال امروز بسیاری عوامل و موانع و محضورات رفع شده و برای تحقق آرمانهای مقدس روحانیت عظیم الشان "نفحات قدسیه" دمیده شده است.
... می‌توان راه صدساله را یک‌شبه بپیمود و نظامی بوجود آورد که دارای این خواص و مزایا باشد. ۱- بسا سازماندهی صحیح، نیروهای پراکنده منسجم و متشکل میشود. ۲- استعداد‌های پنهان و ناشناخته

مطرح می‌شوند و بکار می‌آیند. ۳- از دوباره کاریها و هرزرفتن برخی نیروها جلوگیری بعمل می‌آید. ۴- وضع لباس و فرم روحانیت حساب و کتاب پیدا میکند و از سوء استفاده‌ها در این زمینه پیشگیری میگردد. ۵- ما برنامه صحیح، نظام درسا، انجم و بویائی پیدا می‌کند. ۶- مسأله وجود و سهمین، بهتر دریافت و بهتر مصرف می‌شود.
۷- روزنه سوء استفاده و ایجاد اشکال بطور کلی سدود می‌گردد. ۸- تکلیف مردم در برخورد با روحانیت، مشخص می‌شود.

اطلاعات ۶۱/۳/۵

از مصاحبه آیتا... مهدوی کی:
... چهاروظیفه اصلی پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی را در اساسنامه روشن کرده‌ایم... که این ۴ ماده اصلی عبارتند از:
۱- بعنوان بازوی دادگاه انقلاب، شناسایی و مبارزه با عناصر ضد انقلاب.
۲- بعنوان بازوی دادگاه مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق مواد مخدر.
۳- بعنوان بازوی دادگاه‌های مبارزه با منکرات،
۴- بعنوان بازوی دادگاه‌های مبارزه با گرانفروشی، مبارزه با احتکار و گرانفروشی.
اطلاعات ۶۱/۳/۶

مصاحبه برادر شمعخانی قائم مقام سپاه پاسداران:
... سپاه در رابطه با انقلاب دچار نوساناتی شده است. خطوط حاکم بردولت موقت قصد بردن سپاه در زیر نظر دولت بود که خوشبختانه با برخورد قاطع امام، این مسأله منتفی شد.
... در داخل هم خطوط انحرافی قصد به زیر میز در آوردن سپاه را داشتند که سپاه با همه این مشکلات امروز با یک خط سیاسی، مستقل که فقط فقط با حاکمیت ولایت فقیه سازمان پیدا کرده به حرکت خودش ادامه میدهد...
... در ارتباط با واحد نهضت‌های آزادبخش سپاه گفت: این واحد ارتباط خودش را با نهضت‌ها حفظ کرده است. امروز این ارتباط به یک ارتباط منسجم رسیده و این را نوید میدهم. ۱۵ شعبان سپاه در ادامه با فعالان نهضت‌ها و ارتباطاتش با نهضت‌ها، به یک سمینار ده روزه با شرکت نمایندگان کلیه نهضت‌های آزادبخش جهان بمناسبت روز مستضعفین خواهد داشت.
... اهم ماموریتها، پرداختن له بالابردن میزان آگاهی‌های سیاسی عقیدتی پاسداران انقلاب در وحله اول - بسیج مستضعفین در مرحله دوم و حضور عملی

نجات قدس عزیز از آرمانهای قدیمی ما و همه مسلمانان جهان
جوده و هست و امید و ایم با شروع این حرکت الهی از ایران اسلامی
و عبور از راه کربلای حسینی تمام مسلمین خود را برای پیوستن
این قافله عظیم آماده سازند.
"فقیه عالیقدر آیت ا... العظمی منتظری"

فعال آنها در حمایت از نهضت‌های آزادبخش و ادامه خط سیاسی مستقل و تنها وابسته به ولایت فقیه خواهد بود. ارتباط با نهضت‌های آزادبخش را باید وسیع تر و عملی تر کنیم و برای ورود روبروئی با رژیم اشغالگر اسرائیل وارد درگیری بشویم این از اهم ماموریت‌هایی است که سپاه بعد از جنگ برای خودش در نظر گرفته است.

اطلاعات ۶۱/۳/۹
قسمتهایی از قطعنامه سپاه پاسداران بمناسبت روز پاسدار:
... گرامی داشتن روز پاسدار، ارج نهادن به رسالتی است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جهت صدور عملی انقلاب و حمایت بیدریغ و همه جانبه از جنبش‌های آزادیبخش جهان بر دوش می‌کشد.

جمهوری اسلامی ۶۱/۳/۹
قسمتهایی از خطبه‌های نماز جمعه، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:
... در رابطه با مسأله حجاب:



معتقدند که عربستان سعودی در تلاشهای خود برای برکردن فاصله بین کشورهای تندروی عرب حامی ایران و میانه رو باشکست مواجه شده است.

کرده و این امر میتواند منیت آنها را به مخاطره اندازد.

کیهان ۶۱/۳/۱۰

راه مجاهد:

رشد نیروهای حق و پیروزیهای عظیم رزمندگان اسلام در خوزستان و نتایج حاصله آن از چنان عمقی برخوردار است که تلاشهای غیر و فراوان سردمداران امیرالیزم جهانی را برای یوحدت رسانیدن تمام دولتتهای مرتجع منطقه در جهت منزوی و آنگاه سرکوب نمودن جوهر اصیل انقلاب اسلامی

در بی تشکیل شورای همکاری خلیج در ریاض برخی گزارشها که تأیید نشده حاکی از آن است که کشورهای شرکت کننده در این شورا در حال تبادل نظر و مذاکره برای تعیین جانشینی صدام حسین می باشند... صدام از بیم آنکه کودتایی علیه وی صورت گیرد و به خاطر حفظ جان خود از محل اقامتش به یک سر بازخانه در خارج شهر بغداد نقل مکان کرده است.

مددگیری و بداندیکه وعده خدا و نندزدیک است و پیروزی در یک قدمی شماست.

کیهان ۶۱/۲/۲۱

سرهنگ صبا د شیرازی در گفتگو با کیهان: پیوند سپاه و ارتش تحکیم مقدسی است که به صورت جمعی اداره میشود و همه مسئولان هوشیارانه به استحکام بیش از پیش آن کمک میکنند.

کیهان ۶۱/۲/۲۷

راه مجاهد: پس از پیروزیهای رزمندگان اسلام در عملیات فتح المبین دشمن دست به ضد حملههایی زد. که مهمترین آنها عبارت بودند از: کودتای شریعتمداری، مطرح کردن شعار مرگ بر بی حجاب، ترور نیروهای خط امام در داخل شهرها، جبههها، و حمله شوروی به مرز ایران و افغانستان و....

کیهان ۶۱/۳/۹

حجت الاسلام محمد موسی قاسمی عضو شورای عالی قضایی گفت در رهنمودهایی که امام به مسئولین قضایی ارائه دادند فرمودند: تا زمانی که قضات واجد شرایط برخوردار از خصوصیات که اسلام برای یک قاضی در نظر گرفته است در دادگستری جمهوری اسلامی مستقر نشده اند و کلیه احکام منطبق با قوانین اسلامی در دادگستری به اجراء نیامده است، دادگاههای انقلاب اسلامی باید بقوت خود باقی بمانند.

می بینیم یک برخوردی می شود که ما این برخوردها را با باید بگوئیم جاهلان است با باید بگوئیم مغرضانه و غلط است شاید هم مغرضانه باشد. اینکه شما به دیوار بنویسید مرگ بر بی حجاب این راه با حجاب کردن مردم نیست این عقده توی دل مردم درست کردن است. باید از اینجا به آنها گفت که جمهوری اسلامی اینرا می خواهد اینکه اگر کسی چادر نداشت به او اهانت کنید چرا چادر نپوشیدی این درست نیست اینکه اهانت کنید فحش بدهید اینجوری برخورد بکنید اینها گناه هم هست. ... ولی من به احتمال قوی فکر میکنم اینگونه برخوردها خود آنها باشند ممکن است بچههای را بفرستند توی خیابان بگویند بنویس مرگ بر بی حجاب تا اینکه در مردم یک نفرت بوجود بیارند تا اینکه حالت انعکاس عکس العملی بوجود بیارند. ممکن است آنها بکنند ممکن است

چیزی باشند این ضد اسلامها ممکن است آنها بروند بنویسند افراد صالح و سالم دنبال اینکارها نروید ما باید تبلیغ بکنیم البته قانون هم داریم اگر دیدیم با تبلیغ نمیشود قانون می گذرانیم.

... دیگر حالا تو نماز جمعه، ما خیال کنیم که این کیست که مرگ بر آمریکا مرگ بر بنی صدر او همین را می خواهد او اصلاً نخواهد مثل برادر حاتم طائی معروف باشد و اسمش جایی برده باشد ولی بهر صورت بنابر این اسم او واقعا "ارزش این را ندارد که شط مرگ بر او بگوئید در مورد آقای بزرگان هم بنده معتقدم که ایشان استحقاق این نفرین را ندارد و لافاقل در نماز جمعه ای که بنده اینجا نماز می خوانم نفرمائید. من اراده شط را نمی توانم سلب کنم اما به هر حال من فکر می کنم مرگ بر آمریکا را ضعیف و کمش نکنید. شما با شمار مرگ بر آمریکا دنیا را دارید تکان می دهید.

جنگ

کم من فته قلیله غلبت فته کثیره باذن...

کیهان ۶۱/۲/۱۹

فرمانده نیروی دریا یی در گفتگو با کیهان: با پیداز نقش کارساز و رزنده سپاه پلستاران انقلاب اسلامی بعنوان طراح برنامهریز و اجرا کننده این امر (بسیج مردمی) قدر دانی و ستایش کرد، که واقعا توانسته است ظرف مدت کمی بعد از خلع و برکناری بنی صدر در مدت زمانی اینچنین کوتاه نیروی عظیم و سرنوشت سازی را با مردم همیشه بیدار و در صحنه آماده و راهی میدان کارزار نماید.

کیهان ۶۱/۲/۲۰

نظرات حجت الاسلام خامنه ای درباره مبارزه مسلحانه چریکی در عراق: بیدار شوید و بپای خیزید و با تشکیل هسته های انقلابی و گروههای چریکی و قیام مسلحانه علیه این رژیم فاسد به آخرین روزهای حیات ایستاد مزدور اسرائیل پایان دهید مطمئن باشید که کار صدام تمام شده است بهوش باشید و اجازه ندهید با خیمه شب بازی و کودتاها - ی ساختگی مهربه ای دیگر را جانشین او سازند. اسلحه خود را برای دفاع از پدر و مادر، خواهر و برادر، همسر و فرزندان خود و برای حراست از ملت و دین و شرف خویش بروی فرماندهان بعثی بگیریید و شلیک کنید. با تشکیل گروههای انقلابی به ملت خود کمک کنید برای پیروزی قیام اسلامی و تحقق حکومت مستضعفین در عراق از تمام نیروی خود

کیهان ۶۱/۳/۱۲

از مصاحبه نماینده دادستان کل انقلاب: در رابطه با حجاب: ... اما شعارهایی که به در دیوار نوشتند مربوط به این دادگاه نیست و اگر چنانچه این دادگاه مطلبی بجای نوشته جنبه اهانت یا تحقیر ندارد بلکه شعار ارشاد است و شعار مرگ بر بی حجاب یا سیره در شان این دادگاه نیست. این نوع اعمال کار ضد انقلاب و مخالفین ارگانها میباشد که می خواهند زحمت شبانه روزی سپاه و برادران کیمت را لوث کنند اما کور خوانده اند چون مردم شهید پرور بیدار هستند و تشخیص می دهند. این حرکات مذبحانه و احیاناً افرادی که مزاحمتهایی فراهم کردند به پاسدار هستند نه مأمورین این دادگاه. نه حزباً... و همانطور که عرض شد مدارکی در دست است که میخواهند مساله را لوث نمایند، بجاست اینگونه افراد را به مأمورین انتظامی و پاسداران معرفی نمایند.



این مسجد جامع بایگانه خواهران و برادرانی است که با مقاومت در مقابل تجاوز کمپ دیوسیدی صدام اینستاد کسی کردند.

با شکست روبرو نموده است. زیرا که رشد و صدور شیوه های اصیل انقلاب اسلامی پیوند بیشتر ما را با مستضعفین منطقه بدنبال خواهد داشت و دولتتهای مرتجع از ترس ملتتهای بسیج شده خود جرأت توطئه علیه ما را نخواهند داشت و این تضاد آنها را شدیدتر نیز خواهد کرد.

کیهان ۶۱/۳/۱۱

در پی سفر قاپوس به اردن موافقت شد: هواپیماهای مصری جهت ارسال سلاح به عراق از فرودگاههای نظامی اردن استفاده کنند. چنانچه اردن مخالفت کند مصر جهت ارسال سلاح و مهمات به عراق ناچار خواهد شد از فرودگاههای نظامی اسرائیل استفاده کند.

کیهان ۶۱/۳/۱۱

هیگ وزیر خارجه آمریکا: مناقشه عراق و ایران خطر بزرگی را در خلیج فارس متوجه منافع غربیها کرده است. و ممکن است روی دیگر کشورهای منطقه اثر بگذارد. مناقشه ایران و عراق ممکن است در تعادل نیروها در منطقه اثر گذاشته و فرصت گسترش نفوذ به شوروی بدهد. آمریکا، دوستان و منافعی دارد که با ادامه مخاصمه منافع حیاتی آنها به خطر می افتد و آنها مصمم هستند از این منافع در منطقه دفاع کنند.

امارات متحده عربی خود را برای پرداخت غرامت جنگی از جانب عراق به ایران آماده می سازد تا توازن قوا در منطقه خلیج بیش از این نفع ایران بهم نخورد. این غرامت که شورای همکاری خلیج فارس مهده دار آن است بین اعضا تقسیم میشود. حجت الاسلام خامنه ای در خطبه نماز جمعه: اگر دولت جمهوری اسلامی ایران به حدود ۱۵۰ میلیارد دلار خسارتی که به این مردم وارد آمده بی اعتنا باشد یقیناً وظیفه خود را انجام نداده است.

کیهان ۶۱/۲/۲۶

پراودا می نویسد: امیرالیزم آمریکا که مواضعش به ویژه پس از انقلاب ایران و تقلیل یافته است به بهانه جنگ ایران و عراق، نیروهای نظامی خود را در خلیج فارس تقویت نموده و با این عمل تشنج را در این منطقه افزایش بخشیده است. پراودا هشدار می دهد امکان دارد مناقشات ایران و عراق به مناقشه میان کشورهای عربی به خاطر حمایت از طرفین کشیده شود و بین آنها تفرقه افتد که در آن صورت احتمال

کیهان ۶۱/۳/۱۱

... وزیر خارجه شورای همکاری خلیج در مجامع عمومی هیچگونه حمایتی از صدام ابراز نکردند ناظران سیاسی

فروردین

کمیته روابط خارجی حزب کارگزاران انگلستان خواستار توسعه روابط با نیروهای دموکراتیک ایران منجمله شورای مقاومت شده است.

فروردین

در جلسه ای مناظره تلویزیونی با شرکت سولیوان ایرج سپهر و کارشناسان سیا در امور ایران و کمونیسم و کریستوفر (طراح کودتای ۲۸ مرداد) مطرح شده که انقلاب ایران مثل فاشیسم هیتلر شده و باید با جبهه متحد شوروی و آمریکا جلوی آن ایستاد راه مجاهد: خط مسعود رجوی از دو سال قبل این بود که امام را فاشیست قلمداد کنند تا مثلی الگوی استالین بتوانند با امیرالیزمستها متحد شوند.

کیهان ۶۱/۲/۲۸

هیگ وزیر خارجه آمریکا گفت: ... پیروزیهای ایران در جنگ با عراق نگرانیهای امنیتی در کشورهای نفت خیز خلیج فارس را افزایش داده و این امر اثراتی برای منافع غرب در بر دارد. برخی از کشورهای خلیج فارس از آن بیم دارند که پیروزی ایران تب و تاب انقلابی را تقویت

این همان نصر بواسطه رعب است که خدا در دل دشمنان ما رعب ایجاد کرده است. امام خمینی



منتقل شدن جنگ به اراضی عراق وجود دارد و تنها نیروهای امپریالیستی در خاورمیانه می توانند از گسترش جنگ ایران و عراق بهره ببرند.

کیهان ۶۱/۳/۱۳
لئونید برژنف و یک هیأت چکسلواکی مذاکراتی موضع اصولی شوروی و چکسلواکی مبتنی بر یافتن راه حل فوری عادلانه سیاسی برای خاتمه دادن این جنگ را مورد تأکید مجدد قرار دادند.

پیروزی ایران از دیدگاه مستضعفین

کیهان ۶۱/۱/۲۶
... در بیانیه مشترک سوریه و لیبی در دیدار سران دو کشور آمده است: که این جنگ را رژیم عراق منطبق با توطئه های امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع آغاز کرد تا رژیم انقلابی اسلامی ایران را که با آزادی سرزمین فلسطین اعلام همبستگی کرده بر اندازد.
... رهبران دو کشور سوریه و لیبی تصمیم گرفته اند از تلاش های جنایتکارانه رژیم عراق برای عربی کردن جنگی که علیه انقلاب اسلامی ایران آغاز کرده است جلوگیری کنند.

کیهان ۶۱/۳/۶
سفر صحرا گفت: ما این پیروزی را پیروزی خودمان تلقی می کنیم و فتحی برای همه ملت هایی که با امپریالیسم مبارزه می کنند.

کیهان ۶۱/۳/۱۲
انجمن مسلمانان شهر لوند در جنوب سوئد و انجمن شیعیان پاکستانی مقیم دانمارک تلگراف های تبریک به مناسبت پیروزی اخیر رزمندگان به سفارت جمهوری اسلامی مخابره شده است.

کیهان ۶۱/۳/۶
مردم و مقامات رسمی و نهضت های فعال اتیوپی و مسلمانان سومالی نسبت به پیروزی رزمندگان اسلام ابراز خوشحالی کردند.

کیهان ۶۱/۳/۶
جوانان مسلمان الجزایری با شنیدن خبر آزادی خرمشهر به شادی و سرور پرداخته و پشتیبانی خود را از انقلاب اسلامی اعلام کردند.
... در جنگ پیروزی های قوای اسلام و پاکسازی خرمشهر از لوث وجود مزدوران بعث عراق مردم مسلمان برخی از نقاط بحرین بر روی پست بام هارفته و ندای تکبیر سردادند.

پیروزی ایران از دیدگاه امپریالیسم ومزدورانش

کیهان ۶۱/۳/۱
وزیر دفاع آمریکا گفت: ما می خواهیم شاهد پایان جنگ بطرفی باشیم که موجب بی ثباتی منطقه نگردد. پیروزی ایران بطور قطع در جهت منافع ملی ما نیست.

کیهان ۶۱/۳/۶
فهد در مصاحبه ای لزوم پایان دادن به جنگ بین ایران و عراق با توسل به تمامی راه های مسالمت آمیز را خاطر نشان ساخت. او گفت: ادامه این جنگ به زیان امنیت و ثبات منطقه است.

کیهان ۶۱/۳/۱۲
حسنی مبارک خواستار استقرار امنیتی و بدون قید و شرط بین ایران و عراق شد و اعلام داشت ادامه این جنگ به دخالت خارجی منجر می شود. و ادامه آن امنیت مردم و منطقه را بخطر می اندازد.

راه مجاهد:

بدن حال پیروزی های رزمندگان ما و رشد و گسترش انقلاب اسلامی تلاش های شیطان بزرگ برای سد کردن حرکت عظیم توده های بسیج شده در جهت خدا در انقلابمان شدت بیشتری یافته است. چند شیوه از روش های بکار گرفته شده توسط امپریالیسم آمریکا از این قرار است:

- ۱- تشدید تضادهای داخلی و قطب بندی های گادب.
- ۲- مشکل نمودن هر چه بیشتر مخالفین و حل تضادها بین جناح های وابسته به امپریالیسم.
- ۳- کمک های نظامی، سیاسی و اقتصادی به کشورهای مرتجع منطقه برای محاصره سیاسی، اقتصادی و نظامی انقلاب اسلامی.
- ۴- آماده کردن زمینه برای دخالت مستقیم و ...

اطلاعات ۶۱/۲/۲۶
... چهار تن از تکاوران پلیس به دست منافقین به شهادت رسیدند.

اطلاعات ۶۱/۲/۲۹
دادستان کل انقلاب گفت: پرونده قطب زاده و دیگر اعضای شبکه براندازی کشف شده و در مرحله تحقیق و بازجویی است و اخیراً گزارشی داده اند که تقریباً بازجویی از آنها تمام شده و شاید در ماه

آینده آنها محاکمه شوند.

کیهان ۶۱/۳/۱۳
دوتن از مأموران انتظامی شهرستانی جمهوری اسلامی ایران به دست منافقین.

نهضت های آزادی بخش

کیهان ۶۱/۲/۱۹
دادستان قاهره امروز برای دوست و نود و نه تن از رهبران و فعالان سازمان مسلمان جهاد که اعضای انورسات را به قتل رساندند تقاضای کیفر مرگ کرد.

کیهان ۶۱/۲/۲۱
... مقامات رسمی دزمنصر گفتند در توارهای بدست آمده از گروه الجهاد دقا را بود حکومت اسلامی اعلام شود و از مردم خواسته اند که شورشی کرده و شورای وزیران و پارتی را منحل کنند.

کیهان ۶۱/۲/۲۲
... در بیانیه ای که توسط یک سازمان مخالف با رژیم عراق

در سهای از بیت المقدس خونین

پیروزی خونین شهر، سرکوبی جنوب لبنان

بنام خدای شهیدان

سلاحهایش از کار افتاد. یکبار دیگر دیدیم که توپ و تانک و مسلسل دیگر اثر ندارند و رگسازان بگین مبارک از قدرت توده ها به هیچ وجه خیرند ارد. سلاح هر چند بیچیده باشد ایمان که نباشد از کار می افتد اتفاقاً از علائم ظهور حضرت همین است که اسلحه های خصم از کار می افتد و پیروزی خونین شهر این اخبار را برایمان ملموس میسازد.

آری اسرائیل از این شیوه حسین فهمیده های جنگ وحشت دارد، از زندگی اخسروی وحشت دارد، با توجه به خط مشی امام و آیت الله العظمی منتظری مبنی بر آزادی قدس و فرموده های آیت الله منتظری که: القدس مال القدس و ماادريك مال القدس و با توجه به اینکه آزادی قدس راهمه لیلۃ القدر مسلمین مید اند و اینکه این حرفه ایستوانه عملی دارد وحشت اسرائیل چندین برابر میگرد. اسرائیل بایک جمع بندی اجمالی به این نتیجه میرسد که از عراق کمپ دیویدی، یا از اردن کمپ دیویدی و یا از مصر کمپ دیویدی چنین حملاتی بشیوه بسیجی محال بوده، می ماند فلسطین اشغال شده و سوریه و جنوب لبنان سوریه علیه فهمیده بودن ولی بعثت دارا بودن يك ارتش کلاسیک، مشکل بتواند به شیوه فهمیده های و یا شیوه بسیجی علیه اسرائیل مبارزه کند و یا به چنین شیوه های تن دهد. در فلسطین اشغالی هم نیروها انقدر ازاد نشدند که پیروزی های قاطعی بدست آورند با اینکه رزمندگان فلسطینی اصل "خط مشی چریکی" را قبول دارند، ولی قدرت بسیج توده ها را از نظر کیفی و شکل ایران ندارند و ماند جنوب لبنان که از قید و بند دولتها آزاد بوده، چه شیعیان و چه فلسطینیان در آن منطقه علیه اسرائیل همیشه عمل می کردند اسرائیل از اینکه رزمندگان مسلمان ایرانی در اتحادیه رزمندگان فلسطینی و شیعیان جنوب لبنان به شیوه فتح العین و خونین شهر برد انجا حمله نکنند دست به حمله جنایتکارانه و آدم کشی بی سابقه زده است تا مناطق زیادی را اشغال و با اصطلاح امنیت مرزهای خود را حفظ کند.

حماقت فاشیستی اسرائیل موقتاً و لتهای منطقه را به طرح فهد و کمپ دیوید نزدیک میکند ولی ملت های مسلمان منطقه را به قیام نزدیک کرد و جبهه مستضعفین به رهبری امام را علیه طرح فهد و کمپ دیوید سرعت میزند و چیزی نخواهد گذشت که قیام های مستمر مستضعفین در این مناطق دولت های آنها را هم از کمپ دیوید جدا بنماید.

برای مردم عربستان و منطقه جای شکی باقی نماند که آمریکا آشکاراً از این جنایت اسرائیل حمایت کرد. و حکومت سازمان ملل راهم "تسوئود این نهاد لایل ملموس است که همه با هم بگوئیم "الیس الصبح بقرب" يك راه می ماند "راه حسین" "راه قیام" "راه خمینی" "بشیوه" "بسیج فهمیده های جنگ" و شیوه های دیگر گول زدن مستضعفین است.

باد رود به امام امت به مناسبت پیروزی غرب گیرو چشمگیر خونین شهر، پیروزی که تعادل منطقه و جهان را به نفع مستضعفین تغییر داد و محاسبات امپریالیستی را درهم شکست.

* * * * *

در شماره های ۶ و ۷ تحت عنوان در سهای از عملیات فتح العین و بیت المقدس نتیجه گیری های شد گفته شد که رمز پیروزی فتح العین در سایه:

- الف - استمرار بسیج از شهر طرف جبهه.
- ب - استمرار بسیج مستضعفین از جبهه به خط مقدم جبهه بوده، که "الف" و "ب" در نتیجه ایدئولوژی فطری و بسیج کننده رهبران انقلاب بدست آمده است که تجلی ایمن ایدئولوژی را در برداشتهای ایشان در تفسیر سوریه "الحمد" می بینیم. شکی نیست که پیروزی خونین شهر به همین شیوه بدست آمد و کیسدی بود متین یعنی علی رغم اینکه دشمن از هدف ما مطلع بود کاری از پیش نبرد. علی رغم مشاورین فرانسوی و اسرائیلی و امریکایی اش و علی رغم افسران درجه داران تحصین کرده در شوروی اش و با اینکه همه مستشاران خارجی استحکامات خونین شهر را تضمین کرده بودند و گفته بودند که به هیچ وجه سقوط نمی کند و علی رغم و ... دیدیم که خونین شهر آزاد شد.
- ازادی خونین شهر به زعم بعضی ها سقوط "حمره" در حقیقت ساقط شدن دانش نظامی و کلاسیک غرب و اسرائیل بود، ازادی خرمشهر معادل عزو ماتم استسدادان دانشکده های جنگ و "ستاد مشترک دنیای کلاسیک" بود.
- پس از عملیات طریق القدس و فتح العین اسرائیل بیش از همه به وحشت افتاد و ازادی خونین شهر وحشت اورا به یقین تبدیل کرد که اگر توده های مستضعف به شیوه استمرار بسیج عمل نمایند هیچ سلاح و تجهیزات و لومودرن توان مقاومت ندارد.
- بعث عراق در خونین شهر چیزی از این بابت فروگذر نکرد، بود، از تانک های مسدود و خندق ها و کانال ها و شبکه نورافکن بر روی این کانال ها و خاکریزهای متوالی و میدان میمن و سیم خاردار گرفته تا مسطح کردن خانه ها برای دور کردن موج انسانها، بطوریکه امام رزمندگان جبهه خونین شهر می گویند اگر نصیر الهی از طریق رعب انداختن در دل دشمن نبود و معنی هانترسیده بودند هزاران نفر دیگر شهید می شدند ولی منطق "الله اکبر" که تکبیر بزرگ شمردن "الله" است و تصغیر و کوچک شمردن دشمن آنچنان آرامشی در دل رزمندگان بوجود آمد و آنچنان رعبی در دل دشمن انداخت که



کيهان ۶۱/۲/۲۷
در بیروت منتشر شد فاش شده است که مقامات مزدور عراقی اخیراً دست به جنایت وحشیانه دیگری زده اند و ۲۶ تن از شهروندان عراقی شافل دریا لایسگاه نفت واقع در منطقه "الدوره" را به اتهام شرکت در عملیات انفجار پالایشگاه و تلاش جهت اظهار نظر در مخالفت با جنگ تحمیلی صدام علیه ایران اعلام کردند.

کيهان ۶۱/۲/۲۱
... همزمان با افزایش اوضاع ناآرامی سیاسی در عراق ساعات منوعیت رفت و آمد شبانه در اکثر شهرهای عراق از جمله نجف، کربلا، کاظمین و سلیمانیه رو به افزایش است بخاطر همین ناآرامیها علاوه بر محدود شدن فعالیت مساجد و حسینیه ها درب حرمهای مطهره خیراپس از ادای نماز بلافاصله بسته میشود.

فلسطین - فهد کمپ دیوید

اطلاعات ۶۱/۲/۱۸
... مقامهای اسرائیل چندین مدرسه در رام الله، نابلس، حنین و چند شهر دیگر کرانه باختری رود اردن تعطیل کرده اند ظاهراً انگیزه دولت اسرائیل در این اقدام شرکت دانش آموزان در تظاهرات بوده است ولی برغم این تصمیم تظاهرات و اقدامهای ضد اسرائیلی در این مناطق همچنان ادامه دارد.

اطلاعات ۶۱/۲/۱۸
... در جولان دوازده هفته است به عنوان اعتراض علیه الحاق این منطقه توسط اسرائیل با اعتصاب عمومی دست زده اند.

کيهان ۶۱/۲/۲۱
مصر و آمریکا قراردادی امضا کردند که بموجب آن سوخت مورد نیاز کارخانههای اتمی مصر بعدت سی سال از جانب آمریکا تأمین خواهد شد. ... مصر با آمریکا، فرانسه، آلمان غربی و انگلیس قراردادهایی در زمینه همکاری خرید رآکتورهای اتمی امضا کرده است.

کيهان ۶۱/۲/۲۲
... معاون دبیر کل سازمان ملل از سازمان آزادیبخش فلسطین خواسته است تا به دنبال تحولات یکشنبه گذشته در جنوب لبنان خویشن داری خود را بشنود برساند.

کيهان ۶۱/۲/۲۷
معاون سیاسی وزارت خارجه در دیدار با سفیر فلسطین گفت: هدف امیرالیمز آمریکا نابودی آرمان فلسطین بوده و در این راه می خواهد با از میان برداشتن تضاد میان اعراب و رژیم اشغالگر قدس منافع خود را حفظ کند.

کيهان ۶۱/۳/۱
وزیر دفاع آمریکا گفت: تعهد آمریکا نسبت به امنیت اسرائیل مقدم ترین تعهد ما است.

کيهان ۶۱/۳/۲
یاسر عرفات طی سخنرانی در حضور اتحادیه "عرب وهند" گفت: ما تا زمانی که پرچم خود را بر فراز مساجد سرزمینمان در اهتزاز نینیم آرام نخواهیم نشست.

کيهان ۶۱/۳/۲
سرهنگ قذافی رهبر لیبی طی پیامی خواستار آزادی مسجد الاقصی از اشغال

کيهان ۶۱/۲/۲۵
و در مذاکرات خود با رهبران ترکیه، این کشور را از ادامه کک های نظامی و اقتصادی آمریکا مجدداً مطمئن ساخت.

کيهان ۶۱/۳/۴
اشیگل در شماره این هفته نوشت: سعودیها هنوز امید خود را در مورد دریافت تانکهای لئوپارد از آلمان از دست نداده اند چرا که مقررات جدید صدور اسلحه آلمان امیدواری آنها را در این مورد افزایش داده است.

کيهان ۶۱/۳/۲
یعنی وزیر اطلاعات عربستان سعودی گفت که دریافت تانکهای لئوپارد هم اکنون فقط یک مساله تکنیکی است که باید وزارت دفاع ما آنرا حل کند.

کيهان ۶۱/۳/۶
مقامهای عالی رتبه وزارت دفاع آمریکا گفتند: اسرائیل و آمریکا توافق کرده اند مفاد موافقتنامه همکاری

کيهان ۶۱/۲/۲۵
... ژنرال رابرت کینگستون فرمانده نیروی تازه تأسیس واکنش سریع آمریکا مدعی شد آمریکا هم اکنون آمادگی دارد تا با هرگونه تهدیدی نسبت به امنیت منطقه خاورمیانه مقابله کند. بگزارش رادیو آمریکا ژنرال کینگستون روز چهارشنبه در یکی از کمیته های مجلس سنای آمریکا گفت: بافت فرماندهی اکنون شکل گرفته و آماده است تا در صورت لزوم به گسیل نیرو اقدام کند.

کيهان ۶۱/۳/۳
کریستین اینترنشنال فاش ساخت: سیا امیدوار است که با کمک این جناحها (جناحهای ضد انقلاب اسلامی) بتواند در ایران اغتشاش و جنگ داخلی به راه اندازد و اضافه میکند اگر چه در صورت بروز چنین وضعی امکان دخالت شوروی در ایران وجود دارد لکن آمریکا چنین رویدادی را به موفقیت ایران در جنگ علیه عراق.



ترجمه داده و معتقد است این امر موجب جلوگیری از پیاده شدن برنامه های اجتماعی و اقتصادی اسلامی در ایران خواهد شد.

کيهان ۶۱/۲/۳۰
... رژیم در حال سقوط صدام که با بحران شدید اقتصادی روبرو است بار دیگر از کشورهای مرتجع منطقه تقاضای وامی به مبلغ ۲۴ میلیارد دلار کرده است.

کيهان ۶۱/۳/۲
... در درگیریهای اخیرا بین مخالفین جنگ تحمیلی صدام با نیروهای امنیتی عراق در این کشور رویداده است حداقل ۱۴ نفر کشته شده اند. ... رژیم بعث حاکم بر عراق سعی دارد با بسیج نیروهای امنیتی و ارتش تظاهرات مردم سلمان این کشور را که در حال اوج گیری است سرکوب کند.

کيهان ۶۱/۳/۶
... در شهرهای شمالی عراق

استراتژیک خود را، که بحال "تعلیق" درآمده بود، بدون احیا رسمی آن اجرا نمایند. در همین حال به گزارش خبرگزاری فرانسه وزارت دفاع آمریکا کنگره این کشور را از قصد خود مبنی بر فروش ۷۵ فروند جنگنده جدیداف - ۱۶ به اسرائیل، مطلع ساخته است.

کيهان ۶۱/۳/۲۸
روزنامه "الجزایری المجهاد" نوشت حسن شاه مراکش امروز برای تقدیم پایگاه های نظامی کشورش به آمریکا و دریافت تضمین برای ثبات رژیم خود وارد واشنگتن می شود.

کيهان ۶۱/۳/۸
... به رژیم مراکش نقشی فعال و بقول واشنگتن در توافق استراتژیک و با عبارت روشنتر در استراتژی آمریکا در خاورمیانه و افریقا واگذار می شود. این نقش زاندارم منطقی نقطه اتکایی خواهد بود برای عملیات به هم زدن ثبات منطقه.

کيهان ۶۱/۲/۲۵
"جالوک بایوکن" وزیر دفاع ترکیه بعنوان بخشی از سیستم دفاعی ناتو اقدام به استقرار هواپیماهای مجهز به رادار آواکس در ابالت قونیه واقع در مرکز منطقه آناتولی خواهد کرد.

تظاهرات علیه رژیم صدام تکریتی به راه افتاد تظاهرکنندگان با شعارهای کوبنده مرکز صدام خواستار سرنگونی صدام تکریتی شدند.

اخبار پراکنده خارجی

اطلاعات ۶۱/۲/۲۶
... سفیر فلسطین در سالروز اشغال فلسطین: ... ضمن برشمردن توطئه های استکبار جهانی در منطقه از انقلاب اسلامی ایران بعنوان الگویی برای آزادگان جهان یاد کرد.

اطلاعات ۶۱/۲/۲۸
نماینده جبهه آزادیبخش ارتیر در دیدار با آیت الله منتظری گفت: هرنیروشی که با جمهوری اسلامی ایران مخالفت کند در خطا آمریکا و اسرائیل است چون این انقلاب بهترین پشتیبان انقلاب فلسطین و دیگر جنبش های اسلامی و آزادی بخش جهان است.

کيهان ۶۱/۳/۴
کمیته سیاسی جبهه پایداری در اعلامیه نهائی اعلام کرد: انقلاب اسلامی ایران که همواره حمایت خود را از خواسته های اعزب و بویژه آرمان فلسطینها اعلام کرده یک دوست انقلاب فلسطین می باشد که بایستی آنرا تقویت کرده و روابط خود را با آن تحکیم نمایند.

اقتصادی

اطلاعات ۶۱/۲/۲۶
سفیر پاکستان در مذاکراتش با رئیس سازمان برنامه آمادگی کشور خود را برای همکاری در ایجاد بازار مشترک کشورهای اسلامی بیان داشت.

کيهان ۶۱/۲/۱۸
رئیس جمهور: ... یکی از بزرگترین انگیزه های شروع این انقلاب، رفع بی عدالتی های رژیم طاغوت و ایجاد عدالت اسلامی در میان طبقات مختلف کشور بود.

اطلاعات ۶۱/۲/۲۰
مدیر عامل کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران پس از بازگشت از یونان گفت: پیش بینی می شود که ایران سالانه حدود ۲۴۷ میلیون دلار کالا از یونان خریداری کند و بر اساس همین پیش بینی قرار است یونان سالانه حدود ۳۵ میلیون دلار کالا بصورت پایاپای از ایران خریداری نماید که بر اساس آن امکان دارد روزانه حدود ۳۰ هزار بشکه نفت به آن کشور صادر شود.

کيهان ۶۱/۳/۲
معاون وزارت راه و ترابری گفت: احداث ۵ بندر جدید در سال جاری به مناقصه گذارده می شود. با امضاء یک توافقنامه ۲ ساله قطعات بقیه در صفحه ۴

بنام خدای شهیدان

قسمت اول این مقاله
در نشریه راه مجاهد ،
شماره ۱۲ آمده است .

قرآن راهنمای عمل شهید
بتول در همه مراحل زندگی

وقتی که ارزشهای وجودی شهید بتول را بررسی می کنیم - بینیم که زندگی شهید تحقق این آیه است "قل ان اصلا تسو نسکی و حیای و مماتی لله رب العالمین" همانا پیوندم و زندگی روزمره ما ، مرگ و تمام زندگیم برای خدای پرورش دهنده عالمین است .

خواهر شهید مان بتول - زندگیش را وقف انقلاب کرده بود کسانی که به خانه او آمده بودند دیده اند که با وجود شاغل بودن وقادر بودن به زندگی مرفه ، او در يك اتاق با کمترین امکانات زندگی میکرد .

آری او راه زندگی را شناخته بود ، راه زندگی قرآنی ، یعنی در تمام مراحل زندگیش سعی بر این داشت تا شکر نعمت اسلام را بجای آورد . و حیاتش را حیات طیبه و حیاتی جان برکف بسازد ، او هر لحظه اش تسلیم واقعیت خدای متعال گردید ، عشق زیاد او به امام و اعتقاد ناگسستنی اش به استراتژی محکم آزادی گریلا و قدس و صداقت او . . . و همه ویژگیها و ارزشهای وجودی او به همین دلیل تسلیم بودن او در برابر خدا و سبقت او در خیرات بود . "السابقون السابقون اولئک المقربون" .

برخی از ویژگیهای بارز مکتبی شهید :

۱ - عشق شهید بتول به امام خمینی ناگسستنی بود ایمان به امام خمینی از آنجا که فریاد دل همه مستضعفین است امری است که در کمتر کسی دیده نمی شود ، اما ایمان به شهید ایدئولوژی امام و از قرآن و ایدئولوژی حق امام به این مسئله رسیدن که امام خمینی بر حق است و نور خدا و راهنمای مستضعفین است این مسئله خیلی مهم است شهید بتول معتقد بود که این ایمانی که ما به امام خمینی داریم باید بادرک ایدئولوژی امام خمینی و راهنمای عمل قرار دادن آن باشد دیدیم . این ایمان از انسان جدا این نباید پیراست و وجود او

فرازهایی از زندگی و ویژگیهای

خواهر مجاهد شهید "بتول پور ابراهیمی"

قسمت دوم

سرشار از چنین عشق و ایمانی به امام خمینی بود ، در این راه کتاب های امام را عمیقاً بررسی کرده ، و با پیام های امام برخورد کرده ، ایمانی می کرد قاطعانه از تحلیلهای امام دفاع می کرد . این شیوه برخورد خواهر شهید بتول با پیامها و رهنمود های امام خمینی رهنمودی است بر همه عاشقان راه حق که در هر عمل و هر لحظه در زمین ، بدنبال ایستاده هستند که با امام زمان خویش پیوند می آید و ثواب و ناکسستگی برقرار نمایند ، آنکس که در ایدئولوژی امام سیاست و اقتصاد و خلاصه همه برنامه های زندگی را دیده و بدنبال تحقق آن در زندگی روزمره خویش می باشد .

۲ - شهید بتول و آزادی قدس

القدس ما للقدس ،
وما اد ریاک ما للقدس

توجه میدانی قدس چیست او ریبی این بود که بفهمد و درک کند که حقیقت قدس چیست ؟ و چگونه قدس آزاد می گردد ؟ و چگونه باعث بسیج مستضعفین جهان می گردد و بدنبال درک بیشتر این مسئله با افراد مختلف سر این مسئله برخورد می کرد

مصائب را می پذیرفت و با وجود اینکه عشق و نیاز زیاد به جبهه ، در منطقه ماند . شهید بتول معتقد بود این جنگ عمل صالح زمان است و مرحله ای از آزادی قدس میباشد و قدس عامل وحدت همه مسلمین است برای این اساس ریقین داشت که میتوان مستضعفین سنی را در جبهه های جنگ اسلام و کفر رشد داد و از اینکه جوانان بسوج جذب جناح های انقلابی نماد منطقه شده بودند ، نجات می برد . از طرفی روی در آوردن برکات جنگ و از طرف دیگر روی شیوه های کمپ دینوندی ، برای از بسیج انداختن مستضعفین سنی و عدم پیوند آنها با این جنگ و انقلاب فکری فعال برخورد میکرد همچنین یکبار به اهواز رفت تا دستاورد های جنگ را برای مردم منطقه و نیازمندان بهارمغان آورد . وحقی در بین راه به ماشین آنها خپاره خورد بود .

شهید بتول با آنکه از موضع رفع نیازهای امت واحد انقلاب اسلامی و بسیج جوانان منطقه در جهت جبهه با کار سیاسی ایدئولوژیک در منطقه ، در شهر پشت جبهه فعال بود . اما لحظه ای از اخبار و جریانات جبهه

او معتقد بود که مثلاً فتح مکم که استراتژی محمد (ص) بود در مسیر تحقق اسلام و تحقق ایدئولوژی محمد (ص) بود و این همه آیات در این مورد در قرآن آمده است و به آزاد ، قدس از این دیدگاه نگاه می کرد . بتول شهید در ماههای آخرزندگیش بر روی این مسئله که چگونه آزاد ، قدس عین تحقق ایدئولوژی و مکتب ماست کار مستمر گذاشته بود . همچنین او در تابستان ۵۹ کار مدونی بر روی این مسئله انجام داده بود (۱۰) تا درک خودش و درک همه نیازمندان از حقیقت قدس بالاتر برود .

اما اکنون که اونیست از خداوند می خواهیم دستاورد رهنای مفید او ما را در استراتژی اصیل انقلاب اسلامی یعنی آزادی قدس ثابت قدم تر سازد .

به امید اینکه در قدس بر رهبری امام خمینی و به پیاد شهید بتول نماز بخوانیم .

۳ - شهید و جنگ اسلام و کفر هنگامی که جنگ اسلام و کفر کمپ دیویدی شروع شد خواهر شهید مان از کسانی بود که اصرار

فاطمه ای ، به آن مرتبه از معرفت الله نائل آمده و سپاس او وجودش را عشق الله فرارفته است که تمامی عالم موجود را به نور الهی و از دریچه رحمت خدای مبیند و به فرمایش عارف مجاهد امام خمینی در تفسیر سوره علق با ملاک اسم ب ما موجودات برخورد مینماید و لذا مگر میشود که غضب رضایش الله و بنا بر فلسفه اصلی آفرینش هجرت به سمت الله رحمن نباشد . بدین خاطر حرکت و زندگیش ، غضب رضایش از موضع عشق به الله و تجلی خواست حق میگردد . لذا این عین عصمت و فاطمه مصوم است .



در تمامی اعمال دیدن ، مسئله جبهه و پشت جبهه را حل نموده است . خواهر بتول با کارگذاشتن بر روی وصیتنامه های شهید اوشیوه - های امام حسین (ع) و شیوه های ایثارگران رزمندگان جبهه می کوشید تا هر چه بیشتر در مسیر الی الله خوشترکیه شده در ریاری حسین (ع) و امامت صادق زمانش مفید باشد .

۴ - کمربلای بتول شهید بتول در خوابی که دیده بود به زیارت خاک يك امام حسین (ع) حضرت ابوالفضل (ع) و هفتاد و دوتن دیگر اصحاب حسن (ع) در کربلا نائل گشته بود . است در رجب ماه اسفند (۶۰) کم خواهران و برادران کاروان حسین و ارباب اخبار و کتب راجع به جریسان هجرت و شهادت امام حسین (ع) برخورد تحلیلی و فعال مینمودند خواهر بتول نیز بسیار مشتاق و نیازمند کتب مربوط را مطالعه مینمود ، در یکی از شبها در حین مطالعه بر روی کتابش خوابش میبرد و خواهری در کنار او بیدار بود و مشغول کاری بوده است شهید تعریف میکند است که : من خوابم برد و خواب دیدم که تمام ارتشها پاسد اران به سمت کربلا پیاده روی میکنند و ارتش هالباس سپاه به تن کرده بودند و از یک نظم و آرامش خاص برخوردارند و ما نیز در کنار ارتش و سپاه حرکت می کردیم ، همینطور میرفتیم تا اینکه به تعدادی درخت رسیدیم . من از کاروان جدا شدم و نزدیک درختها رفتم ، میوه درختان مانند دانه های انار بود . مقداری از این میوه ها خوردم . از کاروان عقب مانده بودم ، دیدم و بالاخره خودم را به کاروان رسانیدم راهیمیایی همچنان ادامه داشت ، تا اینکه به مزار امام حسین (ع) و سایر شهدا رسیدیم ، آنجا یک مخطوطه سر پوشیده بود داخل حرم شده و سر قبر رسید الشهدا (ع) رفتم زیارت کردم بعد سر قبر حضرت عباس (ع) حاضر شدم و زیارت کردم .

غافل نبود . برخورد فعال و نیازمند - انه بتول با اخبار و سیرت حولات جبهه و گسترش تهاجمات و تشدید توطئه های دشمن و همچنین جمع بندی علل پیروزی و شکستهای مقطعی مادر جنگ بخوبی نشانگر این مسئله بود که با برخورد صحیح با مسائل شهرت و تاثیر عمل صالح را

شهادت بتول

بقیه از صفحه ۱۶

در اینجا شاید بد اگر تمام گرفته شود (لازم بتوضیح است که خوابی که بالای سر بتول بیدار بود متوجه گریه می شود) همه هفتاد و تن رايك به يك به اسم زیارت كردم كه از خواب بیدار شدم و خوابم را برای خوابم كه غلت گریه تمام را می برسد تعریف كردم .
خواهر بتول تا آن زمان اصلاً به زیارت كریلا نرفته بود و اصلاً نمیدانست كه هفتاد و تن يكجا در فن هستند و این مسئله را در خواب متوجه میشود .
باید متذکر شد كه خواب بسی ربط با طرز تفکر و نیازهای اصیل و کیفیت زندگی انسان نیست و این نیازهای اصیل نوع زندگی و مبارزه است كه در خواب تجلی مییابد و نباید خواب را بی هدف و برادر مرگ پنداشت چرا كه در حین همین خوابها بوده كه برای انبیا و ائمه و مؤمنین موهبتهای عظیمی از جانب پروردگار عطا شده است و برده حجاب تن بیاری بسیاری در خواب برداشته شده است و از مرتبه والایی از معرفت حق و قرب به الله برخوردار شده اند .

چنانچه اکتراوقات كه رسول اکرم (ص) به خواب فرو می رفتند روحشان از كالمبدشان جدا گشته و به معراج می شتافت ، از این رو اكثر حضرت از خواب بیدار می نمودند . و با امام حسین (ع) سرور شهیدان بعد از مردن معاویه و شدت اختناق و فشار یزید بر علیه اهل بیت و مسلمانان به جسد بزرگوار خویش بنا نهاده و در دل میکند و آنقدر می گرد تا به خواب فرو می رود و در خواب جسدش را زیارت میکند كه به او میفرمایند خون تو برودی در زمین كریلا ریخته خواهد شد بعد از بیدار شدن امام (ع) آن هجرت سفر جاودانه شان را از مدینه آغاز میكنند
بیايد خوشتر خوابم در خواب خوشتر بینم از خواب جو بر خیزم اول بیايد ایی آری خواهر بتول در شبی این خواب شیرین را می بیند و كریلا می شود كه عاجزانه میكوشید تا از كریلائی حسین (ع) در سن زندگی بیاموزد ، بیاموزد كه چگونه بایستی مخلصانه و لله زست ، چگونه عباس و اربه كلك حسین زمان شتافت و در راه امام صادق تاپای جان وفادار ماند ، چگونه مسئله مهم جبهه و شت جبهه راحل

نماید ، چگونه چون زینب پیام رسان خون شهیدان جبهه های جنگ و كریلاهای امروز باشد .
بتول مجاهد مهره اش زیارت كریلا بود یعنی ازادی كریلا از جنگ بعثی های كافر ، او كریلائی امام حسین (ع) را امت واحد های میداند كه مكتب اسلام را در مرتبه والایی در آنجا تحقق یافته بود و به این لحاظ در سن كسب شیوه های كریلائی بود كه در خوابش به زیارت كریلا مشرف گردید .
رسول خدا ارجاع به قبر امام حسین (ع) برای فاطمه زهرا (س) چنین میفرمایند كه : فردای قیامت کسانی كه به زیارت قبر حسین رفته اند آنها را شفاعت میكنم و خودم جستجو میكنم ، او را پیدا میكنم ، دنبالش میروم ، نجات میدهم ، اگر در گودی افتاده باشد نجات می یابد . از فاطمه (س) پرسند : آیا نشانه ای دارد؟ رسول الله میفرمایند : آری بر پیشانی به قلم نور نوشته شده است این است زائر قبر حسین (ع) .
یا محمد :

امروز تمامی پیروان در كریلائی ایران در عشق زیارت قبرش گوشه فرزندت حسین (ع) می سوزند و در این راه عاشقانه جان می بازند .
یا محمد ادركی شهید ای مادر جبهه های جنگ در راه سفره كریلا به فـوز شهادت نائل گشته اند و زرمندگان نیز در آزادی راه زیارت كریلا میزنند .
مادران ما به این عشق فرزندان جوان و رشید خود را چون علی اكبر حسینت عازم جبهه های جنگ مینمایند .
و خواهران مادر خونین شهر و قصر شیرین وستان و نیز با همین آرزو در چنگال مزدوران بعثی گرفتار آمدند .
به امید اینکه همه ما چون "بتول" شهیدمان ، قهر حسین بن علی (ع) و حضرت عباس (ع) و شهیدای كریلا را همراه امامان زیارت كنیم .
۵ - عشق شهید به پیوند با شهید :
اود زنده بودن شهید بود چرا كه همیشه سعی داشت در كشاز شهادت بالاتر رود و این اصل در اکتراوقات به مزار شهید می رفت حتی در آخرین دفعه ای كه به مزار شهید ارفته بود می گفت كساش خانه ما اینجا بود و هر روز صبح می آمدم پیش شهید .
اود رضای شهید از زندگی می کرد

در یکی از نوشته هایش به این اشاره کرد كه شهیدان ذهن و فكر را منسجم می كنند و جهت می دهند .
او از آنجا كه انسجام طلب بود این طلب را از شهیدان راه خدا می خواست و به همین خاطر در مراسم آنها فعالانه شركت میكرد در دعای كميل كه در خانه شهیدان گذاشته میشود ، یاد رتشیع جنازه شهید اشركت فعال داشت و دیگران را هم فعال میكرد ، با خانواده شهید امرتب سعی میكشید و معتقد بود كه باید از آنها روحیه گرفت .
عشق شهید بتول به پیوند با شهید آنقدر زیاد بود كه در روستاهای سیستان به خانواده شهیدان سر میزد و سعی میكرد شیوه های شهیدان را یاد بگیرد .
براستی كه الگوی او فاطمه زهرا (س) بود كه بعد از وفات پیامبر (ص) هر

روز بر سر مزار پیامبر و شهیدان ای جنگهای احد و بدر حاضر میشد و با آنها ساعتها را زنی میكرد .
۶ - انتقاد و انتقاد پذیری شهید بتول :
خواهر شهیدمان در قسمتی از نوشته هایش میگوید خدا ای ما را برمان كن كه جز برای خواست تو كه حق است بر کسی یا چیزی خشمگین و ناراضی نشویم ، سختگیرمان بر چیزی به خاطران باشد كه بخوایم رحمت تو را شامل گردانیم . این دعا را هنگامی عمل شهید بتول بود ، برای اینکه رضای خدا را جلب كند رابطه خودش و خدا را در می آورد و میسا دیگران طوری برخورد میكرد كه رحمت خدا شامل گردد . روی این اصل به هر مسئله ای كه می رسید و میدانست درست است روی مان خولی فاطمه می ایستاد و از اینكه در این راه چیزی را از دست بدهد پانی نداشت و این دلیل است كه انسان همه چیزش را در رابطه با خدا ببیند و برای رضای خدا ، در این صورت است كه برای رسیدن بیشتر به او در یافتن رحمتهای بیشتری از او خصلتها را راحل می كند و برای

رفع این خصلتها قاطعانه و صریح انتقاد می كند و انتقاد می پذیفت انتقاد او همانطور كه خودش میگوید از این موضع بود كه رحمت خدا را شامل گرداند .
۷ - در ازمدت دیدن مسائل شهید بتول معتقد بود كه باید مسائل را در دیدن بررسی كرد و هر ضعف كوچك اگر آن برخورد نشود در آینده كه تغییرات تدریجی اش را طی كند اثرات و ضربات خودش را شدید تر نمایان می كند ، همانطور كه صمدیه و مجیه از شیوه های برخورد اولیه تقسی شهرام ، جهت حرکت او را در دیدن خوانند و جلوی او ایستادند .
او از مطرح كردن ضعفها رنج میبرد و از آن ساده نمی

گذشت و چون ضربه های آن را در ازمدت میدید با شیوه اصولی با آن برخورد می كرد .
۸ - برخورد هند ایتی او چون برای رضای خدا اكسار میكرد همیشه سعیش بر این بود كه نقاط رشد یابنده افراد را دیده و از طریق آن برخورد می كرد و مسائل آنها را راحل میكرد . حتی گاهی اوقات افرادی كه با آنها برخورد می كند تند و خشن برخورد میكردند و شهید خود را كتر سرل نموده و كنترلش از این جهت بود كه او فقط به خاطر رضای خدا برخورد میكرد . نه به خاطر خودش . مسئله او هند ایت بود و ریشه برخورد تقاضی راحب نفس می دانست از این روحالتی پیش نمی آمد كه

خطا بر ما بدست بتول با این زینب زاری است خنجر كه حضرت فاطمه گذرته طبیعت حركت کرده و بدست او در تربیت رسول الله ص در راه راطی از كده بابت همه سید را در دست خداوند از خود راطی
" خدا را به عزت زدیم به حضرت لا اله الا انت سبحانك اللهم انى اعوذ بك من الهم والحزن
خبر رضا تو بر جزیر دل بندهم و در خوش نسیم . دلخوشی دیم از جزیر بله آرزو ما همه كه رضا
تو را در رخ نسیم . و یاری كنیم در جزیرا خواهست تو را حق است بر كس جزیر
خمسینم و نه ضر نسیم در خلاسته رخه كنید بدل نسیم كه نفس ما لك الهه مرئنه دشمنتر
دندی بر بر كس خاطر را این با همه بخور هم رحمت تو است كل گردانیم .

در سوگ شهید بتول (شهین)
غی جانگزامی خلد روح ما را
مصیبت چه عظمی! خدا ای خدا ای ما
به مه گو متابد بر این دشت امشب
ند انم چه حالم ؟ خدا ای خدا ای ما
چه مظلوم بود وجه مظلوم رفت
بر این حال گره كند سنگ خارا
به زینب بگوزینی دیگر آمد
بد عاشق بجان و بدل كس بلارا
بیودن شهید و سرفتن شهیدی
چنین كرد باطل زحق آشك را
اگر غم فاطمه (س) سوگواران علی شد
بسوگ شهین بین تو اینك علسی را
همیشه بسوگ شهیدان دوكس بود حاضر
یكى جان خواهد گرد گرسود زهرا
پس از مرگ غمبار تو جان خواهد
چه كس تسلیت میدهد ماد را آنرا
همان زهد و تقوی و جوش و خروش
بیاد آورد شیوه انبیا را
هر آنكس مهاجر سوی خدا گشت خارج
در این راه ادراك كرد موت او را
همه اجرا و برخد او ند سبحان
چه فوز عظیمی! خدا ای ساخت ای ما
خدا ای با صبر و طاقت عطا كن
ادامه دهیم ما بجان راه او را

علی (ع)

بقیه از صفحه ۷

بشکل ترقی نمایانه‌ای از دهان رجسوی، درمی آمد و ضمناً "دیدیم که خط اولاف پالمه هم همین بود که برای پایان جنگ باید حاکمیت دو کشور تعلیل شده و پاساژان ملل دخالت نمایند که ماموریت تعدیل حاکمیت ایران به رجوی واگذار شد و بدین سان تروریزم قاتل شروع می گردد. ولی خط اولاف پالمه نه تنها کاری به صدام ندارد که او را تقویت هم میکند. این تکرار جریان خوارج است که آدمهای ساده زیستی بودند و مردور بی خود معاویه شدند.

بعده‌ای از افراد ناراضیهای طبیعی، انقلاب را دیده‌ومی گفتند انقلاب از بنیان حراب است و آن را از اصل نفی می کردند. فرضا "کمبود یا گزافی ارزاق عمومی یکی از این ناراضیهاست. این افراد نمی دیدند که علیرغم این ناراضیها جوهر انقلاب، خشن قطع وابستگی و شعار خود کفایی، در تمام زمینه‌هاست از این جهت انقلاب کمبود و مشکلات دارد. اما اینها این ضعفها و عوارض فرعی را عمده کرده و انقلاب را نفی می کردند.

خط امام هم محکم و متشابه دارد اگر خوب توجه نکیم امکان دارد هم در محکمانش هم در متشابهاتش دچار اشتباه بشویم. امام در اوایل انقلاب گاهی سلسله مراتب ارتش و کلا "ارتش را تأیید کرده و به بقیه امر کرده‌اند که سلسله مراتب را رعایت کنند، آنها که زیغ دارند، به این قول امام اصالت میدهند، یعنی محکمان اسلامی امام را ندیده می گیرند. آنها می گویند که ساده اندیشند یا مغرض و منافع طبقاتی نشان ایجاب می کنند این تأیید امام را - اصالت میدهند و می گویند، هر کاری ارتش بکند درست است و ارتش باید حاکمیت سیاسی پیدا کند، آنها می گویند که ساده اندیشند و یا چپ نما، می گویند دیدی امام ارتش را تأیید کرد؟ امام ارتجاعی است، امام لیبرال است! اینها با خط امام برخورد زیغی می کنند یکبار از قول امام در جهت منافع استناد می آورد، دیگری می گوید این یک حرکت ارتجاعی است، این هم در جهت منافع خودش می باشد و چپ نمایی است. درستش این است که تأیید ارتش را به محکمان امام یعنی خط "خدا، قرآن، خمینی" و... مبارزه بنیادی بسا صهیونیسم ارجاع دهیم تا آنوقت معلوم شود که امام با این برخورد توانسته است ارتش رژیم شاهنشاهی را تعالی داده و با رشد دادن مستضعفین آن، این ارتش را با صهیونیسم در گیر کند.

امام در موقع رفت و آمد هیئت های صلح، هیئت طائف را پذیرفت. جریان چپ نما بلافاصله به امام مارک سازشکاری زد در حالیکه امام در این برخورد اولاً "یکسری ملاکهای محکم، از جمله تعیین متجاوز و... را شرط قرار دادند و دیگر اینکه محکم امام پیوند با ملت‌های مستضعف منطقه است و با این محکم باید برخورد امام را تبیین کرد.

وقتی به رادیوهای بیگانه گوش

میدهیم، همه آنها دم از تائین اسلحه ایران از اسرائیل میزنند. در حالیکه خط مشی اصیل انقلاب ما آزادی قدس است و امام میگویند: "ملت ایران بیست سال است که با اسرائیل مبارزه میکند." و در جایی دیگر میگویند: "اسرائیل اگر انگشتش را به بحر محیط بزند، نجس میشود." اگر محکم نداشته باشیم و بخواهیم از طریق دشمن به دوست برسیم، دشمن که صداقت ندارد در نتیجه میتواند لحنش را طوری کند که ما را به اشتباه بیندازد.

از ملت‌های فوق چنین نتیجه میگیریم که برای برخورد صحیح با قضایا و مسائل و اینکه بخواهیم جریانی را تحلیل کنیم و تحلیل‌مان واقعی باشد و به برخورد غلط، و اینکه اینها ملاک محکمی برای برخورد دچار نشویم باید نخست ویژگی پایدار با تحولات اصلی آن جریان را پیدا کنیم و بررسی جریان را به این ویژگی ارجاع داده و بررسی نمائیم، این شیوه تحلیل و بررسی شیوه‌ای است که قرآن به ما می آموزد. (۳) این روش شناخت را باید در مورد هر بررسی دیگر بکار گیریم. اگر دوشیوه برخورد حضرت علی (ع) و خوارج را مقایسه کنیم با خوارج در برخورد با حضرت علی (ع) و معاویه چنانکه دیدیم فقط ظاهر قضایا را دیدند و نه ویژگی محکم امامت حضرت علی (ع) را شناختند که عبارت بود از گسترش اسلام و حفظ رسالت انبیاء و نه

رسول خدا آنها را در برابر گناهشان به کیفر می رسانید حدود خدایی را در مورد آنها اجرا میکرد. و هرگز آنان را از نصیب مسلمانان بی بهره نمی شناخت و نامشان را از میان اهل اسلام نمی زدود. (۴) اگر در برخورد با جریانات چپ نامحکمان آن را نیابیم، اولاً خود دچار حرکت خود بخودی و تابع شکلی آنها شده و اینکه خود آنها نیز پیچیده میشود چرا که مجبوره تابعیت از حق میشوند و این یعنی هدایت و رشد و در غیر این صورت از حرکت اصیل و توحیدی بازمی مانیم. شیوه دیگر برخورد حضرت علی (ع) برخورد با انحراف ایدئولوژیک خوارج و تحلیل‌مان واقعی باشد و به برخورد غلط، و اینکه اینها ملاک محکمی برای برخورد دچار نشویم باید نخست ویژگی پایدار با تحولات اصلی آن جریان را پیدا کنیم و بررسی جریان را به این ویژگی ارجاع داده و بررسی نمائیم، این شیوه تحلیل و بررسی شیوه‌ای است که قرآن به ما می آموزد. (۳) این روش شناخت را باید در مورد هر بررسی دیگر بکار گیریم. اگر دوشیوه برخورد حضرت علی (ع) و خوارج را مقایسه کنیم با خوارج در برخورد با حضرت علی (ع) و معاویه چنانکه دیدیم فقط ظاهر قضایا را دیدند و نه ویژگی محکم امامت حضرت علی (ع) را شناختند که عبارت بود از گسترش اسلام و حفظ رسالت انبیاء و نه

مقدار الرجال اعرف الحق تعرف اهله واعرف الباطل تعرف اهله" (۵) یعنی باید ملاک برای برخورد با افراد و اشخاص حق باشد این که حق را به افراد شناخت و مهم تشخیص این است. خوارج نیز بدلیل نداشتن این محکمان نتوانستند اصولی را دنبال نمایند بدینصورت که اینها هنگامی که قرآنها بر سر نیزه را از طرف جریان معاویه دیدند فوری دستور خاتمه جنگ را دادند و این

اصل ثابت واقعات ثابت و مطلق باشد، این امر امکان پذیر است ولی اگر با مطلق ها و ملاک های ثابت ذهنی بمانیم نیاز پاسخ داده، شود در مقابل واقعات به دکمانسیم و قشری گری دچار خواهیم شد و نمی توانیم حرکتها را تبیین کنیم. در دخواستن زمین بود. از نظر ما محکم ترین ملاک خدای واحد ازلی و ابدی، غیر قابل شک و اثبات و انکار است. با ایمان و توکل به چنین مبنایی می توانیم به محکمان و ویژگیهای همه پدیده‌ها که در حقیقت آیات و تجلی صفات او هستند برسیم. با مینا قرار دادن چنین خدایی هم می توانیم به تفسیر واقعی قرآن دست پیدا کنیم و هم میتوانیم از ذهنیتها و خود محوریتها نجات پیدا کنیم و هم اینکه از شکل گزافی، ظاهر بینی، مطلق بینی رها شویم. با مینا قرار دادن چنین خدایی است که به کتاب خدا و رسول خدا و سیره اهل بیت می رسیم و دچار گمراهی نمی شویم. با چنین خدایی می توانیم امامت حق را پیدا کنیم و در زیر پرچم او با باطل مبارزه نمائیم و گول هیچ نیرنگ و فریب با چنین خدایی با رهبری انقلاب دست پیدا می کنیم که می گوید دعوی ما بر سر اسلام است و می گوید آزادی قدس راه انبیا و امام زمان (عج) است، با چنین خدایی و با چنین رهبری و امامتی بمانیم می رسیم که شیطان بزرگ و قعا " اصلی ترین سد راه

بر نوع شکل گزایی بدون تمحوی اصلت دادن به شکل "قشری گری" و "خارجی گری" است

برخورد ناشی از این بود که ملاک محکم برای تشخیص حق واقعی از باطل و مرزبندی اسلام معاویه از اسلام علی (ع) نداشتند و این شکل اسلام نمایی معاویه را پایبندی او به اصول و احکام اسلامی دانسته و تفاوتی بین او و علی (ع) قائل نشدند در حالیکه، اگر اسلام حضرت علی (ع) برایشان محکم بود فریب معاویه را نخوردند و ظاهر مسلمان او راه ماهیت ضد اسلام و سیاست باز معاویه ارجاع میدادند و آنها باید حق را می شناختند آنگاه از آن طریق به شناخت امامت می پرداختند و بدین طریق بود که می توانستند از انحراف و خطا مضمون باشند. ولی چون تسلیم بی چون و چرا بودند روزی هم مطلقاً "علی (ع) را نفی کرده و فریب معاویه را خوردند. و بدین ترتیب هر نوع شکل گزایی بدون محتوای اصلت دادن

بشکل قشری گری و خارجی گری است. همه انسانها و جریانات و گروهها، نیاز اصلشان اصل ثابتی است که آنها را در مقابل تحولات و دگرگونیهای اجتماعی و تاریخی از نوسان و انحراف حفظ کرده و بتوانند به روی خط صحیح کنند. اگر این

خداست و باید شکسته شود و با چنین خدایی تمام توطئه‌ها را چه از درون و چه از بیرون می توانیم تشخیص دهیم چرا که محکمان انقلاب را خواهیم فهمید و با فهمیدن این محکمان دستهای مرموزی را چه در داخل و چه در خارج که در فکر تضعیف رهبری انقلاب هستند خواهیم دید و ناراضیها و ضعفها را به رهبری و جوهر هر انقلاب منتسب نخواهیم کرد. و تنها با مینا قرار دادن این خدای غیر قابل شک و اثبات و انکار در همه اعمال و نیات و افکار است که شیعه "واقعی علی (ع) خواهیم بود و بدین ترتیب بدام جریانات خارجی گری بهر شکل و فرمی نخواهیم افتاد.

با ورقیهها

از ۳۰ تیر تا ۱۰

گرفتند بیانات ایشان بیانگر نیاز شهدا و مجروحین است یعنی نیاز مستضعفین و همین ها هستند که میگویند (خمینی تو نوری از خدایی، فریادی از دل‌هایی، رهبر مایی، و با تمام وجود از خطا اسلامی امام دفاعی میکنند. در عصر سی تیر مصدق نیازهای مجروحین و شهدا را درک نکرد، فریاد دل مردم نشد، بت شکنی نکرد فرصت را مغتنم نشمرد و تدریجاً از مردم عقب افتاد (محتوای حرکت ۳۰ تیر و اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی)

بدست گرفتن وزارت جنگ از طرف مصدق و خلغ ید شاه از نیروهای مسلح همچنین بدست گرفتن اختیارات تام بمدت شش ماه آغازگر این حرکت است. در ملاقاتی که دکتر مصدق در این باره در روز ۲۵ تیر با شاه می کند و این مطلب را به شاه میگوید شاه در جواب میگوید ((بهتر است اول من چمدانهایم را ببندم بعد شما این کار را تقبل کنید)) این جمله بدان معناست که این حرکت مستقیماً ضربه بنیادی به شاه و دربار بوده و شاه را مستقیماً تهدید میکند و از همین روست که او علیرغم ظاهر دموم گرانش که تا آن زمان برای خود حفظ کرده بود. مجبور میشد محتوای فاشیستی خود را افشا کند. محتوای این حرکت بسیار نزدیک است به اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی که در آن از اختیارات ولایت فقیه منجمله فرماندهی کل قوا صحبت میکند. که همانگونه که میدانیم این اختیارات با مخالفت جدی بنی صدر و لیبرالها و شریعتمداری و بلوای مسلحانه تبریز روبرو شده و دیکتاتوری متهم کردند. قابل ذکر است که عده‌ای که در صدد و تظمی کردن کاذب انقلاب بوده هستند سعی میکنند باتشابه سازی حرکات مصدق و بنی صدر را بایکدیگر یکی میکنند. آنانکه این حرکت مصدق را با حرکت بنی صدر خائن در گرفتن فرماندهی نیروهای مسلح مقایسه میکنند، یا واقعا " جاهل را از که نیستند و یا خائن. مصدق از طریق قیام سی تیر و حمایت آیت الله کاشانی و وزارت جنگ را از شاه جلاد و دربار میخواست و در حالی که بنی صدر در صدد دخل ید از امام و انقلاب بود

آخرین چه قیاسی شیطانی است که این خاشین میکنند. در آن زمان تمام عناصر ارتجاعی و وابسته‌ها وزیر جنگ شدن مصدق مخالف بودند. اما در این زمان تمام عناصر لیبرال و وابسته‌ها بنی صدر حمایت میکردند. اما جیبه ملی اخیر که خود را طرفدار دکتر مصدق معرفی میکنند بجه دلیل در مقابل ولایت فقیه و اختیاراتش ایستادند. مگر با همین اختیارات نیست که اسلام بر علیه کفر کمپ دبویدی می جنگند و پیروز میشوند و استقلال مملکت را حفظ میکنند؟ آیا به سزا است اختیارات را دیکتاتوری بنامیم.

ماخذ
۱- روزنامه باختر امروز، کیهان، اطلاعات، شاهد، داد، اتش، طلوع، نوید، بنده.
۲- فرازهای از زندگی شهید دکتر فاطمی
۳- مصدق و رستاخیز ملت، سرگرد سخایی
۴- چهره "حقیقی مصدق السلطنه، ویاد-
داشتهای سیاسی ارسنجانی، دکتر حسن آیت
۵- وقایع سی تیر، حسین مطهری - خاطرات
ت آیدن ۷- آیا مصدق فراماسیور بود؟
۱- دکتر فاطمی در اینروزها در آلمان
برای معالجه بستری بوده است.

(۳) رجوع شود به جزوه "محکم و متشابه جلد ۲۰۱ و ۶۰ از انتشارات نهضت مجاهدین خلق).
۴- خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه
۵- سنبقل از کتاب جاذبه و دفاعه علی (ع) نوشته شهید مطهری ص ۳۹

۱- نقل از کتاب "جاذبه و دفاعه علی عید، السلام (نوشته استاد شهید مطهری) ص ۱۲۲
۲- به نقل از کتاب "امام علی (ع) نوشته عبدالفتاح عبدالقاصد جلد ۶ ص ۱۴۱

قدس

بقیه از صفحه ۶

بیاد داریم که در شعار مرگ بر شاه وقتی حرکت مردم تهران توسط مزدوران رژیم سرکوب شد اصفهان حرکت کرد و با سرکوب مردم اصفهان مردم تبریز قیام کردند بعد به اصفهان بعد تهران و خلاصه رژیم مجبور شد که در "۱۱ شهر اعلام حکومت نظامی کند پس از آن در کرمان" مشهد، کرمانشاه و تبریز حرکت شد و در نهایت در تهران منجر به قیام ۲۲ بهمن گردید. رژیم فکر میکرد که اگر مردم تهران را سرکوب کند کار انقلاب تمام است در صورتیکه از بی هر فشار و سرکوب گشایشی دیگر و قیامی دیگر بوقوع می پیوست و به مرور موج انقلاب به شهرهای دیگر گسترش پیدا میکرد.

در بسیج علیه صهیونیسم اسرائیل نیز همین قانونبندی عینیت دارد. این بسیج از ایران شروع شد و فلسطین نیز از قبل فعال بود، بعد به سایر کشورها کشیده شد و تدریجا "عمق پیدا کرد. حلقه محاصره بر امپریالیسم تنگ گشته و افکار عمومی جهان را بخودش جلب کرد و ماهیت اسرائیل را افشا نمود.

"رابطه ایدئولوژی و خط مشی"

مسئله مهمتری که برای ما مطرح است این است که بدانیم چه رابطهای بین خط مشی با ایدئولوژی برقرار میباشد؟ قرآن را به چه شیوه ای تفسیر میکنیم، چه طور از قرآن فیض ببریم؟ شعار قدس تاثیر مهمی روی ملت ما میگذارد و مردم را خیلی تعالی میدهد در پیام آیتا... منتظری بسانیت روز قدس جمله ای بود شبیه آیات قرآن که گفته بودند "القدس، ماالقدس و ماادریک ماالقدس" این شبیه "الحاقه ماالحاقه و ماادریک ماالحاقه" و همینطور "القارعه ما القارعه و ماادریک ماالقارعه" در قرآن میباشد. آیت الله منتظری برای اینکه قدس مشخص شود میگوید "القدس ماالقدس، قدس چیست؟ ماادریک ماالقدس، توجه میدانی قدس چیست؟ یعنی با این ذهن محدودت ماهیت قدس را نمیتوانی درک کنی. تو تاشهید ندی تا مبارزه کنی تا مسئله مرگ را برای خودت حل کنی یا به فرهنگ توده ها که هر مشکلی دارند دست بدامان امام حسین میشوند، تادست بدامان امام حسین نشوی" این مشکلات هم حل نمیشود و "ماادریک ماالقدس" چه میدانی قدس چیست؟ قدس با اینهمه ویژگی که آرزایش نیاز به مبارزه دارد متنضم ر شد و تعالی توده هاست، چگونه میتوانیم عظمت آن را درک کنیم و بعد مقایسه شده با آیات قرآن که مربوط به قیامت است میگوید "الحاقه ماالحاقه و ماادریک ماالحاقه" حاقه آن فرود آئنده است و اشاره به روز قیامت میکند که در آن هیچ سکی نیست، قرآن میفرماید "ماالحاقه" چیست آن حاقه؟ ماادریک ماالحاقه، چه دانستی حاقه چیست؟ تا مستضعف نباشی تا در جریان پیشتاز نباشی تا مبارزه کنی و مسئله مرگ را برای خودت حل کنی نمیتوانی قیامت را درک کنی نمیدانی ماهیت آخرت چیست؟ و باطن اشیا و جوهر اشیا را هم نمیتوانی درک کنی میفرماید: القارعه ماالقارعه و ماادریک ماالقارعه همه چیز در هم کوبیده میشود و انقضا جهانی بوجود می آید یکی از ویژگیهایش قارعه بودن است و ماالارعه چیست قارعه؟ ماادریک ماالقارعه؟ تو چه میدانی که قارعه چیست؟ تا جان بگف نشوی قارعه بودن را نمیتوانی درک کنی این مهم است که "القدس ماالقدس و ماادریک ماالقدس" خیلی شبیه آیات قرآن میباشد یعنی همانطور که قیامت یک آیه محکم است قدس از نظر آیتا... منتظری یک آیه محکم است و به این شیوه میتوان رابطه خط مشی باقرآن را پیدا کرد. نویم ببینیم دهنظریه مختلف راجع بیک آیه وجود دارد بلکه همانطور که قرآن در عمل بر پیامبر(ص) نازل میشد درک صحیح ماهم ازقرآن در عمل صالح میسر است و بهترین تفسیر قرآن همین تفسیری است که آیتا... منتظری از این کلام کردند. که اگر بخواهی به بهشت بروی ازراه قدس باید بروی تا قدس را آزاد کنی بهشت و قیامت برایت نیست. راه سعادت راه قدس است صراط مستقیم همان "طریق القدس" است، و ملت ما به مرتبه ای از رشد رسیده که در مورد انقلاب فلسطین و آزادی قدس آن راه خد آیات قرآن آنها آیات محکم قرآن عظمت داده و به اصطلاح ایدئولوژیک به مسئله جنبه مکتبی داده این خط مشی انقلاب اسلامی است و راه سعادت راه فتح قدس است.

راهیمائی چند میلیونی است، در آن بسیج و مبارزه هست، ضجه هست، از دست دادن شوهر وزن و بچه هست... همه اینها در این راه هست و راه سعادت همین هست.

ضربه و تشدید تضاد در درون دشمن:

محور دوم حرکت توحیدی این بود که بررسی کنیم شعار قدس چقدر به دشمن ضربه میزند و چقدر تضادهای درونی دشمن را تشدید میکند اگر آزادی قدس بعنوان یک شعار استراتژیک انقلاب اسلامی تصویب و تثبیت شود در میان توده ها جا بیفتد بزرگترین ضربه را به صهیونیسم و امپریالیسم خواهیم زد. چرا که آزادی قدس یعنی نفی صهیونیسم و امپریالیسم در منطقه است. امپولیستها و صهیونیستها، اسرائیل را بعنوان یک غده چرکی و مصنوعی در منطقه بوجود آوردند. رژیمهای عرب و اسلامی منطقه برای اینکه با اسرائیل مقابله کنند چه شیوه ای دارند؟ دست پیش غرب دراز کرده واز آمریکا، انگلیس، فرانسه و... تقاضای اسلحه میکنند آمریکا هم اسرائیل را مسلح میکند و هم رژیمهای منطقه را. در واقع آمریکا، اسرائیل را برای حفظ منافعش مسلح میکند و رژیمهای عرب هم برای مقابله باید نفت بدهند و اسلحه بخرند. بنابراین با ایجاد اسرائیل آمریکا هم اسلحه میفروشد و هم نفت میخرد علاوه بر اسلحه کالای مصرفی خود را نیز بفروش میرساند. و هر دو جناح نفتی و نظامی آمریکا سود میبرند.

و تکنیک با تثبیت شعار آزادی قدس اسرائیل از صحنه خارج بشود رژیمهای عرب، دیگر مجبور نیستند تا دندان مسلح باشند تمامی بودجه و پولهایشان را صرف کارهای عمرانی میکنند و ارتشهایشان آنچنان قدرتی پیدا نمیکند که توده ها را سرکوب کنند، در نتیجه مردم چرا پول نفتمان را اسلحه بخریم. دیگر به آمریکا مراجعه نمیکند و کلا "امپریالیسم ضربه بزرگی خواهد خورد.

ضربه دیگری که شعار قدس به امپریالیسم و صهیونیسم میزند توطئه ای است که از مدتها پیش وهم اکنون در شرف تکوین است. آمریکا - کشورهای مرتجع عربی مدتهاست که تلاش میکنند عین کمپ دیوید را در مورد سایر کشورها هم تکرار کنند در کمپ دیوید توطئه آنجا بود که با بستن قرار داد واقعت اسرائیل را به رسمیت شناخته و مسئله فلسطین را در کنارش حل کنند. در واقع میخواهند مسئله فلسطین را بشکل رفورمیستی حل کنند. فلسطینیها بگویند: ما اسرائیل را تا مرزهای قبل از ۱۹۶۷ به رسمیت میشناسیم و اسرائیل

شود بنا بر این از ایدئولوژی و استراتژی شوروی هم میتوان چنین استنباط کرد که اوهم میخواهد مسئله فلسطین بیک شکل رفورمیستی حل شود و موجودیت اسرائیل از طریق سازمان مقاومت فلسطین به رسمیت شناخته شود. یک سری اسناد هم منتشر شده که شوروی به عبدالناصر فشار آورده بود تا موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد و مسئله فلسطین حل شود. چنانکه مشاهده میکنیم اوضاع منطقه خیلی بحرانی است و فلسطینیها هم خیلی تحت فشار رفورمیسم هستند. وقتی ملت ایران شعار آزادی قدس میدهد و شکل جهانی بخودش میگیرد نه تنها در منطقه تشبیه میشود بلکه از این توطئه رفورمیستی هم جلوگیری میکند و نمیکند که سرفلسطینیها کلاه برود و یک جناحشان که میخواهد مسئله فلسطین را شیوه رفورمیستی حل کند، پیروز شوند. بنابراین شعار آزادی قدس به این توطئه صهیونیستی امپریالیستی هم ضربه خواهد زد.

شعار قدس بین جنبه دشمن هم تضاد می اندازد. مثلا "عربستان - ادعای پشتیبانی از توده های مستضعف فلسطین را میکند ولیکن در محتوا با صهیونیستها و کمپانیهای نفتی بند و بست دارد. در مقابل توده های مسلمان آنجا به آرمان فلسطین وفا دارند و عشق و انگیزه شان برای آزادی قدس خیلی زیاد است. در نتیجه اگر رژیم عربستان در مقابل این شعار ایستادگی کند توده ها بر علیه او بسیج میشوند و ماهیتش افشا میشود. توده های مسلمان عرب میفهمند که عربستان واقعا "طرفدار آزادی قدس نیست و اگر جانب توده ها را گرفته و شعار آزادی قدس بدهد بین رژیم عربستان با آمریکا تضاد می افتد چرا که آمریکا خالق اسرائیل و مؤید صهیونیسم است و از موجودیت آن حمایت کامل میکند. از طرفی آمریکا و غرب به نفت عربستان نیاز دارند. و وقتی بین آمریکا و عربستان تضاد بیفتد ضربه بزرگی به آمریکا وارد میشود.

در مصر نیز بین روحانیت آنجا که یک روحانیت دولتی هم هست و دوست مصر یعنی سادات تضاد می افتد سادات باید شعار آزادی قدس را بدهد اگر ندهد توده ها علیه او بسیج میشوند و سادات هم ساقط میگردد اگر سادات طرف توده ها را بگیرد بنا بر این تضاد مصر و آمریکا زیاد میشود تضاد مصر با اسرائیل زیاد میشود. یک چنین نیروی بزرگی اگر به مخالفت با اسرائیل و آمریکا بیفتد خودش خیلی ارزشمند است و می بینیم که آزادی قدس ماهیت سادات را هم افشا خواهد کرد. ساداتی که در قرار داد کمپ دیوید خیانت کرد و موجودیت اسرائیل را به رسمیت

اسرائیل و آمریکا با مبارزان و اشغال جنوب لبنان خواستند غرور امپریالیستی خود را که در عملیات "طریق القدس" و "فتح المبین" و "بیت المقدس" ضربه خورده، جبران نمایند

سرمینهای اشغال شده را خالی کند دیگر آرمان قهرآمیز و انقلابی فلسطین، که انهدام روابط صهیونیستی و نفی اسرائیل است از بین می رود.

آرمان فلسطین همان انقلاب اسلامی است ما هم میخواهیم روابط اسرائیل نابود شود. البته نه به این منظور که ملت یهود را بکشیم بلکه به منظور نفی روابط صهیونیستی، تبعیض نژادی، سرمایه داری، توطئه این بود که مصر موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت و چند وقت پیش عربستان هم اعلام کرد که اگر اسرائیل قول بدهد سرزمینهای اشغالی را تخلیه کند من کاری میکنم که فلسطینیها او را به رسمیت بشناسند (۲) آمریکا هم تنها مؤید و حامی اسرائیل است و اسرائیل پاره ای از تن اوست. رژیمهای عرب هم بدشان نمی آید که بخاطر ترس و وحشتی که از انقلاب اسلامی ایران دارند بیک نحوی مسئله فلسطین را حل کنند و در رابطه با جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی فعال شوند و این امر در روزنامه های خارجی بخوبی مشهود است بطوریکه اینها ترس و وحشتشان از انقلاب اسلامی ایران خیلی بیشتر از صهیونیسم است و حاضرند با اسرائیل کنار بیایند تا حاکمیتشان لطمه نخورد. در بین ایر قدرتها آمریکا که موضعش مشخص است و شوروی هم که به فلسطینیها اسلحه میدهد اولین کشوری است که موجودیت اسرائیل را در سازمان ملل به رسمیت شناخته و مایل نیست که اسرائیل و روابط صهیونیستی آن منهدم

جاذبه و دافعه قدس:

شعار قدس باید برای نیروها قدرت جاذبه و دافعه داشته باشد یک مسئله ای که در ایران است اینکه در شرایط فعلی جامعه ما مرز بین حق و باطل مخدوش شده خطهای مختلفی وجود دارد و مردم دچار یک "سرگردانی مقدس" شده اند. نمیشود تشخیص داد که کی حق است و کی باطل. ماجریانه ای چپ نمایی را دیده ایم که با راست هم موضع شدند و چپ و راست واقعی مخدوش شده است. بعنوان مثال و تکنیک یک استخر آبش گل آلود باشد آدمهای فرصت طلب میتوانند در هر جهتی

قدس

داشته باشد یکوجه مثبت یا ایجابی ووجه منفی یا سلبی وجه مثبت شعار این است که بگوئید چه میخواهیم آنچه که مورد نظر ماست چیست؟ مثلاً "در طی انقلاب شعار مرگ بر شاه، شعار منفی بود ولی استقلال، آزادی، حکومت اسلامی شعار اثباتی است که ما خواهان جمهوری اسلامی بوده و نظام شاهنشاهی نمیخواهیم. شعار قدس وجه اثباتی اش چیست، چه میخواهیم ظاهر امر بنظر میآید که مشکل باشد یعنی وجه منفی اش بیشتر در نظر ماست که با آزادی قدس اسرائیل و صهیونیسم نابود میشود. ولی وجه مثبتش این است که قدس محل وحی و بعثت انبیا بوده است وقتی که میخواهیم با قدس پیوند بخوریم و آنرا آزاد کنیم در حقیقت با راه انبیا پیوند خورده ایم ما براه مسیح (ع)، موسی (ع) پیوند خورده ایم براه تمامی انبیا پیوند خورده ایم، با راه حسین و ارباب آدم پیوند خورده ایم.

راه انبیا راهی است که در طول تاریخ همواره تداوم داشته شما اگر با توده های مسلمان ایرانی، دهقانان، کشاورزان، مجرومین جنوب شهر، زاغه نشینان تماس بگیرید و از قدس سؤال کنید به یاد حضرت موسی یا قبله اول مسلمین می افتند پس وقتی میخواهیم قدس را آزاد کنیم با راه انبیا پیوند خورده ایم که همان "راه بشر" واقعی است.

راه انبیا همان راه بشر است، و در این مسیر بسمت خدای واحد میرویم بسمت نظم واحد و امت واحد میرویم در قرآن مطرح شده هدف انبیا این بود که جامعه را به سمت گسترش امت واحد پیش ببرند بسمت حکومت جهانی واحد بسمت جامعه امام زمان بسمت جامعه عدل و قسط، پس بنابراین وقتی ما شعار آزادی قدس را میدهیم میبایست راه انبیا را راهنمای عمل خودمان قرار دهیم.

القدس مالمقدس و مادریک مالمقدس چه میدانی قدس چیست قدس که اینهمه خاصیت دارد اینهمه ویژگی دارد،؟؟؟

والسلام

یاورقی:

- (۱) رجوع شود به جزوه توطئه دوقطبی کردن کاذب انقلاب
- (۲) راه مجاهد: اینک پس از گذشت دو سال شاهدیم که شکل پیچیده ای تمام مرتجعین منطقه رادر بر گیرد.
- (۳) منظور جنگ اسلام رگراست

و مرز حق و باطل را مشخص میکند. مشخص میکند که چه کسی منافق است و کی مؤمن، چه کسی، کدام جریانات در این راه پیمائیهایی ۲۰ میلیونی شرکت میکند برای اینکه مکانیزم این شعار روشن شود یک مثال میزنیم در جامعه ایران یکده نیروها هستند که میگویند مادر خط امامیم. خط امام ویزگیهای دارد. از جمله اینکه ضد سلطنت، ضد امپریالیسم نیست و زمینه رشد نفاق و ابورتونیسیم فراهم میشود ولی اگر که آب و ضد صهیونیسم میباشد و این ویزگیها ملاک محکمی برای تشخیص حق و استخر زلال باشد و مادر آن شنا کنیم خطهای ته استخر را می بینیم باطل و سنجش نزدیک بودن نیروها به خط امام میباشد. مثلاً "ویزگی و در خط مستقیم خودمان شنا میکنیم میبایست جامعه خودمان رابه ضد صهیونیستی، نسبت به آزادی قدس چه موضعی خواهند داشت یک چنین حالتی مدلل کنیم که مثل این استخر آتش زلال باشد آیا اینها که واسته به شوروی اند میگویند ماضد صهیونیسم هستیم خطهای مشخص باشند هر کسی در خط خودش بتواند حرکت کند آیه شوروی فشار خواهند آورد که موجودیت اسرائیل را که قبلاً" اگر حق و باطل مشخص باشد هر کسی میتواند موضع بگیرد ولی وقتی برسمیت شناخته راپس بگیرد. دو باره اینجا مسئله جذب و دفع حق و باطل مشخص نباشد یک طیف وسیعی از نیروها، بینابینی خواهند مطرح میشود و از دو حال خارج نیست عناصر صادقان میآیند به بود. اصلاً" معلوم نیست در موضع حقاند یا موضع باطل بعضی وقتها شوروی فشار میآورد که مواضع رادر برابر اسرائیل بوبه رسمیت هم صلاحشان در این است که موضع نداشته باشد تا آنها احترام شناختن آن تعیین کن و پس بگیرد و اگر شوروی اینکار را نکرد خودشان بگذارند و اطلاعات بدهند تا هیچکس از دستشان ناراحت نباشد از وابستگی به شوروی در میآیند و صادقانه در خط اصیل امام قرار میگیرند بطور مثال در "سپح مرگ بر شاه" مرز بین حق و باطل کاملاً واضح و تعالی پیدا میکنند و اگر نیامدند منزوی میشوند و این نیروها که میگویند مادر خط امامیم و ایرانی هم هستند اینها از نظر تبلیغاتی مقالات و روزنامه ها شان فشار بیاورند و این مسأله را مطرح کنند که شوروی هم مثل ایران و مثل سایر کشورهای انقلابی بیاید و موجودیت اسرائیل رابه رسمیت نشناسد. اگر اینکار صورت پذیرد چقدر به انهدام اسرائیل و روابط صهیونیستی کمک خواهد کرد. اصلاً" تعادل منطقه بهم خواهد خورد و این خیلی مهم است در واقع شعار تعالی بخش و شعار اسلامی ویزگی اش این است که نیروهای بینابینی را که ادعا و... محتوایشان تفاوت دارد مرز بندی میکند شعار قدس ملاک محکمی برای تصفیه عناصر غیر انقلابی نیز میباشد. عوامل توطئه گر در ارتش، تاجرهای وابسته بوروکرات همگی در بسیج ضد صهیونیستی جامعه ماهیت اصلی شان مشخص میشود آن دسته از ژنرالها و بوروکراتها که با آزادی قدس مخالفت میکنند بطور اتوماتیک بصورت جریانی تصفیه میشوند بهترین شکل تصفیه در بسیج است و افراد خبیث را از طیب میتوان تشخیص داد. وجه دیگر شعار قدس این است که بین یهود و صهیونیسم هم اختلاف میاندازد یعنی یهودیهای صادق که بین مذهبشان و بین حاکمیت صهیونیسم قرار گرفته اند جذب خط بسیج توده های ایران میشوند و عناصر ناصداق هم جذب صهیونیستها میشوند و با هم وظیفه مان این است که بین صهیونیستها و بین یهودیان فرق بگذاریم وقتی که آزادی قدس که یک شعار مذهبی و ایدئولوژیک است هدف ما فرار گرفت مسلمان این توده های مذهبی یهود هم با ما هم آواز خواهند شد.

یکی از خصوصیات شعار صحیح و توحیدی این است امت که دوتا وجه

که میخواهند شنا کنند آب که گل آلود است دیگر حق و باطل مشخص امام ویزگیهای دارد. از جمله اینکه ضد سلطنت، ضد امپریالیسم نیست و زمینه رشد نفاق و ابورتونیسیم فراهم میشود ولی اگر که آب و ضد صهیونیسم میباشد و این ویزگیها ملاک محکمی برای تشخیص حق و استخر زلال باشد و مادر آن شنا کنیم خطهای ته استخر را می بینیم باطل و سنجش نزدیک بودن نیروها به خط امام میباشد. مثلاً "ویزگی و در خط مستقیم خودمان شنا میکنیم میبایست جامعه خودمان رابه ضد صهیونیستی، نسبت به آزادی قدس چه موضعی خواهند داشت یک چنین حالتی مدلل کنیم که مثل این استخر آتش زلال باشد آیا اینها که واسته به شوروی اند میگویند ماضد صهیونیسم هستیم خطهای مشخص باشند هر کسی در خط خودش بتواند حرکت کند آیه شوروی فشار خواهند آورد که موجودیت اسرائیل را که قبلاً" اگر حق و باطل مشخص باشد هر کسی میتواند موضع بگیرد ولی وقتی برسمیت شناخته راپس بگیرد. دو باره اینجا مسئله جذب و دفع حق و باطل مشخص نباشد یک طیف وسیعی از نیروها، بینابینی خواهند مطرح میشود و از دو حال خارج نیست عناصر صادقان میآیند به بود. اصلاً" معلوم نیست در موضع حقاند یا موضع باطل بعضی وقتها شوروی فشار میآورد که مواضع رادر برابر اسرائیل بوبه رسمیت هم صلاحشان در این است که موضع نداشته باشد تا آنها احترام شناختن آن تعیین کن و پس بگیرد و اگر شوروی اینکار را نکرد خودشان بگذارند و اطلاعات بدهند تا هیچکس از دستشان ناراحت نباشد از وابستگی به شوروی در میآیند و صادقانه در خط اصیل امام قرار میگیرند بطور مثال در "سپح مرگ بر شاه" مرز بین حق و باطل کاملاً واضح و تعالی پیدا میکنند و اگر نیامدند منزوی میشوند و این نیروها که میگویند مادر خط امامیم و ایرانی هم هستند اینها از نظر تبلیغاتی مقالات و روزنامه ها شان فشار بیاورند و این مسأله را مطرح کنند که شوروی هم مثل ایران و مثل سایر کشورهای انقلابی بیاید و موجودیت اسرائیل رابه رسمیت نشناسد. اگر اینکار صورت پذیرد چقدر به انهدام اسرائیل و روابط صهیونیستی کمک خواهد کرد. اصلاً" تعادل منطقه بهم خواهد خورد و این خیلی مهم است در واقع شعار تعالی بخش و شعار اسلامی ویزگی اش این است که نیروهای بینابینی را که ادعا و... محتوایشان تفاوت دارد مرز بندی میکند شعار قدس ملاک محکمی برای تصفیه عناصر غیر انقلابی نیز میباشد. عوامل توطئه گر در ارتش، تاجرهای وابسته بوروکرات همگی در بسیج ضد صهیونیستی جامعه ماهیت اصلی شان مشخص میشود آن دسته از ژنرالها و بوروکراتها که با آزادی قدس مخالفت میکنند بطور اتوماتیک بصورت جریانی تصفیه میشوند بهترین شکل تصفیه در بسیج است و افراد خبیث را از طیب میتوان تشخیص داد. وجه دیگر شعار قدس این است که بین یهود و صهیونیسم هم اختلاف میاندازد یعنی یهودیهای صادق که بین مذهبشان و بین حاکمیت صهیونیسم قرار گرفته اند جذب خط بسیج توده های ایران میشوند و عناصر ناصداق هم جذب صهیونیستها میشوند و با هم وظیفه مان این است که بین صهیونیستها و بین یهودیان فرق بگذاریم وقتی که آزادی قدس که یک شعار مذهبی و ایدئولوژیک است هدف ما فرار گرفت مسلمان این توده های مذهبی یهود هم با ما هم آواز خواهند شد.

قسمتی از سرود قدس

رهیمیایی بسوی قدس - با تکیه بر توده ها (۲)

به هم زند خواب خوش آمریکا و ارتجاع
دهیم تمام نهضت های عالم و این ندا (۲)
که راه فتح بسیج بود نه تکیه بر ارتجاع
فقط مکتب عزیز اسلام رها کند قدس را از دست صهیونیستها (۲)
اگر بخوایم که به قدس نماز بها کنیم ما (۲)
باید که یا وضوی خون رد شویم از کربلا
کلید قدس بدان در این جنگ (۳) نهفته است (۲)
بدون تکیه بر بسیج دشمن نتوان شکست
ضامن فتح قدس ما شیوه فهمیده است (۲)
مکتب خود کفایی در این روش نهفته است
فقط مکتب عزیز اسلام رها کند قدس را از دست صهیونیستها (۲)

امام وقتی آمدند رفتند در جنوبی ترین نقطه تهران یعنی بهشت زهرا سر مزار شهدا، شاه که می آمد می رفت شمالی ترین نقطه تهران کاخ نیاوران اصلاً "برای توده ها تمام وجه حق و باطل مشخص بود ولی حالا یک هم چنین جوی نیست ما عناصر صادقی را می بینیم که در خط اشتباهی و عناصر دیگری را می بینیم که خودشان رابه یک خط صحیحی مثلاً "خط امام وصل کردند و شعار قدس این عدم مرز بندی را از بین خواهد برد

حنیف نژاد

بقیه از صفحه ۸

حجت الاسلام رفسنجانی و... بود. با شیم عدم اعتماد مطلق غلط است شهیدان ندر زگو حتی بعد از اینکه یک چریان سازمان ما رکیست شده بود می گفت من اینقدر ربه اینها اسلحه می دهم تا اینها رویشان کم شود و مسلمان شوند اوقبل از انحراف به هر میزان که اسلحه میخواستند تا مین میکرد تمام روحنیون و قطبهای که حنیف نژاد سراغشان رفت حالا در جمهوری اسلامی از مسئولین با لاودلسوزا ما مندا این نشان می دهد که او عاشقی بود که خط صحیحی را دنبال می کرد. و در آن شرایط خفگان نقش زیادی در بسیج مردم داشت تعجب ما از مسئولینی است که صحبت های حسین روحانی غیر مذهبی با آنها سوا بقیش را تأیید و تلویحاً با او علیه مسلمانها پی نظیر حنیف نژاد هم موضع میشوند آیا درست است که میگوئیم "مشی چریکی جدا از توده" داشته وقتی که حنیف نژاد می گوید ما بیاید اعتماد دلسبی به توده ها داشته

حجت الاسلام رفسنجانی و... بود. با شیم عدم اعتماد مطلق غلط است شهیدان ندر زگو حتی بعد از اینکه یک چریان سازمان ما رکیست شده بود می گفت من اینقدر ربه اینها اسلحه می دهم تا اینها رویشان کم شود و مسلمان شوند اوقبل از انحراف به هر میزان که اسلحه میخواستند تا مین میکرد تمام روحنیون و قطبهای که حنیف نژاد سراغشان رفت حالا در جمهوری اسلامی از مسئولین با لاودلسوزا ما مندا این نشان می دهد که او عاشقی بود که خط صحیحی را دنبال می کرد. و در آن شرایط خفگان نقش زیادی در بسیج مردم داشت تعجب ما از مسئولینی است که صحبت های حسین روحانی غیر مذهبی با آنها سوا بقیش را تأیید و تلویحاً با او علیه مسلمانها پی نظیر حنیف نژاد هم موضع میشوند آیا درست است که میگوئیم "مشی چریکی جدا از توده" داشته وقتی که حنیف نژاد می گوید ما بیاید اعتماد دلسبی به توده ها داشته

راضی نیست. حجت الاسلام کرمی در مجلس شورای اسلامی گفتند آن موقع هر روحانی که مجاهدین را تا شید نمی کرد قبال سؤال بود غیر از ما و چند نفر دیگر که آنها هم مخالفتی نداشتند، تمام سازماندهی اما به مجاهدین کمک می کردند. در سال ۵۲ منزل مرحوم طالقانی بود ما تمام موجودیچه ها را تا شید می کردند گفتند مردم از ما راجع به وجوهات می پرسند به آنها گفتیم بروید برسایند به مجاهدین و به این دلیل برسایند تلاش بکنند رشدی بکنند و پیوندی بخورند. لنگی و کسری ما عدم حمایت مردم نبود شتاب حرکت موجب شده عدم انسجامها ریشه و نیاز به انسجام بالاتری پیدا شده بود مثلاً شهید رجایی که مورد تا شید ما بود و چهار ده میلیون رای آورد مردم دوستش داشتند یکی از اعضای مجاهدین بود و رابط سازمان با شهید بهشتی، مرحوم طالقانی

داشت آنهم رزمندگی بود و رزمندگیش را هم شما جبران کردید امیدواریم موفق شوید بعد می گفتند خوشا به حال شما که در جبهه - ایدولی ما در پشت جبهه اییم اینهمه تا شیدها ما را تشویق می کرد. شهید بهشتی که با همه معروفیت خود و سابقه مبارزاتی و زندگی با مردم این طوری مجاهدین را تا شید می کردند این کجا چریک جدا از توده است آیا خیانتی سزرگتر از این هم می توان تصور کرد؟ از تلویزیون جمهوری اسلامی حسین روحانی بگوید حنیف نژاد چریک جدا از توده است و هویت مذهبی او را هم نمی کند. او می خواهد بگوید همه مذهبی ها یا ما رکیستند یا التقاطی و همه روحانیت مبارزی هم که اینها را تا شید کرده اند همینطور ند، به نظرم می رسد اینکا رتوجیه کا رخود و ظلم به خون شهداست و باعث استضعاف بیشتر آنها می شود مسلماً روحشان از چنین تحریفها پی

داشت آنهم رزمندگی بود و رزمندگیش را هم شما جبران کردید امیدواریم موفق شوید بعد می گفتند خوشا به حال شما که در جبهه - ایدولی ما در پشت جبهه اییم اینهمه تا شیدها ما را تشویق می کرد. شهید بهشتی که با همه معروفیت خود و سابقه مبارزاتی و زندگی با مردم این طوری مجاهدین را تا شید می کردند این کجا چریک جدا از توده است آیا خیانتی سزرگتر از این هم می توان تصور کرد؟ از تلویزیون جمهوری اسلامی حسین روحانی بگوید حنیف نژاد چریک جدا از توده است و هویت مذهبی او را هم نمی کند. او می خواهد بگوید همه مذهبی ها یا ما رکیستند یا التقاطی و همه روحانیت مبارزی هم که اینها را تا شید کرده اند همینطور ند، به نظرم می رسد اینکا رتوجیه کا رخود و ظلم به خون شهداست و باعث استضعاف بیشتر آنها می شود مسلماً روحشان از چنین تحریفها پی

آنروز آتش بس است که با مشت برتند اسرائیل را بیرون کنند. "امام خمینی"

۱ - صفحه ۳۳ تفسیر الحمد چاپ حزب جمهوری
۲ - صفحه ۵۵ و ۵۶ تفسیر الحمد
۳ - صفحه ۸۰ و ۸۱ تفسیر الحمد
۴ - صفحه ۵۸ تفسیر الحمد

شهید بتول

کسی باد عوا بر خورد کند یا فرود آید در حین بحث تحقیق نماید .
او با خواهرهای که جسد بتول جنش ملی شده بودند مرتب بر خورد می کرد و حتی به آنها می که زیاد در روابط سازمان حل نشده بودند کتاب میداد و پیامهای امام را با آنها می خواندند و تحلیل می کردند و در بسیاری اوقات به او مارک و تهمت هم زده می شد و او خوشترن داری می کرد و از کوره در نمی رفت .
خواهر شهید مان معتقد بود با هر کس در رود ارزش خود را و برای رضای خدا باید بر خورد کرد و آنها را هدایت نمود ، و در عین حال که هدایت همه را می خواست در مقابل آنها می که با آگاهی کامل می خواستند به انقلاب ضربه بزنند قاطعانه بر خورد می کرد .
۹ - صداقت او

یکی از ویژگیهای بارز خواهر شهید مان ، صداقت او بود و صد اقتش از موضع تسلیم بودن در مقابل رضای خدا بود اگر کسی خدا را در نظر میگرد و ناظر بر اعمال خودش ببیند ، مسلمان در جهت رسیدن به اوصاف قانه با مسائل بر خورد می کند ، او در عایش گفته است خدا یا یاریمان کن تا تسلیم واقعیت باشیم و وجود مان مملو از عشق نزدیکی به تو باشد . این صداقت همان تسلیم در برابر حق است و آدم باید مسترا خصلتها - یش را در راه خدا حل کند تا صداقت و بزرگی بارش گردد و شهید بتول اینگونه بود عملش با حرفها - یش وحدت داشت در دعای کمال می گوید اللهم اجعل اعمالی و اوراد یوردی واحد یعنی خدا یا صراطی قراریده که بین حرف و علم تضاد نباشد ، صادق باشم ، بتول این دعا را از اهنمای عملش قرار داده بود و باور کرده بود که صداقت و تسلیم در برابر خواست و مشیت خدا باعث رشد و پویایی خواهد گردید .

۱۰ - صبر شهید بتول در بین مردم زابل مثل هستم که برای افراد صبور کار می برسد و آن این است :
مرد می خواهد که با رزم کشد رخس می خواهد تن رستم کشد و به این مفهوم است که اسبی چون رخس فقط می تواند رستم قوی هیکل را حمل نماید و غم های دنیا هم واقعا مرد می خواهد که صبور باشد و در مقابل آن تحمل بیاورد که شهید

بتول واقعا چنین صبری داشت . او مدت طولانی در منطقه سیستان و بلوچستان کار میکرد و با وجود فشار های زیادی که شرایط منطقه به او وارد می آورد ، اما اینها برایش حد نمی شد و صبورا نه حد شکنی میکرد و از آنها می گذشت .
او با وجود عشق زیاد برای رفتن به جبهه در بلوچستان ماند و با صبری انقلابی با تضاد های پیچیده و ناملموس منطقه برخورد میکرد ، و این که هر کجا هست باید لسه کار کند بر صبر و استقامت و باید ارش در مقابل مصائب افزونه بود . او چون همه چیز را رحمت خدا می دید برای برخورد با مشکلات شیوه متناسب با آن را در می آورد .
چگونگی گسترش رحمت خدا در دیده ها را بیشتر درک کند و خدا هم در این راه کمکش می کرد که "والله مع الصابرين"
۱۱ - ازدواج مکتبی شهید

مسئله ای که شهید بتول در مورد ازدواج میگفت این بود که نباید انسان را منفعل کند ، باید در تمام انقلاب باشد والا درست نیست .
او همچنین همه زندگیش در خط جان برکفی بود و ازدواجش هم همینطور رسی است برای نیاز - مندان .

شهید بتول مدت یکسال و نیم برای کسب رضایت والدینش صبر کرده بود که نشانگر این بود که خواهر مان میخواست ازدواجش تا آنجا که امکان دارد کاملا مکتبی باشد . لذا صبر و مقاومتی بخیر داد و بر خورد تناقضی هم با والدینش نکرد و با این صبر و مقاومت و قاطعیتش سرانجام رضایت آنها را جلب کرد .
اینکه میگویند جلب رضایت شرط است به این معنی نیست که از ازدواج دست بردار و یا اینکه از دادگاه و قانون بخواهد ازدواج کند بلکه خواهر مان با سلاح صبر پیش رفت و رضایت را نیز جلب نمود .
مهریه خواهر بتول هم قرآن و نهج البلاغه و سفره کربلا و قدس و مکه و همچنین پنج سکه آزادی در این شرایط چنین مهریه ای خیلی جالب است . این مهریه دادنی نیست بلکه گرفتاری است یعنی بایستی از چنگ دشمن مزدور و رعش در آورد و کربلا قدس و سپس مدینه را آزاد کرد .

این خواهر وقتی ازدواج میکند بایستی امت واحده ای تشکیل دهد که با قدرت بیشتر و با کمک سایر مسلمانان به رهبری امام کربلا و قدس و مدینه را آزاد کنند . این عمل بر خورد تعالی بخش با سنت هاست و در واقع احیای سنت محمدی است . آری این مهریه احیای سنت های قرآنی به

معنای واقعی کلمه میباشد . این در حالی است که عده ای تاجر در دخترهای خود رامی فروشند و میگویند آن زمان مهریه فاطمه مثلا ۲۶ ریال و نجاه شاهی بوده است و حالا ۱۳۰۰ سال تورم روی آن را حساب کن و ببین چقدر میشود و از این حرفها . شهید بتول و ازه متشابه مهریه را راجع عید هدیه به محکم قضیه که سنت رسول الله است . هنگامی که مهریه قرآن و نهج البلاغه باشد به معنی حکومت اسلامی و دخترهای این زمان زیر بار مهریه های مادی نمیروند ، بلکه حکومت جهانی واحد را می خواهند . حکومت اسلامی و جهانی را که تحقق استراتژیک آن را خواهر بتول در مهریه اش ذکر کرده بود . همان آزادی کربلا و قدس و مدینه است . یعنی وجه ایدئولوژیک در مهریه اش قرآن ، نهج البلاغه بود که با ذکر خط مشی آن آزادی کربلا و قدس آورده بود . "والسلام"

به بتول

يك سبد ميخك سرخ
يك فرشته سپيد
و قراری
خونین
گفتمت ؟
قصه گل سپیدی را که
آرزو داشت خون رنگ شود
و سرانجام به سرخی گروید
تا دوباره رویش
حرکت رفتن
عطش سرخ رسیدن
طلب سپید گلها
مستقل از من و ما
و وصال
واژه تبداری است
که میسوزاند مومن را
تشنه ام
تبدارم
نطفه امید در
باروت و
آتش و خون میگام
تابروم از خاک
پاک پاک

دعای شهید بتول خط خودش

خدا یا عشق نزدیک خودت را از من دور کن
در دلهای ما بیاور که تمام وجودمان
عقل و تدبیر و جزیره رضای تو
چیزی دل نبندیم و دلخوش نشویم .
دلخوشی و شادمانی بر چیزی برای آن
باشد که روی تو را در ما کن ببینیم .
و یا رب پاک کن که جز برای خواست تو
که حق است بر سر من چیزی قسم نزن

روز شمار تیرماه

- تیر رمضان Jun.
- ۱ - به توپ بستن مجلس شورای ملی ، چهارشنبه ۲۳ ۱ ۲
 - ۲ - انفجار در شرکت اسرائیلی ایران - جمعه ۲۵ ۳ ۴
 - ۳ - سالروز قیام ۵۲ رزندهای شاه - شنبه ۲۶ ۴ ۵
 - ۴ - سالروز انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت ۷۲ تن از یاران امل قیام مردم تبریز به رهبری ستارخان علیه محمد علی شاه (۱۲۸۷) ، سالروز درگذشت آیت ۰۰۱ کاشف الغطاء (۱۳۳۳)
 - ۵ - سالروز شهادت برادر مجاهد عباس بروغنی در قلعه چغالون - پنجشنبه ۱ ۹ ۱۰
 - ۶ - آزادی خلق الجزایر از جنگال استعمار فرانسه (۱۹۶۳) یکشنبه ۴ ۱۲ ۱۳
 - ۷ - ولادت حضرت امام حسین (ع) چهارشنبه ۷ ۱۵ ۱۶
 - ۸ - شهادت مجاهد خلیل رفیع طباطبائی (زیر شکنجه - ۱۳۵۱) شنبه ۱۰ ۱۸ ۱۹
 - ۹ - ضربت خوردن حضرت علی (ع) یکشنبه ۱۱ ۱۹ ۲۰
 - ۱۰ - فتح ملکه و سرنگونی نظام بت پرستی (۸۰۸ هـ ق) دوشنبه ۱۲ ۲۰ ۲۱
 - ۱۱ - شهادت حضرت علی (ع) سه شنبه ۱۳ ۲۱ ۲۲
 - ۱۲ - کودتای عبد الکریم قاسم در عراق (۱۹۵۸) علیه رژیم سلطنتی فیصل چهارشنبه ۱۴ ۲۲ ۲۳
 - ۱۳ - شهادت مجاهد سید رضا دیباج زیر شکنجه (۱۳۵۱) ، اعتصاب کارگران نفت و شهادت ۴۷ نفر و مجروح شدن ۱۷۳ نفر (۱۳۲۵) پنجشنبه ۱۵ ۲۳ ۲۴
 - ۱۴ - روجهای قدس جمعه ۱۶ ۲۴ ۲۵
 - ۱۵ - شهادت مجاهد غلام حسین عالم زاده در درگیری (۱۳۵۱) ، اعلام جمهوری توسط عبد الناصر در مصر (۱۹۵۳) ، استقلال هند از بریتانیا (۱۹۴۷) یکشنبه ۱۸ ۲۶ ۲۷
 - ۱۶ - پیروزی انقلاب نیکاراگوئه به رهبری ساند نیستها (۱۳۵۷) دوشنبه ۱۹ ۲۷ ۲۸
 - ۱۷ - قیام پرشکوه مردم در دوران حکومت شاه (۱۳۳۱) چهارشنبه ۲۱ ۲۹ ۳۰
 - ۱۸ - عید فطر پنجشنبه ۲۲ ۱ ۳۱

عرفان در

شمشیر میزند برای خدا ، مقاتله می کند برای خدا ، قیامش برای خداست
همان شمشیر می کشد و پاکساز جنگ می کند . این ادعیه انسان را از این ظلمت بیرون میبرد . وقتی که از این ظلمت بیرون رفت یک انسان میشود که برای خدا کار میکند . کاری کند اما برای خدا
و نارضی شوم و جز برای خدا
کنم بر دل بگیرم که نفس ما را کرده
می کند و سخت گیری و تند می کند
بر روی خاطر این باشد که بخاریم
رحمت تو را شامل گردانیم .
شمشیر میزند برای خدا ، مقاتله می کند برای خدا ، قیامش برای خداست
همان شمشیر می کشد و پاکساز جنگ می کند . این ادعیه انسان را از این ظلمت بیرون میبرد . وقتی که از این ظلمت بیرون رفت یک انسان میشود که برای خدا کار میکند . کاری کند اما برای خدا
و نارضی شوم و جز برای خدا
کنم بر دل بگیرم که نفس ما را کرده
می کند و سخت گیری و تند می کند
بر روی خاطر این باشد که بخاریم
رحمت تو را شامل گردانیم .

یادی از مجاهد شهید

در جهت بعد سیاسی ایدئولوژیک و تبلیغاتی جنگ فعال شوم . نهضت کلاسی از تعدادی برادران و خواهران تشکیل داده بود که روی تحلیلهای سیاسی ایدئولوژیک مربوط به جنگ کاری کردند . و این مقالات تدوین شده و در روزنامه بچاپ میرسید . و نیز نشریه‌ها برای مساجد و مسیح مردم بسمت جبهه تهیه میکرد و یا شعارها و رهنمود . های مستمرا در شهرها از طریق دیوار یا تراکت منتشر میکرد شهید عباس از فعالترین برادرانی بود که در این کلاس بودند . شهید عبدی و شهید آرزومند نیز مدتی در این کلاس شرکت داشتند . شهید عباس در این کلاس در تدوین مقالات برای روزنامه و پاسورن نحوه و شعور رساندن نشریه به مساجد فعالیت خود جوش داشت بطوریکه وقتی صحبت از جبهه رفتن میشد مسئول کلاس میگفت اگر عباس برود دیگر این کاری خواهد بود . او از همان ابتدای جنگ در خط جبهه و نیازهای جنگ فعال بود . وقتی میدید نیاز جبهه سیاسی ایدئولوژیک است در همین سیر با تمام نیرو کار میکرد و کارش هم دیدیم در جهت حل مشکلات و جبران افتادن شیوه بسیج توده‌ها ، تکیه به انسان بجای ابزار و خط آزادی قدس از طریق کربلا بسیار موثر بود .

۵ - عباس و آرزوی فتح خونین شهر با شیوه بسیج عباس از همان ابتدای اشغال خونین شهر و شروع جنگ در جهت آزادی آن شیوه و رهنمود در آورد و آنها را بصورت سرود و نحوه در سطح مردم منتشر نمود .

و تکیه در خونین شهر تعداد کمی از برادران رزمنده بودند و خط بنی صد تکیه به ابزار سنگین بود و حتی نیروهای خودی خط کربلائی مستمر خونین شهر را از هنی و غلط میدانستند عباس میسرود که :

ب کسی خونین شهر
چون با مبار اسلام بی یار و یاور شدم
در عمل خونین شهر تنها به شکر شد

روح خدایم بسجده ده ماهه
تا بر کنیم از سرگشته‌ی دست کافر
چون با مبار اسلام
چون با مبار اسلام
از سنگ اسلام و قرآن منت حفاظت کن
چون با مبار

آقا جوانان و جوانان مبارک
سپه سینه از کینه و حسد امام براهبر
چون

بهر باره باره و سینه با توبه میل
افتاد در غل غل و کفر در سرخ خونین شهر
چون

مهد و انقلاب امام اسلام است
نوعی به سر کربلا سقوط صلوات است
چون

این نیست در سینه یاران اسلام است
قلب کربلا میسرود در خط امام است
چون

۶ - در دامت واحد
او برادرانش مظلومیت خونین شهر را در همه سرودها
می آوردند و شیوه بسیج توده‌ها را تنها راه آزادی آن سرزمین میدانستند و امروز تحقق آن رهنمود هارامی بینیم .

کربلائی عباس در طول جنگ اسلام و کفر نیاز رفتن به جبهه را مطرح کرد و در این امر اصرار میورزید . تا اینکه وقتی تعدادی برادران به جبهه رفتند به شهید عباس پیشنهاد شد که در قم فعال شده و بجای برادرانی که رفته اند به نیازهای ایدئولوژیک نهضت و انقلاب پاسخ دهد . او وقتی دید این نیاز هست و در جهت رشد انقلاب و جمع نهضت است فعال شد و به قم رفت و در آنجا با روحانیون از طرف نهضت تماس میگرفت . و در این مسیر

بیننده های خوبی ایجاد شده بود . این بر خورد عباس الگوی خوبی بود که فهمیدیم که هدف رفتن عباس به جبهه هم بخاطر رشد انقلاب و امت واحد اسلامی بوده است و اگر کار دیگری هم نیاز امت اسلامی باشد در آن فعال میشود و کار برایش اصالت ندارد . مهم آنست که در راه خدا باشد امید داریم بتوانیم ارزشهای توحیدی این شهید بزرگوارمان را درک کرده و عمل کنیم .

۷ - کربلائی عباس و مس از شهادت

کربلائی عباس شرایط انقلاب را خوب میشناخت . او معتقد بود جریان مرموزی در انقلاب رخنه دارد که با مبارک زدن و منزوی کردن نیروهای خط امام و دلسوزی به انقلاب میخواهد با حق جلوه دادن خود و جلب نظر اکثریت حاکم شود (فونیکس از راه قانونی (۱) کما اینکه در وصیت نامه اش ریش بینی کرده است و نصایحی که به برادران نهضت مجاهدین داشته گوشزد نموده است که از انزوا نگران نباشند و مهم اینست که در جبهه حق باشیم و اکثریت داشتن ملاک حق و باطل نیست .

پیش بینی شهید عباس بعد از شهادت او در دست در آمد . در سیزده جریانی در کمیته انقلاب اسلامی نفوذ داشت که به نهاد امامت جنبشی ، کمونیست ، ضد روحانیت و . . . می زد و جو رسب و وحشت ایجاد کرده بود بطوریکه موجب زدگی بعضی نسبت به کمیته انقلاب گردیده بود .

گرچه بسیاری از مردم از شیوه های آنها ناراضی بودند ولی آنها به کار خود ادامه میدادند . در تشییع جنازه برادر شهیدمان این جریان با سازماندهی از قبل تعیین شده به مراسم حمله کرده و سعی کردند مراسم تشییع را برهم زنند . و این امر اهمیت آنها را بخوبی نشان داد برادران شرح را بصورت رزنامه ای برای مسئولین فرستادند و سرانجام مظلومیت شهید عباس دامن آنها را فرا گرفت و کمیته انقلاب از این عناصر پاکسازی گردید و نماینده امام مسئول کمیته شد و انرا با سایر نهاد ها هماهنگ کرد برادران می گفتند همانطور که عباس در دوران زندگی قاطع بود و در موارد اصولی قاطعانه برخورد میکرد پس از شهادت هم با جریان مخالف امام و انقلاب قاطعانه برخورد کرد و موجب تصفیه آنها شد . قدر این شهید را آیندگان خواهند دانست .

قسمتهای از وصیتنامه مجاهد شهید "کربلائی عباس بروغنی"

در روز بزرگ کربلا تعداد (اما ضعیفی) میگردد و دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی هم سرگردان آمریکا

پدر و مادرم و برادرانم هر کدام هم مکه رفتید آنجا تمام صلواتان هستند تمام کس مرا با خودتان ببرید . در دست بگویم و از شما منوال کردند بگویند که من پرستار اسلام هستم و ام را از بپرد با ما و مادرم و یارانشان را زودتر تر تیب بر میدهمین سا اها برونه و این کما را بکنند که این همه را در انقلاب است و امام محمد باقر (ع) هم به سیرایش دست کرده بود که تا به حال بروند در مکه در یک تالیف بنویسند و ترجمه کنند و کس گفت چکار می کنید عزیزان ما شورا را برائیس معرفی کنند

به امید روزی که اش الله کربلا آزاد گردد و در قدس هست سر ما ک بزرگوارمان ناز جامعه است بخیران

برادر عزیز محمد - من کون درد دین دارم با کسی صد توره



در دست با کسی آن قلمی را که بر همه آب است می خوردند و نبر برادر جان می بینی که در دست ده هفت کت می هستند که سال به سال میوه نمی خوردند که کس نمی خوردند

تو . . . خواهی خوب وقتی شنیدی میخواهم به جبهه بیایم قیامهات را دیدم مثل گل بود اما گل پژمرده در دست است خواهی جد ای خیلی سخت است ولی باید تسلیم رضای خدا شد اگر تا تو تنیدی کردم مرا ببخش . . . اسلامی زندگی کن مثل حضرت فاطمه حضرت زینب .

و هرگز فرنگی که چون برادرت شهید شده مردم باید به شما احترام بگذارند نه ، شاید هم طعنه بزنند ولی شما ناراحت نشوید چرا که بعد از شهادت امام حسین (ع) و یارانش خانواده

قسمتهای از اظلامیه نهضت مجاهدین خلق جنبانیت شهادت کربلائی عباس بروغنی بسمه تعالی

کربلائی عباس بروغنی عضو نهضت مجاهدین خلق و دانشجوی رشته شیعی در اثر اصابت ترکش عصبیت باعث متجاوزیه جگوش ، عصر هنگام چهارشنبه ۸۰ تیر / ۶۰ در حال قیام به نماز در جبهه چغالوند در خون خود غلطید و شهادت نامه عشاق را امضا کرد .

شهادت او را به امام و روستا نشینان مستضعف سبزواری و ده بروغن و خانواده شهید پرورش تبریک و تسلیت میگویم .

قسمتهای از وصیتنامه کربلائی عباس

" ترکیه واقعی مقدمه فهم قرآن است و تنها در ریوند با عمل صالح زمان میسر است ! " جنگ اسلام با کفر کمپ دیویدی تضاد بنیادین جهان است و حل تمام مسائل مملکتی و خانوادگی موکول بسمه حل اسلامی این تضاد است .

" امام خمینی رهبر مستضعفین جهان علیه مستکبرین جهانی و کمپ دیویدی است . "

اورا به اسارت بردند و شلاق زدند. خواهرجان این سزناوش
شیعه است. بجهت راسلاهی تربیت کن بگذارم جاهد شوند
مجاهد واقعی همیشه بگورورد گارا، مراضائیم به رضای تو.
اماد رآخره همماتن توصیه می کنم زندگی محمد حقیقت یاب
رابخوانید و بجهت هاسم زندگی اورا بخوانند و سرمشق قرار دهند.
بدروماد عزیزم و برادران و خواهران من استاد ی داشتم
بنام لطف الله میشمی همونکه امت واحد های درست کرده بود
یک جامعه کوچکی تشکیل داده بود مثل یک خانواده و منم یکی
از بچه های کوچک آن خانواده بودم و در آن خانواده بود که راهم
را واسلام را واماسم را شناختم اگرته تهران آمدید حتما بار
سرزنید و یاد دیگر برادران و خواهران این خانواده جدید ما
آشناشویید.

در آخر بعد از شهادت تم یکی از برادرانم از همان خانواده بالا
بنام... را و اص خود قرار مید هم که جنازه ام راهر کجاکه خواست
دفن کند البته اگر در بروخن پیش روید روماد م باشد بهتراست
ولی باز هم خودش میداند و هر طور که صلاح دانست.

والسلام فرزند شما کریمه عباس
۶۰/۳/۱۳

تقدیم به امت واحد نهضت مجاهدین خلق
بسم الله رب الشهداء

باتوجه به ویژگیهای انقلاب اسلامی بر رهبری امام خمینی و
ویژگیهای کفر جهانی (کمپ دیوید) بسرکردگی آمریکسا و مزدوردست
نشاند هاش صدام کفر این جنگ تضاد بنیادین جهان است تضاد
حق و باطل، جنگ اسلام و کفر و بایه عبارت دیگر قرار گرفتن جبهه
مستضعفین در مقابل جبهه مستکبرین می باشد و تمامی مسائل
داخلی نیز باید در رابطه با این جنگ حل شود و با تمام قوا باید از
موضع این جنگ برخوردار بود و همین خاطر است که ما با تمام کسانی
که به عراق به طریقی کمک می کنند در ستیزیم و نیز کسانی را که
میخواهند در مقابل این مسئله چه در داخل و چه در خارج جبهه
دیگری باز نمایند متافق و دشمن انقلاب می دانیم. مشکلات جمع
مانیز در رابطه با همین جنگ حل خواهد شد و من نیز شرکت در جنگ
رایک زندگی جدیدی برای خود میدانم زندگی مکتبی نظامی
سیاسی و زندگی تا اسیانم راه آزمایش بگذارم و ایدئولوژی خود
را امتحان کنم که تا حد واقعی است.

اما آنچه که باین جامعه نسبتا اسلامی یعنی نهضت مجاهدین
این امت واحد که بوسیله آن من تا حدی خد ایسم و
اسلام ر استین و خط امام را شناختم و آموختم که مسلمان یعنی

کس که اسلام و قران را در لحظه لحظه زندگی نقش داشته
باشد نه اینکه فقط در شناسنامه نقش بسته باشد و نقش خدا در
استراتژی و کارهای روزمره چیست؟ میخواهم بعنوان توصیه ذکر کنم.

۱- ملاک تمامی کارهای ما مرتباً االی الله باشد بآیه ان العالی تمکن
و میگوید و الله رب العالمین دارا هاسم عمل خویش قرار میدهم که رضای خدا
و با عمل صالح اسوز رتد و رتد رتد اسلام بر حبر رانا خمینی و هدایتان به
رنا سرمان و دیگر آئید هتوتیت و حق ایدر لوری یک هتوتیت به خط امام
خمینی در رضای خود بآیید با توجه به این ملاک حال در سال ۱۳۶۱ کار کرده ام و در تمام این
میسم از سنامه خانیتم تا تمایل کردن و حال نوشتن تا جبهه رفتن کن شمال بر سر
خودم و هم که بآیید از تیرهای و بآیید به این سنامه حرکت من در سنامه نیز به رضای
هم آید الله رب العالمین است و در

۲- تا دفع مبارک کامل و مستقیم سلام و در تیرهای را و در هر موقع قدرتم بگریم از جبهه
به شهر نرم و از رفیق شد اینجا از شدت افتاد خوب است تعداد
انبندان و خواران به جنوب لبنان بروید و بجرم کمی کتب مفید است
شیوه کفر مکتبی و اسلامی کتب را بانها انتقال بدهند و بدین طریق پیوند بین
مستضعفین را عمق ایدر لوری یک پیوند

۳- ما رسد با قران را از مکتب فکری که کاره بیان آید و در تمام مسامه
مداخل یک آیه از قران را بخوانید تا پیوند بین است

۴- ترکیب کنیم مکتب کار خود را معین بزند البته مکتب فکری که در تمام دنیا
در حرکت و عمل صالح زین مکتب است

زنبا افوغ طینا صیلا و ثبت اتنا ما و لغو ما علی القوم الکافرون
به امید روزی که مکتب نیست سر امام خمینی در مکتب رانا خمینی
نامور یاد بآیید و در تمام کفر میسوم بآیید اما در تمام کفر و رونا و رونا بآیید
در تمام مکتب

والسلام برادر ما عباس
۶۰/۳/۱۳

شود. یقیناً و اقوالی "وبه زبان
مردم سخن گفته آنها را بسیج نماید
"واجمل من اهلی" و "زیر هر سرون
انی اشد و به ارزی و اشرفی فی امری"
ویازد رقاب دعای گوید که
خد اونما برای من وزیر هم تعیین
کن که همفکر باشد و هسارون
برادرش را که مدتها در قم
بنی اسرائیل میزیسته معرفی میکند
تا اورا پشتیبانی کند و شریک امرش
باشد.

"کی نسج کثیرا و نذ کسرک
کثیرا انک کت بنا بصیرا" (آیات
۲۴ تا ۳۵ سوره طه) تا تورا
تسیح کنیم و تورا در کرسی قرار
نمائیم که توکارهای ما آگاهی
ملاحظه میشود که موسی (ع) ضمن
دعا کردن مراحل خط مشی عملی
راهم مطرح مینماید و این همان
عرفان در صحنه است. دعای
عمل نیست بلکه الهی شدن والهی
کردن عمل است.

امام خمینی و دعا

امام خمینی در تفسیر
الهدی در زمینه دعای گویند:
۰۰۰۰ اینهایی که به خیال
خودشان از دعا و کراوینها
مردم را برهیزند و هندک
بجسبند مردم به دنیا به اینها
نمیدانند چیست قصد.

آنها نمیدانند که همین دعا
و همین چیزها انسان رامیسازد
۰۰۰ اما به عدل راهمین انبیا
نی که همه این مسائل در آنها بود
واصل ذکر و فکر همه چیز بودند
اقامه عدل را در دنیا همین ها
می کردند. قیام به ضد مستکرها
را همین های کردند. همان
حسین بن علی (ع) کرد که دعای
یوم العرفه اش را امید آید که چی
است همین دعاها مد این طور
مسائل میشود. همان توجهات
بخدا. این ادعیه انسان را
متوجه میکند به مبداء غیبی اگر
انسان درست بخواند که همان
توجه به مبداء غیبی موجب ایمنی
میشود که انسان علائق نسبت
به خود کم میشود. این نعمات
از فعالیت است، خیر. ایمن
فعالیت هم می آورد. لکن
فعالیت برای خودش نیست می
فهمد که باید فعالیت بکند برای
بندگان خدا، خدمت خدا.
ست. اینهایی که از کتب ادعیه
انتقاد می کنند اینها برای اینست
که خوب نمی فهمند، جاهلند
ببچاره اند. نمی دانند که ایمن
کتب ادعیه چطور انسان رامیسازد.
این دعاهایی که از انچه ما وارد
شده است مثل مناجات شعبانیه
دعای کسبل، دعای حضرت
سید الشهداء (ع) و سمات
اینها چه جور انسان درست می
بقیه در صفحه ۲۱

با ملاک رب را دعای میگوئیم و اینکه
اکر دعاهای ما ابواللهم، رنا،
الهی و رب، خدا یا... شروع
میشود نه اینست که نفی عمل کنیم
بلکه منظور خالص گردانیدن
خد او اکترا کردن نیست است
به منظور الهی شدن.
۴- دعای حضرت
موسی (ع)
در قران آمده است که
از هب الی فرعون لله طغی
خد آوند به موسی (ع) امر میکند
که با فرعون طغیانگر مبارزه نماید.
"قال رب اشرح لی صدری"
موسی (ع) دست به دعا بر میدارد
و از خدا می خواهد که برای ایمن
ماوریت بزرگ سعده صدی عطا
فرماید.
"وسری لی امری، واز
خد آوند می خواهد که مبارزه بسا
فرعون را برای او آسان گردانند و
این "عسر" را "یسر" فرماید.
"واحلل عقده من لسانی" و باز
دعای کند که گره های زبانش گشوده

عرفان در...

"سخن فعلی که از اولیای صادر
میشود یا فعلی که از ماصد ر میشود
چون مبداء اش فرق میکند
ببجهت نیست که "ضربه علمی
یوم الخندق افضل من عبادة
الثقلین" خوب یک دست فروه
آوردن برای کشتن یک نفر...
یک جهت هم قضیه آن خلوص
والهیتی که در مطلب است. آن
آدمی که وقتی روی سینه اش
شخص می نشیند و اوتف می -
افد از بد به اوبه حسب نقل بلند
میشود مباد ایک وقت تاثیر کرد
باشد و این از الهیتش افتاد باشد
و جهت نفسانیت پیدا کند، مباد
یک وقت اینطور شود...
مولوی در همین مورد میگوید:
از علی آموزا خلاص عمل
شیر حق را در ان مبرا از دغل
عرفان در صحنه و آن حالت
الهی شدن علی (ع) و اصولا عمل

اطلاعیه نهضت مجاهدین خلق

تجاوز بعث از طریق بسیج نظامی
مردم
۲- تصویب نامه اخیر شوروی
عالی دفاع و کابینه جهت اعزام
اسرای داوطلب جنگ تحمیلی به
جبهه های نبرد ضد صهیونیستی
در جنوب لبنان و سوریه.
۳- عزل بنی صدر از رهبری
ائتلاف علیه جوهر انقلاب اسلامی.
عاملین این انفجارات
میخواهند نهاد ها و ارگانهای امام
راه برخورد کور و خشونت دعوت
نمایند، غافل از اینکه ملت
مستضعف ما، موشک های نهمتری
صد ام را تحمل کرد و موه کسک
رهنمود های اسلامی امام، مقابله
به مثل نمودند.
ما خواهان برخورد فعال مردم
در مقابل توطئه ها و تحفظ
آرامش و هوشیاری و همچنین جدی
گرفتن دفع تجاوز از وطن اسلامی
در شرایط حساس کنونی هستیم.
از طرف: لطف الله میشمی
۶۰/۴/۸

بنام خدای پرورش دهنده شهید

بقیه السیف ابقی عدد او اکسرا
ولدا
باقیمانده کارزار حق و باطل
ماناترین و مولد ترینند. علی (ع)
نهضت مجاهدین خلق ایران
عمل ارتجاعی کمپ دیویدی
انفجارهای پنجم و هفتم تیرماه
۱۳۶۰ را محکوم نمود و شهادت
نمایندگان مجلس و اعضای حزب
جمهوری را به امام امت و
رزمندگان جبهه های جنگ اسلام
و کفر کمپ دیویدی و همچنین
خانواده هایشان تبریک و تسلیت
میگوید.
منشاء و محرک این انفجارات،
خشم محافل امپریالیستی و
صهیونیستی از موارد زیر میباشد.
۱- اراده خلق مستضعف
به رهبری امام خمینی در دفع

معرفان در صحنه

مناسبت ماه مبارک رمضان

بسم الله الرحمن الرحيم

این روزها بسیاری بینیم رزمندگان که دعای خوانند شبها زاهدانه و روزها شیرجه‌بویا دشمن کمپ دیویدی مبارزه بی - امان دارند . فراموش نکرده ایم که یکی از شعارهای انقلاب "نیایش شبانه ، جنگ مسلحانه بود" یعنی مردم جنگ با حکومت نظامی رازدل دعاهاى شبانه رمی آورند - بعضی ها با تسمخه‌ری گویند : ای بابا ، بادعا که نمی توان تانک رازکارانند اخت ، بادعا که نمی - توان تیراندازی کرد و بادعا که نمی - توان دشمن را گشت . اینها فلسفه قرآنی دمارانی دانند بشرح بیشتر مطلب می پردازیم :

۱ - رحمت ذاتی است و انتقام تبعی

بعد از انقلاب طرز تفکری وجود داشت که میگفت ۹۷ درصد از صفات خدا رحمت است و رافت و ۰۰ سه درصد از صفات خدا اقهارت و انتقام گیرندگی است و نتیجه میگرفت که نباید ضد انقلاب آشکارا اقدام کرد . در صورتیکه اگر با انکابه رحمانیت و رحمت خدا استدلال کنیم ، خواهیم دید که انتقام یعنی رحمت است و از موضع دلسوزی و عذاب کمتر است که بایستی ضد انقلاب آشکارا اقدام شود .

امام خمینی در تفسیر الحمد گفته اند : "رحمت ذاتی و انتقام تبعی است . یعنی به اعتبار رحمت خداست که از دشمن انتقام میگیریم ."

این حالت را دعایا عرفان در صحنه میگوئیم . وقتی که عمل انتقام با ملامت حق انجام گیرد و اصولا عمل با ملامت رب را دعا گوئیم .

۲ - وحدانیت ذاتی است و قهاریت تبعی

یوسف صدیق (ع) بهم بندهش گفت : "۱۰۰۰ ارباب متفرقون خیر

ام الله الواحد القهار" آیه ۲۹ - ۱۲ (سوره یوسف) آیخداى واحد قهار بهتر است یا خداى واحد متفرق " در این جایوسف (ع) قهارت خدا را عین وحدانیت میدانند و خط مشی قهرآمیز یا ارباب متفرق رازدل خدا - ی واحد در می آورد .

فلسفه دعائین است که اعمال خود و خط مشی خود و قهر خود علیه دشمن رازخدا اوصاف خدا در آوریم و یا تکیه به صفات ذاتی خدا عمل نمائیم که عمل با ملامت رب همان عرفان در صحنه یا دعاست .

ملتی راملا حظ کنیم مثل ملت ایران ، ملتی که عشق بخداى واحد دارد ، وحدت طلب است تجلی خداى واحد را در امت واحد میداند . دعای این ملت بسوی خدا یعنی تحقق امت واحد حال وقتی کمپ دیوید در سر راه این نیازو این نیایش و این عشق بخدا قرار میگیرد و سدا راه کمال میشود همین نیایش ، همین وحدت طلبی به قهر تبدیل میگردد و از این نیروها دفع تجاوز می کند .

۳ - حضرت علی (ع) بعبادتى برتر از جن وانس داستان نبرد حضرت علی (ع) با عمرو بن عبد ، در جنگ خندق مشهور است . در حیوچه جنگ عمرو بر روی حضرت آب دهان انداخت . حضرت علی (ع) لختی صبر می کند تا خشم ناشی از این عمل فرو نشیند و پس از آن به جنگ ادامه دادند بطوریکه فضیلت حضرت علی (ع) در روز خندق بیشتر از عبادت جن وانس ذکر شده است .

امام خمینی در تفسیر الحمد در همین مورد میگویند که : (۱) گفت : "۱۰۰۰ ارباب متفرقون خیر

یادی از مجاهد شهید عباس پروغنی

مناسبت دهم تیر اولین سالگرد شهید *



اسلامی و انقلاب برایشان سخن گفت . او اسلام را در تحقق و عمل بان میدید رشد آگاهی را در تحقق نیازها میدانست . و همین دلیل بود که مردم روستا و شهر صادقانه عباس را دوست داشتند و موقع تشییع جنازه اش بطور خود - جوش جمعیت کبیری در شهر و در بروغن جمع شدند .

۳ - عاطفه در کار در مکتب عباس از موقعیکه با نهضت مجاهدین آشنا شد و کار مکتبی کرد بر طبق همان شیوه خود هرچه را میاموخت در عمل خود را بان متعهد و ملزم میدانست . یکبار یکی از بچه‌هایی که از نهضت جدا شده بود او را دیده بود و گلایه کرده بود که خوب حالا نهضت بکارولی رفاقت ما که جایی نرفته . دیگر سراغ نیایی رابطه عاطفی که بیا شد . عباس با قاطعیت گفته بود : من به مکتب معتقدم و عاطفهام هم در همین کادر است کسیکه به مکتب عمل نمیکنند منم رابطه عاطفی با او ندارم . باتو هم تا وقتی در جهاجوب مکتب و اصول بودی عاطفه داشتم حالا ۴ - عباس در شهر هم در جبهه بود با شروع جنگ نهضت مسئولین امر تماس گرفته و خواستار فعالیت و بکارگیری استعدادها - یش در این امر شد . گفته شد بقیه در صفحه ۲۲

انقلاب و توطئه‌های علیه آن آشنا - نشان کند . این نشان میداد که او نیازش نجات مستضعفین و محرومین بود و در کار تولیدی و اداری هم همین امر را دنبال میکرد .

۲ - وحدت قول و عمل در اوائل انقلاب در سبزوار تعدادی برادران در جهت رسیدگی به وضع روستائیان اقداماتی شروع کردند و همراه پیام امام دفتر جهاد سازندگی را تاسیس کردند . عباس از اولین کسانی بود که باین جریان پیوست و با عشق و علاقه شروع به کار عملی کرد . در آن موقع برادران علاوه بر کارهای عملی و سدی به کار سیاسی ایدئولوژیک نیز می - پرداختند . سعی بر این بود که همراه کار عملی در روستا از اوضاع کلی انقلاب غافل نشوند . هر کدام از برادران در وجهی عمده فعال میشدند .

عباس نسبتا کمتر در کلاسها شرکت میکرد و بیشتر در روستاها بسر میبرد . می گفت ما برای آگاه کردن روستائیان باید در عمل برای آنها کار کنیم . اگر صرفا حرف بزنیم و تبلیغات کنیم دردی دوا نمیکنند . آنها از کسانی که فقط حرف می زنند و عده میدهند نظر خوشی ندارند . باید کار کنیم و همپای آنها به نیازهایشان عمل کنیم آنوقت میشود راجع به مسائل

بنام خدای شهیدان در دهم تیرماه سال گذشته بود که شهید کربلایی عباس پروغنی باردیگر به کربلا رفت . اولین بار هنوز بچه شیر خواره بود که به زیارت قبر امام حسین (ع) موفق شد و راه حسین (ع) را الگوی زندگی خویش قرار داد . این بار او خود در صحنه نبرد واقعی حق و باطل در کربلای جغالیونند بود . او در صف یاران حسین (ع) و در راه خونبارش به تلاش خالصانه و عباس و ارشغول بود و خود الگوی نسی راه حسین (ع) شده بود . ماشیوه ها و وصایای او را بازگو می کنیم تا راهنمای عمل مآثران گردیم .

۱ - در مستضعفین قبل از انقلاب برای یکدوره کارآموزی به خوزستان رفته بود و در اداره راه کار میکرد . گرچه کارش جنبه تولیدی داشت ولی عباس در این دوره چنان با کارگساران و کارکنان پیوند خورده بود که دست صمیمی و رازدار آنها شده بود . او شناخت خوبی از نیروهای آنجا و اوضاع مردم بدست آورده بود و نسبت به مستضعفین آنجا عشق و علاقه پیدا کرده بود . بطوریکه وقتی عباس با جمع نهضت کار میکرد پیشنهاد کرده بود که از طرف نهضت به اهواز برود و در آنجا دستاوردش را ببیند و به مسائل

پروانه رسمی انتشار راه مجاهد

جمهوری اسلامی ایران
وزارت مشاوره اسلامی
اداره نشریات و مطبوعات

آقای لطف المیشی
توسط آقایان تهرانی ، درمات ، ضرب ۱۳۵۸ ، ۵ ، ۲۰
پروانه انتشار راه مجاهد به روش سیاسی ایدئولوژی
تزیین منسکی ، شهرستان تهران ، نام شهید پروغنی
در شماره ۲۱۵۲ تاریخ ۱۳۶۰ ، ۱ ، ۲۲ ثبت گردید .
بنام عالی و تقدیر بر بابت نشریات و تقویمین به نشر شهید

ماه مبارک رمضان
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
ریز نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول :
مهندس لطف الله میثمی
صندوق پستی : ۷۱/۵۴۴

این هشتمین شماره راه مجاهد است که با اهداف مذکور در آئین نامه منتشر شده است .
کلیه انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود را در جهت بهتر شدن کیفیت نشریه ، هر چه سریعتر در اختیار ما قرار دهید .
با تشکر ، راه مجاهد